

## در این شماره می خوانید:

نگاهی به رویکرد کشورهای توسعه یافته صنعتی به آینده اقتصاد کشور

● ایران، آلمان خاورمیانه می شود؟ ..... ۱۴

شرکت های سرمایه گذاری آستین ها را بالا بزنند

● توسعه صنایع کوچک؛ راهبردی برای سودآوری و

مهاری بیکاری ..... ۱۶

ارزیابی برخی داده های همیشگی در اقتصاد ایران

● تورم کاهش یافت؛ اما خط فقر کجاست؟ ..... ۱۸

● وظایف و مسئولیت های کارکنان کارگاه در

پروژه های ساختمان و نصب ..... ۲۱

نگاهی به حضور خصولتی ها در اقتصاد کشور، بعد از دوران پساتحریم

● شراکت با بخش خصوصی توان صادراتی را تقویت

می کند ..... ۲۲

● چشم انداز اقتصاد جهان تا سال ۲۰۵۰ ..... ۲۴

● میرزا تقی خان بنیان گذار دارالفنون ..... ۲۷

بهترین گل زنان تاریخ لیگ قهرمانان اروپا

● جدال تمام نشدنی مسی و رونالدو ..... ۲۹

● سنگربندی میکروپها در تلفن همراه ..... ۳۰

● یک فنجان چای ..... ۳۳

● شکوه پیش رفتن ..... ۲  
دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی

در مراسم دومین سالگرد تاسیس بیمه سرمد صورت گرفت:

● رونمایی از نخستین باشگاه مشتریان در صنعت بیمه کشور ..... ۳

تحلیل های نفتی، بعد از آخرین گزارش آژانس بین المللی انرژی چه می گویند

● نگاه سرمایه گذاران خارجی به نوسان بهای نفت ایران ..... ۴

آخرین گزارش صندوق بین الملل پول از اقتصاد ایران

● از ضعف ساختاری تا رونق اقتصادی در سال ۹۵ ..... ۶

گفت و گو با یک کارشناس اقتصادی درباره فرصت ها و چالش های سهامداری در اقتصاد ایران

● سرمایه گذاران دور اندیش ضرر نمی کنند! ..... ۸

گزارشی از سخنرانی مدیرعامل گروه سرمایه گذاری خوارزمی در نشست علمی - تخصصی انجمن روابط عمومی ایران:

● روابط عمومی؛ تصویر سازی مثبت و ارزش افزا ..... ۱۰

● توانمندسازی مردم، راه تحقق عدالت ..... ۱۲

● معمای بازار چندوجهی ارز ..... ۱۳

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه ها و گزارش ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آنها از سوی ماهنامه نیست.

### ضوابط درج مقالات در ماهنامه "و خارزم"

ماهنامه و خارزم از دریافت مقالات علمی، تخصصی و کارشناسی در حوزه های مرتبط با اهداف راهبردی گروه سرمایه گذاری خوارزمی به ویژه در زمینه های اقتصاد کلان، تحولات بازار سرمایه، فناوری اطلاعات، برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی استقبال می کند. مقالات ارسالی باید شامل این موارد باشد: عنوان مقاله، نام و مشخصات نویسنده یا مترجم (شامل عنوان اصلی علمی و شغلی، شماره تلفن تماس و نشانی الکترونیکی). چکیده و متن کامل مقاله (مقدمه، متن، نتیجه) در قالب نرم افزار Word - فهرست منابع و پیوست های احتمالی. حجم مقالات ارسالی حداکثر تا ۱۰ صفحه A4 (معادل ۳۳۰۰ کلمه) باشد که با احتساب تصاویر، جداول، نمودارها و تیتراژ، نهایتاً از ۴ صفحه نشریه بیشتر نخواهد بود. تحریریه ماهنامه و خارزم، در ویرایش محتوایی و شکلی مطالب واصله آزاد است و اصل مقاله نیز به ارسال کنندگان محترم مسترد نمی گردد. مسئولیت محتوای علمی - حقوقی مطالب با نویسندگان یا نویسندگان است و ماهنامه از انتشار مقالات منتشر شده در سایر نشریات و رسانه ها معذور می باشد.

vakharazm@kharazmi.ir

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا کلیچ خانی

همکاران این شماره: سعید بختیاری، سحر

قاسم نژاد، علی پویا، ایلینا پیرولی، علی ماندگار،

محمدعلی مومنی، فرید دانشفر، فرزانه قبادی،

مانی قنادزاده، سوگند چاوشی

طراح جلد: طاهرا مرادی

گرافیک و صفحه آرایی: نادر قبله ای

ویراستار: شیدا محمدطاهر، مرجان ابری

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵ - فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک:

vakharazm@kharazmi.ir



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی  
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه گذاری خوارزمی



شماره ۲۲ - دی ۱۳۹۴

جناب آقای دکتر شهرام قبادی  
مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت می گوئیم

## شکوه پیش رفتن

● دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

حرکت بر مبنای برنامه راهبردی؛ خود باید راهبردی باشد، بدین معنی که اگر لازم است مدیران در اداره سازمان به اهداف بلندمدت برنامه توجه کامل داشته و به آن وفادار باشند، به دو نکته مهم نیز باید توجه کنند؛ نخست این که برنامه بلندمدت خود از برنامه‌های کوتاه‌مدت تشکیل می‌شود؛ همان گونه که یک سفر طولانی و مسیر دراز آن، از گام‌های کوچک شکل می‌گیرد و بنابراین باید به تک تک قدم‌های کوتاهی که برداشته می‌شود توجه کرد و دوم این که این گام‌ها باید موزون و متوازن باشند تا نیل به مقصد به‌درستی عملی شود. بدون هماهنگی و توازن بین برنامه‌های کوتاه‌مدت و برنامه راهبردی، اهداف بلندمدت شرکت ممکن است دور از دسترس قرار گرفته یا دستیابی به آن‌ها هزینه‌ای گزاف طلب کند. تجربه حکایت از آن دارد که در مسیر رسیدن به اهداف، هیچ‌کس نتوانسته با سرعتی ثابت در راهی هموار قدم بردارد و پیش رود. خاصیت مسیر این است که گاه بسیار هموار است و مستعد تاختن و گاه ناهمواری‌هایی دارد که باید با احتیاط و کم‌ترین سرعت ممکن از آن‌ها عبور کرد، زیرا مقصود رسیدن به مقصد است و نه در راه ماندن یا سقوط به دره. برگشتی هم در کار نمی‌تواند باشد. زیرا راهروان تعهد پیش رفتن دارند و نیک آگاهند که با وجود این که منزل بس خطرناک است و مقصد ناپدید، ولی به قول حافظ شیرین‌گفتار، هیچ راهی نیست کان را نیست پایان، غم مخور.

اکنون در میانه‌های سال سوم برنامه راهبردی هفت‌ساله گروه خوارزمی در مسیر ارزش‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها، راهروان از یک‌سو با افق روشن‌تر و امیدبخش‌تری از مقصد روبه‌رو هستند، که نتیجه توافق هسته‌ای و نزدیکی زمان اجرای برجام آن را به تصویر کشیده است و از سوی دیگر با چالش‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند که در نتیجه رکود نسبتاً طولانی حاکم بر اقتصاد و همچنین حرکت دولت به سمت ایجاد انضباط مالی ایجاد شده‌اند. طبیعی است که جراحی‌های جدی؛ دردهای جدی و عوارض جدی‌تری نیز دارد.

فضای پس از اجرایی شدن برجام و رفع بخش مهمی از محدودیت‌های بین‌المللی - البته نه همه آن‌ها - فرصت‌های منحصر به فردی را در اقتصاد ایران ایجاد خواهد کرد، که گروه خوارزمی نیز برای بهره‌برداری از آن‌ها به میزان سهم خود برنامه‌ریزی کرده و با اشتیاق در انتظار باز شدن این فضا و مساعد شدن میدان عمل است. در این راستا، شرکت مسیره‌های هشت‌گانه‌ای را برای گسترش فعالیت‌های بین‌المللی مورد نظر قرار داده، که تنها یکی از آن‌ها که فعال‌سازی شرکت تجاری فرعی در امارات متحده عربی بود، در سه ماهه نخست فعالیت به سودآوری مطلوبی رسیده است. تشریح تک تک مسیرها برای سهام‌داران ارجمند و همکاران گروه، نیازمند فرصتی وسیع‌تر است، که می‌تواند موضوع یکی از شماره‌های آتی و خارزم باشد. خلاصه کلام این که، گروه گام‌های نخست ورود به عرصه بین‌الملل را با استواری برداشته و به فضل الهی، موفقیت‌آمیز نیز بوده است. اکنون هفته‌ای نیست که شرکت مادر و شرکت‌های گروه، مذاکره‌ای با شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی نداشته باشند، که از برخی از آن‌ها بوی موفقیت و به انجام رسیدن امور نیز به مشام می‌رسد. برداشتن گام‌های اولیه اجرایی برای فعالیت در طرح‌های سودآور وزارت نفت - اعم از نفت و گاز و پتروشیمی - و تایید و تصویب آن از سوی هیئت‌مدیره محترم اقدام ضروری بعدی بود، که تحقق پیروزمندانانه شعار محوری ثروت‌آفرینی پایدار را تضمین می‌کند. تلاش شرکت توسعه معادن صدر جهان برای اتمام فرآیند اکتشاف و بهره‌برداری از معادن طلا، با وجود آن که به‌کندی پیش می‌رود، با ثمردهی در سال‌های آتی، تحقق شعار پیش‌گفته را عملی‌تر خواهد ساخت. اکنون گروه در پی آن است تا با بهبود و ارتقای عملیات شرکت‌های فرعی و وابسته، رسیدن به رویای دارایی و سود پیش‌بینی‌شده در برنامه راهبردی را به واقعیت تبدیل کند. بدیهی است که در عین پرداختن به این گام‌های راهبردی به صورتی جدی، اتخاذ تدابیر کوتاه‌مدت برای شش ماه باقی مانده از سال مالی نیز ضرورتی اساسی دارد، اگرچه ایجاد توازن بین اولویت‌های شش ماه آتی با اولویت‌های برنامه راهبردی به‌غایت دشوار است و تسمه از گرده گاو توفان می‌کشد.

انتظار رشد در سودآوری سال جاری در شرایطی که رکود سختی بر اقتصاد حاکم است و خود را با وضوح هرچه تمام‌تر در شاخص بورس به رخ می‌کشد، اگرچه انتظار غریبی به نظر می‌رسد اما تلاش برای برآورده ساختن آن از سوی گروه خوارزمی نیز وظیفه بدیهی و طبیعی تک تک مدیران و کارکنان گروه است. دشواری اساسی در این مسیر کم نیست، در حالی که به دلیل کسری بودجه شدید دولت، قیمت برق در سال‌های گذشته و جاری، با وجود وعده‌های داده‌شده افزایش مناسب و عادلانه‌ای نیافت، عدم دریافت وجوه حاصل از فروش برق نیروگاه منتظر قائم به دولت نیز چالش‌هایی جدی برای شرکت توسعه برق و انرژی سپهر رقم زد و نظر گروهی از کارشناسان محترم سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص روش شناسایی دارایی و سود نیز - که به اعتقاد راسخ شرکت، کاملاً منطبق با واقعیت و محتوای تجاری نیروگاه و همچنین قرارداد و الحاقیه‌های خرید آن بوده و مدارک پشتوانه این ادعا نیز به‌طور کامل تسلیم بورس شده است - از جمله چالش‌هایی است که از سرعت دستیابی به اهداف مربوط به خرید نیروگاه کاسته است. به‌علاوه، شرایط حاکم بر بازار اوراق بهادار به‌گونه‌ای است که امکان خرید و فروش سهام مختلف برای خوارزمی را که به دلیل موضوع فعالیت اصلی‌اش، یکی از منابع مهم سودآوری در شرکت‌های سرمایه‌گذاری است، با محدودیت اساسی روبه‌رو کرده و از این طریق نیز بر دشواری‌های دستیابی به سود افزایشی، افزوده است. گردش کند نقدینگی در اقتصاد نیز خود عامل مهم دیگری است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد.

در چنین شرایطی، گروه ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها، راه خود را ادامه می‌دهد و با ایمان و توکل قدم برمی‌دارد تا حتی در افق شش ماه آینده نیز بر نیمه پر لیوان تمرکز کند و پیش رود. اکنون تمامی سعی مدیران و کارکنان این است و این باید باشد که در سی‌ویک خرداد نودوپنج، علاوه بر این که افزایش قابل قبولی در دارایی‌های گروه رخ داده، سود پیش‌بینی‌شده نیز تحقق یافته است و این البته در گرو تمرکز دقیق بر عملیات شش ماه باقی مانده از سال مالی است. برنامه‌های اولویت‌دار گروه در کوتاه‌مدت علاوه بر تمرکز تمام و کمال بر شش ماه باقی مانده، شامل حل و فصل موضوع تقسیم سود با سازمان بورس و اوراق بهادار و برگزاری مجمعی شایسته در این راستا و همچنین پیش بردن طرح‌های توسعه گروه در تمامی شرکت‌ها و بخش‌هاست تا این گروه ثروتمند بتواند بر ثروت خود بیش از پیش افزوده و با سرعت مناسب‌تری بر بالندگی خود ادامه دهد. گردنه ناهموار، مه‌آلود و لغزنده رکود اقتصادی، چالش‌هایی به وجود آمده برای شرکت و سختی‌های حین جراحی و اصلاح اقتصادی و دردهای بعد از آن که پشت سر گذاشته شود، مسیر بعدی درخشان و هموارتر است و پیش رفتن باشکوه‌تر.

تو پای به راه در نه و هیچ میرس

خود راه بگویدت که چون باید رفت...



در مراسم دومین سالگرد تاسیس بیمه سرمد صورت گرفت:

## رونمایی از نخستین باشگاه مشتریان در صنعت بیمه کشور

حضور خود در جمع تمامی ذی‌نفعان، سهام‌داران و به‌ویژه بیمه‌گذاران برتر ابراز خرسندی کرده و از تلاش‌های صورت‌گرفته توسط اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل، مدیران و کارشناسان بیمه سرمد تشکر ویژه به عمل آورد.

لله‌گانی با بیان این‌که در حال حاضر هم‌افزایی بانک - بیمه روزبه‌روز بیشتر در جهان مورد توجه قرار می‌گیرد، گفت: فعالیت از طریق بانک - بیمه دارای دو دسته از موافقان و منتقدان است که طبق نظریه موافقان، حضور بانک سهام‌دار در کنار شرکت بیمه، موجب می‌شود تا بانک از توان مالی و نقاط قوت و ضعف شرکت بیمه زیرمجموعه خود شناخت کامل داشته باشد؛ در مقابل منتقدان این طرح نیز اعتقاد دارند چنانچه بحرانی برای هر کدام ایجاد شود، هر دو سازمان به‌عنوان ذی‌نفع واحد تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند، که ایراد اساسی به این طرح است.

مدیرعامل بانک صادرات گفت: بنابراین بهترین حالت، حضور چند مجموعه بزرگ در ترکیب سهام‌داران شرکت بیمه است.

وی در خاتمه بر لزوم تکریم ارباب رجوع تاکید کرد و یادآور شد: شعب بانک صادرات ایران مکان مناسبی برای ارائه خدمات مناسب و قابل دسترس بیمه سرمد است و امیدواریم با بهره‌مندی از این شرایط، سال آینده شاهد رشد بیشتر پرتفوی این شرکت باشیم.

### رونمایی از نخستین سامانه باشگاه مشتریان

در این مراسم همچنین در حضور مدیران ارشد، سهام‌داران بانکی و سرمایه‌گذاری، بیمه مرکزی ج.ا.ا، دبیرکل سندیکای بیمه‌گران ایران و مدیران ارشد شرکت‌های بیمه‌گذار، نمایندگان و کارگزاران برتر، از سامانه باشگاه مشتریان رونمایی شد.

مهدی مهدوی، معاون طرح و توسعه بیمه سرمد در این مراسم در این خصوص توضیحاتی را ارائه داد و ضمن تاکید بر فعالیت دوساله تیم بیمه سرمد برای طراحی سامانه باشگاه مشتریان گفت: برای ایجاد ارتباط عمیق‌تر با مشتریان، این سامانه طراحی شده است که بیمه‌گذاران می‌توانند با عضویت در آن خانواده خود را نیز دعوت و به عضویت این باشگاه درآورند و همچنین در صورت خرید بیمه‌نامه به صورت اعتباری، اقساط بیمه‌نامه را از طریق همین سامانه پرداخت کنند و از تسهیلات و تخفیفات ویژه این باشگاه بهره‌مند شوند.

وی با اشاره به این‌که این سامانه نخستین سامانه باشگاه مشتریان در صنعت بیمه کشور است، یادآور شد: هدفی که در طراحی این سامانه دنبال می‌شود، ایجاد حس ارزش در مشتری و رابطه مستمر و نزدیک میان مشتری و بیمه سرمد است.

۲۰ درصد از سهام بیمه سرمد متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) است.

نخستین باشگاه مشتریان در صنعت بیمه کشور، طی مراسمی در سومین سالگرد تاسیس شرکت بیمه سرمد رونمایی شد. ۲۰ درصد از سهام بیمه سرمد متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) است.

این مراسم با حضور آقایان دکتر اسماعیل لله‌گانی مدیرعامل بانک صادرات ایران، دکتر حجت‌اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، دکتر محمدرضا جاوید مدیرعامل گروه توسعه اقتصادی رستا، اسکویی مدیرعامل آرمان صادرات سپهر و حسینی‌نسب مدیرعامل همیاری غدیر، حبیب میرزایی معاون نظارت بیمه مرکزی، مهندس علی‌اکبر اولیاء دبیرکل سندیکای بیمه‌گران، اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ستادی بانک‌های صادرات، شهر و بیمه سرمد به منظور تقدیر از بیمه‌گذاران، نمایندگان و کارگزاران برتر این شرکت، ۴ آذر ۱۳۹۴ در هتل همای تهران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی بیمه سرمد، علیرضا هادی مدیرعامل بیمه سرمد در این مراسم گفت: ما در اول آبان‌ماه ۱۳۹۲ فعالیت خود را آغاز کردیم و بیمه سرمد با سیاست‌گذاری‌های به‌جا و راهبردی هیئت‌مدیره محترم شرکت و به واسطه حمایت سهام‌داران، از موقعیت مطلوبی به موجب شاخص‌های مالی، بازاریابی و حرفه‌ای برخوردار شده است.

وی ادامه داد: بیمه سرمد امروز از ترکیب فروش حق بیمه مناسب و باارزشی برخوردار است، در بازار بیمه کشور از خوشنامی و اعتبار خوبی برخوردار شده و به‌عنوان شرکتی شناخته شده که نگاه بلندمدت برای حضور و فعالیت در بازار بیمه کشور دارد.

هادی با بیان این‌که از همان ابتدای فعالیت؛ این راهبرد اساسی و بنیادین در بیمه سرمد پایه‌گذاری شد که فعالیت در بازار با رعایت اصول فنی و مالی حاکم بر بنگاه‌داری تحقق می‌یابد، افزود: بیمه سرمد به دنبال کسب سهم از بازار به هر قیمت نیست و هم‌اکنون به موجب شاخص توانگری مالی و معیارهای آیین‌نامه توانگری مالی مصوب شورای عالی بیمه، رتبه مهم و تعیین‌کننده‌های کسب کرده است؛ این شرکت همچنین به موجب برنامه سه ساله، گام به گام خانه‌های پازل حضور در بازار را تکمیل خواهد کرد و متناسب با نیاز مشتریان زیرساخت‌های عملیاتی و فنی خود را تقویت و توسعه خواهد داد تا بتواند به انتظار همه ذی‌نفعان پاسخ شایسته و مناسب بدهد.

### بانک صادرات؛ مکان مناسبی برای ارائه خدمات بیمه سرمد

دکتر اسماعیل لله‌گانی مدیرعامل بانک صادرات ایران نیز در این مراسم از

درست بعد از آن که گزارش آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تأیید کرد و خبرگزاری‌های جهانی از رفع تحریم‌ها در آغاز ژانویه خبر دادند، این نگرانی در محافل کارشناسی شکل گرفت که با کاهش شدید بهای نفت آیا سرمایه‌گذاران خارجی تمایلی برای حضور در ایران دارند؟ پرسش فوق به این خاطر شکل گرفته که میادین نفتی به‌عنوان اصلی‌ترین هدف برای سرمایه‌گذاران جهانی معرفی شده است. با این حساب نفت هم این روزها باعث آزار شاخص‌های اقتصادی شده است. البته این را باید به پای بدشانسی دولت تدبیر و امید هم نوشت، چون برعکس دولت نهم و دهم، مسئولین دولت یازدهم درست از روزی که پا به کابینه گذاشتند بهای نفت دائم روی نوار نزولی بوده است اما مسئولین دولت قبل درست از هنگامی که کلید کابینه را دریافت کردند بهای نفت همواره افزایش داشته است. آن‌ها نفت را تا بشکه‌ای ۱۲۷ دلار نیز فروختند و امروز در بهترین حالت دولت نمی‌تواند حتی به نفت ۴۰ دلاری فکر کند. نتیجه نفت گران اما اکنون برای همه فعالان اقتصادی مشخص شده است چنان که می‌توان به جرات گفت ۷۲۰ میلیارد دلار پول نفت ایران از سال ۸۴ تا ۹۲ دردی از دردهای اصلی بخش‌های مولد اقتصاد ایران دوا نکرد. اما این روزها بزرگ‌ترین پیروزی دیپلماسی به دست آمده است و بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر این باورند که ایران به‌زودی بهشت سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود اما به نظر می‌رسد کاهش بهای نفت پیش‌بینی‌های آن‌ها را تا حدی به ابهام کشانده است.

کاهش قیمت و وجود ۲ میلیون بشکه نفت اضافی در بازار؛ ظاهراً این نگرانی را به وجود آورده است که رغبت سرمایه‌گذاران خارجی کاهش یابد. البته وزیر نفت در روزهای گذشته چنین پدیده‌ای را به رسمیت نشناخت و اعلام کرد کاهش بهای نفت باعث افت سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌شود. او گفت: «هرچه قیمت‌های نفت پایین‌تر بیاید، جاذبه‌های طرف ما بیشتر می‌شود. یعنی وقتی که قیمت نفت ۱۰۰ دلار باشد، از این منظر شرکت‌های نفت خارجی خیلی علاقه پیدا می‌کنند که در نفت‌های گران قیمت مثل شیل اوایل و شیل گس و آب‌های عمیق سرمایه‌گذاری کنند.» او ادامه داد: «ما وقتی قیمت سقوط می‌کند، از آن‌جا که نفت ما با هر قیمت پایینی مقرون به صرفه است، نه تنها منجر به عدم رغبت در سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌شود بلکه رغبت نیز در آن‌ها ایجاد می‌کند.» با این وجود اما هستند کارشناسانی که می‌گویند کاهش بهای نفت ورود سرمایه‌گذاران خارجی را با نگرانی همراه کرده است. در کنار این موضوع اما همچنان گروه زیادی از فعالان اقتصادی از پتانسیل نفت ایران برای سرمایه‌گذاری سخن می‌گویند زیرا اطلاعات جدید نشان می‌دهد که بیش از نصف میادین ایران بالای ۷۰ سال دارند و هزینه تولید نفت ایران پایین‌تر از آمریکا و گروهی دیگر از کشورهاست. این مسئله‌ای است که نمی‌توان از کنار آن به‌راحتی گذشت. برای همین برخی مشاوران سرمایه‌گذاری معتقدند باوجود کاهش بهای نفت، هزینه پایین تولید نفت در میادین ایران و سطح گسترده میادینی که به سرمایه‌گذاری نیاز دارند، بهترین توجیه برای کوچاندن سرمایه‌ها

به سمت ایران است. این ادعا البته جای تامل دارد. برآوردهای انجام‌شده حاکی از آن است که تا بیش از یک‌دهه آینده برای ارتقای موقعیت انرژی در ایران، در بخش نفت حداقل دویست میلیارد دلار، در بخش پالایش و بخش فرآورده‌های نفتی تا ۲۰ میلیارد دلار، در بخش گاز حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار و در پتروشیمی تا ۶۰ میلیارد دلار باید سرمایه‌گذاری صورت بگیرد. این ارقام حاکی است که در مجموع صنعت نفت و گاز ایران به ۳۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و این رقم به‌وضوح گویای عطش این صنعت به سرمایه‌گذاری است.

### کاهش بهای نفت ادامه می‌یابد

باوجود همه ریزنی‌هایی که درمورد جذابیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران وجود دارد، قیمت‌ها تا زمان تهیه این گزارش همچنان میل به کاهش قیمت دارند و پیش‌بینی‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. همین اتفاق در مقابل تحلیل‌های سرمایه‌های باعث شده است تا نگرانی از کاهش رغبت سرمایه‌گذاران برای حضور در نفت ایران نیز دائم به گوش برسد. چند وقت پیش بانک آمریکایی «سیتی» پیش‌بینی خود درباره قیمت‌های ۲ شاخص نفت خام برنت و دبلو تی‌ای آمریکا را بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ کاهش داد. این درحالی است که اعضای اوپک در آذرماه و در نشست ۱۶۸ خود همچنان تولید نفت را در سطح ۳۰ میلیون بشکه در روز حفظ کرده‌اند و بازارهای جهانی همچنان اشباع است. به اعتقاد تحلیلگران بانک سیتی مسائل ژئوپلیتیک و البته بهبود

## سرمایه‌گذاری

تحلیل‌های نفتی، بعد از آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی چه می‌گویند

# نگاه سرمایه‌گذاران خارجی به نوسان بهای نفت ایران



وضع صادرات نفت ایران و عراق سبب پایین ماندن قیمت‌ها شده است. در همین راستا خبرگزاری روسی اسپوتنیک نیز معتقد است که با بازگشت ایران به بازار جهانی، قیمت نفت ۱۰ دلار دیگر کاهش یابد. در کورس و نوسان شدید نفتی چند وقت پیش اما بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت ایران نیز متهم شده است که در کاهش بهای نفت نقش داشته است. او چند ماه پیش اعلام کرد که تولید نفت ایران به‌زودی افزایش می‌یابد و برخی از تحلیل‌گران این ادعا را دلیلی برای کاهش معرفی کردند. حتی برخی از کارشناسان با این عبارت که وزیر پرسابقه ایرانی بی‌تجربه‌گی کرده است، به استقبال زنگنه رفتند. اما او در یکی از برنامه‌های خبری خود چنین ادعاهایی را دور از واقعیت دانست. در واقع نمی‌توان منکر این واقعیت شد که داستان افت بی‌سابقه بهای جهانی نفت که رکورد ۵-۶ سال اخیر را شکسته است، به اجرای سیاست جدید نفتی عربستان در اوپک با عنوان سهم بیشتر از بازار برمی‌گردد. براساس این برنامه که با حمایت تعدادی از اعضای عرب اوپک به تصویب رسید، اوپکی‌ها با رهبری عربستان با هدف خارج کردن رقیب از چرخه رقابت که همان تولیدکننده‌های نفت شیل آمریکا باشد، آن‌قدر تولید خود را افزایش دادند که هم‌اکنون بازار با حدود روزانه دویست میلیون بشکه نفت مازاد روبه‌رو است. این مسئله کاهش بهای نفت و کسری بودجه بسیاری از کشورهای نفتی را کلید زد.

**صعود تولید نفت تا ۶۰۰ هزار بشکه**  
اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز در تازه‌ترین گزارش

**اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز در تازه‌ترین گزارش خود پیش‌بینی کرده است، با لغو کامل تحریم‌ها، تولید نفت خام ایران تا پایان سال آتی میلادی روزانه ۶۰۰ هزار بشکه افزایش یابد. البته برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد سرعت و مقدار عرضه نفت خام ایران به بازارهای جهانی به زمان لغو تحریم‌ها و موفقیت ایران در تولید و فرآیند بازاریابی برای نفت خام تولیدشده بستگی خواهد داشت**

خود پیش‌بینی کرده است، با لغو کامل تحریم‌ها، تولید نفت خام ایران تا پایان سال آتی میلادی روزانه ۶۰۰ هزار بشکه افزایش یابد. البته برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد سرعت و مقدار عرضه نفت خام ایران به بازارهای جهانی به زمان لغو تحریم‌ها و موفقیت ایران در تولید و فرآیند بازاریابی برای نفت خام تولیدشده بستگی خواهد داشت. براساس این گزارش، بخش عمده افزایش تولید پیش‌بینی‌شده برای نفت خام ایران احتمالاً در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ به وقوع بپیوندد. براساس اعتقاد تحلیلگران این سازمان با افزایش تولید نفت خام ایران وضع اشباع بازار جهانی تشدید خواهد شد. در چنین حالتی احتمال می‌رود تولیدکنندگان دیگر اوپک برای بازگشت تولید نفت خام ایران از تولیدات خود بکاهند و خود را با این شرایط تطبیق دهند. یکی دیگر از بیم‌های کارشناسان جهانی مربوط به فروش ذخایر نفتی ایران است، که این امر هم به ادامه مشکلات در بازار جهانی نفت دامن خواهد زد. در واقع می‌توان گفت نام ایران این روزها در همه تحلیل‌هایی که برای کاهش بهای نفت ارائه می‌شود وجود دارد. شاید این مسئله زیاد مهم نباشد اما این پرسش را به وجود می‌آورد که آیا ادامه کاهش بهای نفت منجر به این نمی‌شود که ایران در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود بعد از تحریم با مشکل مواجه شود. تا حالا که مدیران اقتصادی دولت با اعتمادبه‌نفس به این پرسش پاسخ دادند اما اگر این اتفاق رخ دهد، راهبردی برای مقابله با آن وجود دارد؟

### تحلیل‌ها ادامه دارد...

خبرگزاری سی‌ان‌ان نیز در ماه‌های گذشته بارها به ماجرای بهای نفت و سرمایه‌گذاری‌های نفتی نگاه کرده است. کارشناسان این رسانه جهانی نیز بر این باورند که کاهش بهای نفت سرمایه‌گذاران را پس می‌زند و غول‌های نفتی را از پروژه‌های ایرانی دور می‌کند. به نوشته این خبرگزاری با لغو تحریم‌ها، ایران می‌تواند دوباره نفت را به کشورهای غربی صادر کند و به درآمد ارزی دست یابد، اما یکی از موانع موجود در این راه، قیمت‌های پایین نفت است. صادرات نفت در چنین شرایطی، آن‌طور که ایران می‌خواهد سودآور نخواهد بود. به همین دلیل انتظار می‌رود

ایران با سرعت تمام استخراج نفت خود را آغاز کند. سی‌ان‌ان چند وقت پیش در یکی از گزارش‌های خود مشکل اصلی ایران را تامین بودجه عنوان کرد و نوشت: براساس تحلیل «دویچه بانک» آلمان در سال ۲۰۱۴ ایران برای این که بتواند بودجه خود را تامین کند، به نفت ۱۳۰ دلاری یا حتی بیشتر نیاز دارد، این رقم بسیار بالاتر از قیمتی است که روسیه، عربستان سعودی و کشورهای دیگری چون کویت و امارات در بودجه خود برای نفت در نظر گرفته‌اند. البته در مجموع سی‌ان‌ان آینده روشنی را برای اقتصاد ایران پیش‌بینی می‌کند و می‌نویسد: واضح است که ایران بدون تحریم شرایط بهتری خواهد داشت، حالا این که نفت خود را به کجا صادر می‌کند، اهمیت چندانی ندارد، چراکه لغو تحریم‌ها بدون شک به اقتصاد ایران کمک خواهد کرد، هر چند که نفت ارزان نیز برای ایران مشکلات دیگری در بر خواهد داشت. «فیلیپ کلادک»، تحلیلگر نفتی در بخش تحقیقاتی بلومبرگ نیز با بررسی گزارش سی‌ان‌ان می‌گوید که بیش از نیمی از میادین نفتی ایران بالای ۷۰ سال عمر دارند و نیاز به بازیابی جدی دارند. این امر مستلزم سرمایه کلان و فرآیندی طولانی است.

این روزها و بعد از تایید صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سوی اژانس، تحلیل‌ها در مورد نفت و اقتصاد ایران آن‌قدر زیاد شده‌اند که می‌توان گفت شاخص‌ها گیج شده‌اند و فعالان اقتصادی نمی‌دانند که چگونه باید به این ماجرا نگاه کنند. در این میان اما آنچه همه کارشناسان به آن اشاره می‌کنند موقعیت بکر ایران در سرمایه‌گذاری است. کارشناسان سی. ان. ان نیز نمی‌توانند چشم خود را روی این واقعیت ببندند. آن‌ها بارها در پایان گزارش‌های خود متذکر شده‌اند: «شرکت‌های نفتی نمی‌توانند جذابیت ایران را نادیده بگیرند، چراکه این کشور بخش قابل توجهی از ذخایر نفت‌وگاز جهان را به خود اختصاص داده است و حالا یک منطقه بکر برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.» به عبارتی می‌توان گفت که ظاهراً سرمایه‌گذاران خارجی قصد دارند تا در هر شرایطی دست از اقتصاد ایران برندارند. در این شرایط ای کاش برنامه‌ریزان اقتصادی با تدوین راهبردی، بخش خصوصی و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی را نیز به نحوی هدایت و حمایت می‌کردند، که آن‌ها نیز در این فرآیند حضور جدی داشته باشند. بدون بخش خصوصی نمی‌توان به مردمی بودن این سرمایه‌گذاری‌ها امید داشت. چون تجربه ثابت کرده است که وقتی اوج ثروت در بدنه یک اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی افزایش می‌یابد، ناهنجاری‌های اقتصادی نیز افزایش می‌یابند. تنها راه دور شدن از این ماجرا، مردمی‌سازی فردای اقتصاد کشور است. باید به این موضوع بعد از گزارش اژانس و لغو تحریم‌ها در آستانه ژانویه جدی‌تر نگاه کرد. آن‌طور که مقام‌های آمریکایی می‌گویند در ژانویه تحریم‌های ایران لغو می‌شود. یعنی تا چند روز دیگر باید در انتظار این اتفاق باشیم، اما آیا ما نیز برای ورود هدفمند به شرایط جدید آماده هستیم؟





آخرین گزارش صندوق بین‌الملل پول از اقتصاد ایران

## از ضعف ساختاری تا رونق اقتصادی در سال ۹۵

سرمایه‌گذاران خارجی قرار دارد؛ که نگاه امیدوار صندوق بین‌الملل پول به ماه‌های آینده فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌تواند سرعت آنها را در حرکت و حضور در بساط اقتصاد ایرانی افزایش دهد. تنها چیزی که در این‌جا به نظر می‌رسد تا حدی موجب نگرانی کارشناسان و فعالان اقتصادی شده است، آماده کردن زیرساخت‌های اقتصادی برای پذیرش بهتر سرمایه‌گذاران خارجی است. از این منظر بیشتر وظیفه شاید بر عهده دولت باشد. مسئولین دولتی باید بتوانند راهبردهایی را طراحی کنند که میزان ربایش سرمایه‌گذاران خارجی را در شرایط جدید تسهیل کند، اگر چنین اتفاقی نیفتد این نگرانی وجود دارد که یا سرمایه‌گذاران تمایلی به حضور قوی در اقتصاد نداشته باشند یا در شراکت با نیروهای اقتصادی دولت و شبه‌دولتی‌ها قرار بگیرند که این مولفه‌های آسیبی بزرگ برای اقتصاد ایرانی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد با توجه به چشم‌انداز مثبتی که صندوق بین‌الملل پول از اقتصاد کشور در سال ۹۵ ارائه داده است و همین‌طور اجرای کامل برجام تا چند هفته دیگر (مخصوصاً بعد از گزارش) سرمایه‌های جهانی به‌زودی اردوی خود را در اقتصاد ایران برقرار سازند. تا این‌جا کار همه چیز خوب است اما آیا برنامه‌ریزان دولتی این آمادگی را دارند تا با تجهیز زیرساخت و رفع موانع، سرمایه‌گذاران را در کنار نیروهای مولد و بخش خصوصی ایران قرار دهند؟ فارغ از همه این‌ها، بخش خصوصی ایران و کارتل‌های سرمایه‌گذاری داخلی نیز باید این گزارش را مورد بررسی قرار دهند. واقعیت این است که آمادگی آن‌ها از آمادگی نهادهای رسمی برای تغییر پوست اقتصاد کشور از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. حالا که رونق در ماه‌های آینده در کمین اقتصاد نشست است، فعالان اقتصادی باید حضور فعال خود را در مواجهه و همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی به یک خواست عمومی در اقتصاد تبدیل کنند. هیئت اعزامی صندوق بین‌الملل پول نیز در دیدار خود از اقتصاد ایران و در گفت‌وگو با فعالان اقتصادی به‌نوعی این امر را تایید کرده است. کارشناسان صندوق بین‌الملل پول پس از انجام سفر به ایران، بیانیه‌ای را در این‌باره تهیه کرده‌اند که روی پایگاه اینترنتی صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته است. همچنین قرار است گزارشی درخصوص سفر فوق تهیه و در ماه دسامبر تحویل هیئت اجرایی صندوق بین‌المللی پول شود. بخشی از آخرین گزارش صندوق بین‌الملل پول به نقل از سایت این صندوق و رسانه‌های رسمی در ادامه می‌آید:

### ضعف ساختارها در اقتصاد ایران

هیئت اعزامی در بیانیه منتشرشده نوشت: توافق برنامه هسته‌ای ایران و برداشتن آتی تحریم‌های اقتصادی فرصت منحصربه‌فردی برای بنا نهادن و توسعه دستاوردهای دو سال گذشته فراهم می‌کند. سیاست‌های احتیاط‌آمیز به اقتصاد ایران این فرصت را داده است که در سال گذشته به رشد مثبت بازگردد و تورم را به ۱۵ درصد کاهش دهد. مقامات ایران همچنین دوباره ثبات را در بازار ارز برقرار کرده و اصلاحات مربوط به یارانه‌ها را پیش برده‌اند. این گزارش افزود: اما اقتصاد ایران با چالش‌های ساختاری شدیدی مواجه است. سقوط قیمت جهانی نفت شتاب فعالیت‌های اقتصادی را کم کرده است. بخش شرکتی با تقاضای ضعیف، ذخیره گسترده و اجباری تولیدات و مصرف

در روزهای گذشته اتفاق‌های مهمی در اقتصاد ایران رخ داده است، که هرکدام به نوبه خود می‌توانند مبنای تحلیل‌های خاصی باشند. یکی از این اتفاق‌ها ورود هیئت کارشناسی صندوق بین‌الملل پول به ایران است. این هیئت در راستای برنامه مشاوره اصل ۴ طی روزهای ۱۹ تا ۳۰ سپتامبر اقتصاد ایران را از نزدیک مورد اندازه‌گیری قرار داد و از نتایجی سخن گفت که بخشی از آن می‌تواند فعالان اقتصادی را نسبت به آینده نزدیک توسعه در کشور امیدوار کند. کارشناسان این نهاد بین‌المللی، با نگاه به اوضاع شاخص‌های اقتصادی تخمین زدند که سال آینده برای اقتصاد در ایران همراه با روزهای خوبی خواهد بود و رشد اقتصادی ایران به دلیل گرم شدن تنور تجارت، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی و همچنین بهبود تراز تولید و فروش نفت، به بالای ۵ درصد رشد می‌کند و رونق به این اقتصاد باز می‌گردد. ارزیابی‌های صندوق بین‌الملل پول همواره سندی مهم برای سرمایه‌گذاران جهانی محسوب می‌شود، که با کمک آن محل دقیق کوچاندن سرمایه‌های خود را مشخص می‌کنند. در حال حاضر اقتصاد ایران زیر ذره‌بین

به شوکها پاسخ داد و به ثبات قیمت دست پیدا کرد و این نگاه میان مدت را در خط مشی مالی و ارتقای شفافیت و تقویت عملیاتی بانک مرکزی برای مقابله با موسسات مالی غیرمجاز لحاظ کرد. فضای کسب و کار، حکومت داری و بازسازی ساختار بخش شرکتها و بخش مالی موجب افزایش رشد بهره‌وری و کاهش تورم به خصوص در بین جوانان و زنان خواهد شد. پیچیدگی و میزان مشکلات مستلزم رهبری سیاسی قدرتمند و حمایت از اقدامات قاطعانه و هماهنگ شده است.

### ابهامات ناخوشایند در مورد اجرای توافقی هسته‌ای

این گزارش افزود: ریسک‌های متوجه این چشم‌انداز قابل توجه هستند و دورنماهای خوب درازمدت‌تر بستگی زیادی به عمق اصلاحاتی دارد که انجام می‌گیرد. ابهامات در مورد اجرای توافقی هسته‌ای می‌تواند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ورود نقدینگی به کشور را محدود سازد. بازگشت کامل ایران به بازار نفت می‌تواند موجب کاهش بیشتر قیمت نفت شود و ما ناگزیر از انجام اصلاحات مالی بیشتر شویم. در داخل، وام‌های بازپرداخت‌نشده و حجم پایین نقدینگی در بخش مالی و تولیدی ممکن است سرمایه‌گذاری را تضعیف کند. تقاضاهای سرکوب‌شده از بخش‌های مختلف ممکن است ریسک‌هایی برای ثبات اقتصاد کلان به همراه داشته باشد. از سوی دیگر اگر اصلاحات ملایمی اجرا شود، کاهش تحریم‌ها تاثیر مثبت ملایمی بر اقتصاد کشور خواهد داشت. و اگر اصلاحات عمیق‌تر و جسورانه‌تری در راستای خطوطی که در بالا ترسیم شد انجام گیرد، با افزایش اعتماد و ورود سرمایه به کشور، اقتصاد ایران در مسیر رشد بیشتری قرار خواهد گرفت.

### شاخص‌ها چشم انتظار اصلاحات اقتصادی

به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در آستانه یک شکوهمندی تاریخی ایستاده است. این مسئله را چند روز پیش گزارش آژانس بین‌المللی انرژی نیز تقویت کرد. براساس این گزارش، برنامه‌های هسته‌ای ایران در حال حاضر به سمتی می‌رود که تامین‌کننده خواست کشورهای جهان است. برای همین آن‌طور که مقام‌های امریکایی گفته‌اند با آغاز ژانویه تحریم‌های ایران نیز لغو می‌شوند. این مسئله معنایی ندارد جز این که اقتصاد کشور باید خود را برای صعود آماده کند. از سوی دیگر تلاش‌های وزارت نفت برای تدوین مدل جدید قراردادهای نفتی و قرار گرفتن دوباره در لیست کشورهای پرتوان اوپک نیز حاشیه‌های محکمی برای این صعود فراهم کرده است. منتهی به نظر می‌رسد

آن‌طور که کارشناسان صندوق بین‌المللی پول می‌گویند، اگر اقتصاد ایران تن به اصلاحات لازم ندهد، نمی‌توان سرعت مطلوبی برای این صعود متصور شد. یکی از اصلی‌ترین اصلاحات؛ بدون شک باز کردن مسیر بخش خصوصی و کارتل‌های سرمایه‌گذاری برای حضور هرچه بهتر در بساط جدید اقتصاد کشور است. اگر دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها بخواهند در فضای دوران پس‌تحریم رقیبی برای بخش خصوصی باشند، هم اقتصاد کشور نمی‌تواند کارآمدی لازم را برای شراکت با سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد و هم از سوی دیگر بستر رانت و زد و بندهای اقتصادی در اوج‌گیری سرمایه‌ها، بطالت موجود را افزایش می‌دهد. برای همین برنامه‌ریزان دولتی از حالا باید در این اندیشه باشند که توان و انرژی بخش خصوصی را برای صعود اقتصاد ایران در این فصل جدید آزاد کنند. در غیر این صورت بی‌راه نیست اگر بگوییم شتاب گرفتن مبادله در اقتصاد ایران، زمینه‌ناهنجاری‌های اقتصادی را نیز وسیع‌تر می‌کند.

پایین مواجه شده است. نظام بانکی با حجم بالای مطالبات معوق مواجه است، که این امر منجر به بالا رفتن نرخ واقعی سود بانکی و توقف پرداخت وام به شرکتها شده است. بدهی‌های معوق بخش عمومی بر این مشکلات طی دو سال گذشته افزوده است. در دسامبر ۲۰۱۴ نرخ بی‌کاری در سطح ۱۰.۵ درصد باقی‌مانده است.

### کوچک شدن اقتصاد ایران

هیئت‌اعزامی صندوق بین‌المللی پول در ادامه گزارش خود نوشت: رشد اقتصاد ایران در حال حاضر ضعیف است. سقوط قیمت نفت، ترازنامه ضعیف شرکتی و بانکی و به تعویق افتادن خرید و تصمیمات سرمایه‌گذاری در آستانه لغو تحریم‌های اقتصادی، باعث شده‌اند که فعالیت اقتصادی در ایران از سه‌ماهه چهارم ۲۰۱۵/۲۰۱۴ کاهش یابد. شاید اقتصاد ایران در جریان نیمه نخست ۲۰۱۵/۲۰۱۶ (نیمه نخست سال ۱۳۹۴) کوچک شده باشد، در نتیجه پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی ایران از ۳ درصد در سال ۲۰۱۵/۲۰۱۴ (سال ۱۳۹۳) به رقمی بین ۰.۵ درصد تا منفی ۰.۵ درصد در سال ۲۰۱۶/۲۰۱۵ (سال ۱۳۹۴) برسد و این رقم به زمان دقیق لغو تحریم‌ها بستگی دارد. تورم دوازده‌ماهه در ماه‌های اخیر به ۱۲ درصد کاهش یافته که عمدتاً به دلیل کاهش تورم مواد غذایی بوده است. انتظار می‌رود نرخ تورم تا پایان سال در سطح کمتر از ۱۴ درصد باقی بماند.

### سال ۹۵؛ سال رشد ۵.۵ درصدی اقتصاد

این گزارش افزود: چشم‌انداز اقتصاد ایران برای سال ۲۰۱۶/۲۰۱۷ (سال ۱۳۹۵) روشن‌تر است. انتظار می‌رود افزایش تولید نفت، کاهش هزینه‌های تجارت و مبادلات مالی و دسترسی دوباره به دارایی‌های ارزی رشد اقتصادی ایران را در سال آینده به ۴ تا ۵.۵ درصد برساند. بخش مهمی از این رشد مدیون افزایش تولید نفت ایران (حدافل ۶۰۰ هزار بشکه در روز، در مقابل تخمین رسمی یک‌میلیون بشکه‌ای) و کاهش هزینه مبادلات تجاری و مالی خواهد بود، که سهم ۰.۷۵ تا یک درصدی از رشد اقتصادی را خواهند داشت. بخش زیادی از شتاب رشد همچنین به سرریز رشد تولید نفت به سایر بخش‌های اقتصاد بستگی دارد. افزایش درآمدهای نفتی و تجاری و دسترسی دوباره به دارایی‌های ارزی و سرمایه خارجی می‌تواند به ایجاد فشارهایی برای افزایش ارزش ریال منجر شود. تداوم سیاست تثبیت مالی از جمله با ادامه بسیج افزایش درآمدهای مالیاتی و اصلاحات پارانه‌ای به همراه اتخاذ سیاست‌های پولی احتیاط‌آمیز در کنار هدف تعیین شده از سوی مقامات برای رسیدن به تورم تک‌رقمی در سال ۲۰۱۶/۲۰۱۷ (۱۳۹۵) می‌تواند این فشارهای افزایشی را کاهش دهد. هدف مقامات برای تک‌نرخ کردن ارز اگر با حفظ نرخ واقعی و رقابتی ارز همراه باشد، مورد استقبال صندوق بین‌المللی پول قرار می‌گیرد.

### لغو تحریم‌ها و چالش ثبات اقتصاد کلان

هیئت‌اعزامی صندوق بین‌المللی پول در ادامه گزارش خود نوشت: برای اطمینان از این که لغو تحریم‌های اقتصادی موجب ثبات کلان اقتصادی می‌شود و به رشد اقتصادی بالا و جامع در میان مدت رهنمون می‌شود، انجام اصلاحات جامع ضروری است. مقامات (ایرانی) گام‌های مهمی را طی سال گذشته برداشته‌اند و ارزیابی میزان سلامت مالی نظام بانکی را تکمیل کرده‌اند و پیش‌نویس‌هایی برای اصلاح قوانین بانکی و مقررات بانک مرکزی جهت تقویت چهارچوب‌های نظارت محتاطانه و خط مشی مالی آماده کرده‌اند. آن‌ها همچنین کار بر روی اقداماتی جهت حل مشکل راه‌های فرار مالیاتی وام‌های بازپرداخت‌نشده و بدهی‌های دولتی به بانکها را شروع کرده‌اند. باید اصلاحات بیشتری در سیاست‌گذاری‌ها انجام گیرد تا بتوان به نحو موثرتری

چشم‌انداز اقتصاد ایران برای سال ۲۰۱۶/۲۰۱۷ (سال ۱۳۹۵) روشن‌تر است. انتظار می‌رود افزایش تولید نفت، کاهش هزینه‌های تجارت و مبادلات مالی و دسترسی دوباره به دارایی‌های ارزی رشد اقتصادی ایران را در سال آینده به ۴ تا ۵.۵ درصد برساند. بخش مهمی از این رشد مدیون افزایش تولید نفت ایران (حدافل ۶۰۰ هزار بشکه در روز، در مقابل تخمین رسمی یک‌میلیون بشکه‌ای) و کاهش هزینه مبادلات تجاری و مالی خواهد بود، که سهم ۰.۷۵ تا یک درصدی از رشد اقتصادی را خواهند داشت



گفت‌وگو با یک کارشناس اقتصادی درباره فرصت‌ها و چالش‌های سهام‌داری در اقتصاد ایران

# سرمایه‌گذاران دوراندیش ضرر نمی‌کنند!

اما به هر حال سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها فرصتی را برای مدیران بورس فراهم می‌کند که با ایجاد ظرفیت‌سازی، جذابیت‌هایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در این بازار به وجود آورند. به‌طور حتم چاره‌ای نداریم جز این‌که باور کنیم بورس تنها نقطه عطف تبدیل اقتصاد ایران به یک اقتصاد پرونوق است. در چنین فضایی فرصت‌ها و چالش‌های سهام‌داران نیز تغییر ماهیت می‌دهد.

این محتوای بحثی است که با محمدعلی شهدایی در میان گذاشتیم. او کارشناس و صاحب‌نظر مباحث بورسی است و بر این باور است که فرصت‌های خوبی در انتظار سهام‌داران است. او می‌گوید: «بازار سرمایه باید تبدیل به محور اقتصادی کشور شود و به‌طور حتم در افق بلندمدت به‌طور منطقی سرمایه‌گذاران دوراندیش زیان نمی‌کنند. اگر کشوری بخواهد در مسیر توسعه اقتصادی پایدار قرار گیرد باید با مشارکت سرمایه‌های بخش خصوصی حرکت توسعه‌ای خود را آغاز کند، بنابراین لازمه قدم برداشتن در مسیر توسعه پایدار، مشارکت آحاد مردم است.»

متن گفت‌وگو با این کارشناس بورسی در ادامه آمده است:

بازار سهام می‌تواند در دوران پساتحریم ضمن اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و نقدینگی را با استفاده از مکانیزم بازار به سمت اقتصاد مولد هدایت کند.

این البته رسم بازار سهام در همه کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای در حال توسعه است، منتهی اگر در ایران این اتفاق آن‌طور که باید رخ نداده است باید برنامه‌ریزان اجرایی هرچه سریع‌تر بتوانند راهبرد تقویت نقش بورس در اقتصاد کشور را تدوین کنند و به کار گیرند. درواقع اگر تا امروز سیاست‌های اقتصاد به گونه‌ای رقم خورده است که بازار سهام نتوانسته نقش خود را ایفا کند، بعد از این و در دوران حضور سرمایه‌های خارجی در ایران نمی‌توان از پتانسیل بورس استفاده نکرد زیرا اگر این‌گونه شود، حتما شاخص‌های اقتصاد آسیب می‌بینند. باید به این نکته توجه داشت که همین حالا هم برای ترمیم موقعیت بورس زمان زیادی را از دست داده‌ایم. از این‌رو باید از همین حالا مدیران بورس کشور به دنبال امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد جذابیت بالا برای ورود سرمایه‌گذاران باشند. با وجودی که سرمایه‌گذاران خارجی تمایل خود را برای حضور در بخش‌های نفتی و صنایع دیگر نشان می‌دهند،



## باعث شود تا جغرافیای چالش‌ها و فرصت‌های سهام‌داران تغییر کند؟

دولت در وهله اول به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار، باید از کشورهای توسعه‌یافته که دارای بورس‌های معتبر جهانی هستند، الگوبرداری کند.

اگر می‌خواهیم پایه توسعه اقتصادی کشور را براساس یک بازار بورس محور قرار دهیم، باید الگویی جهانی داشته باشیم، به طوری که عکس‌العمل‌هایی که دولت‌های ممالک دارای بورس‌های معتبر جهانی از خود نشان می‌دهند، می‌تواند الگویی برای توسعه اقتصادی بر پایه بورس باشد.

در این کشورها مشاهده نمی‌شود که دولت‌ها شریک سفره بخش خصوصی باشند یا در فعالیت‌های موازی بخش خصوصی، دولت یا نهادهای عمومی فعالیت موازی داشته باشند.

در جهان ضرب‌المثلی وجود دارد که دولت‌ها هیچ‌وقت تجار خوبی نیستند. بنابراین اگر قرار باشد فرآیند توسعه اقتصادی بر مبنای بورس اجرایی شود، باید دولت به وظایف نهادی خود پایبند باشد؛ وظایف نهادی دولت تامین امنیت اقتصادی و استفاده از ابزارهای مالی و مالیاتی جهت تقویت فعالیت‌های اقتصادی است. در حال حاضر کشور در دوران رکود اقتصادی به سر می‌برد، بنابراین انتظار می‌رود که مشوق‌های مالیاتی زمینه‌ای برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی شود، اما تصویب قانون مالیاتی جدید به نظر نمی‌رسد که به نفع توسعه اقتصادی کشور باشد.

کوچک شدن دولت یکی دیگر از وظایف نهادی دولت است، اما تاکنون این امر اجرایی نشده است، به عنوان مثال اقتصاد کشورهای ژاپن، آلمان و آمریکا چند برابر کشور ما است، اما دولت این کشورها چند برابر دولت ما است؟ بنابراین الگوهایی در جهان وجود دارد که به سادگی قابل استناد هستند.

به طور حتم باید تعرفه‌های رنگارنگ گمرکی و حمایت‌های گلخانه‌ای از صنایع مختلف برداشته و زمینه‌های توسعه اقتصادی فراهم شود؛ این امر مهم‌ترین وظیفه دولت‌هاست.

## اگر ممکن است باز هم درباره چالش‌های سهام‌داری در آینده اقتصاد ایران توضیح بدهید؟

بگذارید از این‌جا ادامه دهم که یکی از دغدغه‌های اصلی که بین موافقان و مخالفان دولت مطرح می‌شود، میزان رشد نقدینگی کشور است. در حال حاضر نقدینگی با واسطه یا بدون واسطه در دست مردم است، اما واقعیت امر این است که متأسفانه نقدینگی به سمت تولید متمرکز نمی‌شود. بدون شک تمرکز نقدینگی در بخش تولید باعث اشتغال‌زایی، رفع رکود اقتصادی و توسعه اقتصادی پایدار کشور می‌شود. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که این میزان نقدینگی در دست مردم چگونه می‌تواند در بخش تولید متمرکز شود؟ انتظاری وجود ندارد که هریک از افراد جامعه به تاسیس شرکت یا بنگاه تولیدی اقدام کنند بلکه باید مشارکت داشته باشد. مشارکت مردم به معنای سپرده‌گذاری در بانک‌ها نیست، شاید در یک مقطع زمانی تقویت سپرده بانکی یکی از راه‌های توسعه اقتصادی باشد اما سپرده‌گذاری در بانک‌ها باعث توسعه اقتصادی پایدار نخواهد شد. اجرای توسعه اقتصادی نیاز به مشارکت مردم و نهاد دولت دارد، به این معنا که علاوه بر همدلی میان آن‌ها، مردم باید دولت را شریک مطمئنی بدانند، نه این‌که دائم مراقب و نگران رفتار شریک بزرگ خود یعنی دولت باشند. توجه کنید با این همدلی و کوچاندن سرمایه‌ها به بازار سهام، مردم می‌توانند خود فرصت‌ها را به وجود آورند. این بهترین اتفاق برای شکل گرفتن فرصت‌های برتر است.

## آقای دکتر با توجه به این‌که شاخص بورس مدت‌ها روند منفی را تجربه کرده است و حتی بعد از گزارش مثبت آژانس در مورد ایران و قرار گرفتن در آستانه لغو تحریم‌ها (به احتمال قوی در ژانویه) اتفاق خاص و چشمگیری برای شاخص رخ نداد، آیا سهام‌داری یا به طور کلی سهام‌دار بودن می‌تواند در دوران پساتحریم جایگاه اصلی خود را پیدا کند؟ به عبارتی فرصت‌ها و چالش‌های سهام‌داران در چنین شرایطی کدام‌اند؟

شاید تاخر زمانی در رشد شاخص بازار سرمایه به وجود آید یا دوران گذاری وجود داشته باشد که نوعی نگرانی در سرمایه‌گذاران ایجاد کند اما بدون شک بازار سرمایه در دوران پساتحریم جایگاه اصلی خود را پیدا می‌کند. یعنی چشم‌انداز آینده برای بازار سرمایه مثبت خواهد بود و این برای سهام‌داران یک نوید است. طبیعی هم است که این اتفاق رخ دهد. بورس، مسیر توسعه اقتصادی نهایی کشور است و به همین خاطر بازار سرمایه باید تبدیل به محور اقتصادی کشور شود و به طور حتم در افق بلندمدت و منطقی سرمایه‌گذاران هوشمند و دوراندیش زیان نمی‌کنند.

## چه چیزی در بازار سرمایه مشاهده می‌کنید که می‌گویید آینده روشنی دارد و فرصت‌های مثبتی برای سهام‌داران به وجود می‌آید؟

بازار سرمایه در اقتصادهای موفق دنیا محوری‌ترین تامین‌کننده مالی بنگاه‌های اقتصادی آن کشورها است. یعنی اگر کشوری بخواهد در مسیر توسعه اقتصادی قرار گیرد، باید با مشارکت سرمایه‌های بخش خصوصی حرکت توسعه‌ای خود را آغاز کند. در کشور ما نیز این اتفاق در حال رخ دادن است. ما در دوران پساتحریم به سمتی می‌رویم که چاره‌ای نداریم جز این‌که بورس را تقویت کنیم چون سرمایه‌گذاران خارجی نیز می‌خواهند در بورس حضور داشته باشند. این یعنی این‌که سهام‌داران در موقعیتی ویژه قرار گرفته‌اند و فرصت‌های مناسبی پیش روی آن‌ها قرار دارد. بزرگ‌ترین چالش آن‌ها نیز تلاش برای عملکرد عقلانی است. بزرگ‌ترین بورس‌های جهان در صنعتی‌ترین

و موفق‌ترین کشورهای دنیا هستند. به عنوان مثال کشور عربستان شاید کشور رشديافته‌ای باشد، اما هیچ‌وقت بورس توسعه‌یافته‌ای نداشته است یا امارات متحده عربی شاید کشور ثروتمندی باشد، اما تاکنون بورس این کشور جزء بورس‌های معتبر جهانی نبوده است. بورس‌های معتبر جهانی در کشورهایی چون کره جنوبی، ژاپن، سنگاپور و آمریکا مشاهده می‌شود، بنابراین لازمه قدم برداشتن در مسیر توسعه پایدار و یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند به تحقق توسعه پایدار کمک کند، مشارکت آحاد مردم است. این را تجربه بورس‌های موفق ثابت کرده است. در این شرایط باید مردم از این فرصت استفاده کنند و سرمایه‌گذاری در بورس را برای خلق فرصت‌های بهتر جدی بگیرند. کمی توجه کنید، چنانچه به طور مثال اوراق قرضه از سیستم اقتصادی کشور حذف شود، تنها کانالی که به عنوان مشارکت فعال آحاد مردم وجود دارد، بازار سرمایه و بورس است. بنابراین بدون شک توسعه پایدار مساوی با تقویت بازار سرمایه است، که تحقیقات بسیار گسترده‌ای در دنیا درخصوص این‌که تشکیل بازار سرمایه می‌تواند باعث توسعه اقتصادی پایدار شود، وجود دارد.

## به نظر شما دولت باید در دوران پساتحریم چه راهبردهایی داشته باشد تا بورس نقش اصلی خود را در اقتصاد ایفا کند و



کوچک شدن دولت از وظایف نهادی دولت است، اما تاکنون این امر اجرایی نشده. به طور حتم باید تعرفه‌های رنگارنگ گمرکی و حمایت‌های گلخانه‌ای از صنایع مختلف برداشته و زمینه‌های توسعه اقتصادی فراهم شود؛ این امر مهم‌ترین وظیفه دولت‌هاست



گزارشی از سخنرانی مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در نشست علمی - تخصصی انجمن روابط عمومی ایران:

## روابط عمومی؛ تصویرسازی مثبت و ارزش افزا

ورود کنیم. در دنیای پیچیده امروز و در محیط کسب‌وکار بزرگی که داریم وجود «برنامه راهبردی»، سمت و سوی حرکت و حتی بقای شرکت‌ها و سازمان‌ها را تضمین می‌کند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر برنامه راهبردی، چشم‌انداز است که باید مدیران و کارکنان در این چشم‌انداز اتفاق نظر داشته و بدانند که باید چه مقدار انرژی صرف کنند تا به چشم‌انداز ترسیم‌شده که معمولاً بلندپروازانه - و البته واقع‌بینانه - است، دسترسی پیدا کنند. اما آنچه رسیدن به چشم‌انداز را تضمین می‌کند، «زنجیره ارزش افزوده» در سازمان‌هاست که معمولاً مدیران عرصه کسب‌وکار برای رسیدن به این ارزش، تلاش بسیاری می‌کنند. حال می‌خواهیم بدانیم جایگاه روابط عمومی در این زنجیره ارزش چیست و در کجاست؟

### جایگاه روابط عمومی در زنجیره ارزش افزایی

دکتر صیدی افزود: به‌طور معمول تصویرهایی منطقی از زنجیره ارزش در سازمان‌ها ارائه می‌شود، که گاهی از طراحی یا از تحقیق و توسعه و گاهی از حفظ، نگهداری و امنیت دارایی‌ها و منابع یا دسترسی به منابعی باصرفه شروع می‌شود و در ادامه با فعالیت‌های مختلفی، به مرحله نهایی یعنی تعیین یک قیمت بالا یا ارزش در محصول می‌رسد. درواقع اگر یک کار شیک و زیبا و شایسته را تعریف و تولید کنیم ولی نهایتاً انعکاس ارزشی در محصول یا خدمت ما نداشته باشد، این فعالیت دارای ارزش افزوده نیست. در این زنجیره، باور ما بر این است که روابط عمومی‌ها می‌توانند جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. برای این‌که جایگاه روابط عمومی را در این زنجیره بدانیم، باید نقبی بزنیم به راهبرد شرکت‌ها و ذی‌نفعان راهبردی که هر بنگاهی در دنیای امروز برای خود در نظر می‌گیرد. قبلاً چنین فرض می‌شد که ذی‌نفعان بنگاه‌ها همان سهام‌داران هستند که به دنبال سود خود هستند اما این یک تصویر و تعبیر بسیار قدیمی و منسوخ شده است. امروزه همان‌قدر که سهام‌داران برای یک بنگاه مهم هستند مشتریان، کارکنان، رقبا، نهاد دولت و مهم‌تر از همه نهادهای مدنی که جلوه عملی و سازمان‌یافته مردم هستند نیز دارای اهمیت‌اند.

دکتر صیدی در ادامه سخنان خود گفت: نقش روابط عمومی و رابطه‌ای که روابط عمومی با هرکدام از این ذی‌نفعان می‌تواند داشته باشد در پیدا کردن جایگاه روابط عمومی در زنجیره ارزش شرکت‌ها راهگشا است.

وی افزود: وقتی ارزش یک شرکت یا سازمان بالا برود، به خوش‌نامی آن سازمان منجر می‌شود که این ویژگی معمولاً سبب می‌شود تا تامین مالی این‌گونه شرکت‌ها با هزینه‌های کمتری انجام شود. زمانی که شرکتی ناشناخته است، موسسه‌های اعتباردهنده و بانک‌ها هم با احتیاط با آن برخورد می‌کنند. از نظر اصول بانکداری زمانی که یک شرکت شناخته‌شده و معتبر باشد، به‌راحتی قادر به دریافت وام و اعتبار از بانک‌ها است که اصطلاحاً آن را هزینه سرمایه تعبیر می‌کنیم. حتی در افزایش سرمایه مالی نیز سرمایه‌داران به دنبال سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خوش‌نام هستند. وقتی نام یا تصویر یک شرکت خوب و مثبت باشد، طبعاً یک سرمایه‌گذار با رغبت بیشتری در آن شرکت سرمایه‌گذاری می‌کند. جالب است بدانیم پژوهش‌های رفتاری در بازارهای سرمایه با تاکید بر این‌که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های سهام‌داران و سرمایه‌گذاران سود است، اما همین پژوهش‌ها به تأثیر جدی تصویر مثبت شرکت بر رضایت سهام‌داران انگشت گذاشته و یادآوری می‌کنند که مردم به دنبال شرکت‌های خوش‌نام برای سرمایه‌گذاری هستند. روابط عمومی‌ها می‌توانند در شکل‌گیری تصویری مثبت و نامی نیک از

یک صد و هشتاد و پنجمین نشست ماهیانه انجمن روابط عمومی ایران، با حضور اعضای هیئت مدیره، اساتید، دانشجویان و جمعی از مدیران و کارشناسان حوزه روابط عمومی روز چهارشنبه چهارم آذرماه ۹۴ در سالن اجتماعات «پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی» برگزار شد.

در ابتدای نشست غلامرضا کاظمی دینان، رئیس انجمن روابط عمومی ایران ضمن خیر مقدم به شرکت‌کنندگان در این نشست گفت: انجمن روابط عمومی ایران با سابقه بیش از نیم قرن به‌طور مستمر در حال فعالیت است. پایه‌گذاران آن افرادی ارزشمند و فرهیخته بوده‌اند که باهدف صیانت از ارزش‌هایی چون تعامل میان مردم و سازمان‌ها و شفاف‌سازی و پاسخگویی به انتظارات مردم و درنهایت تقویت و توسعه روابط عمومی به معنای علمی و تخصصی آن، این نهاد مدنی را پایه‌گذاری کردند. او همچنین از حضور دکتر حجت‌اله صیدی به‌عنوان شخصیتی علمی، شناخته‌شده و کارآمد در عرصه اقتصاد کشور، به‌عنوان سخنران اصلی این نشست تشکر و تقدیر کرد.

### سخنان دکتر حجت‌اله صیدی

سخنران اصلی این نشست دکتر «حجت‌اله صیدی»، اقتصاددان، مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی و نایب‌رئیس هیئت مدیره شرکت ایران خودرو بود. وی که تحت عنوان «جایگاه روابط عمومی در زنجیره ارزش آفرینی بنگاه‌ها» سخن می‌گفت ابتدا به پیشینه درخشان انجمن روابط عمومی ایران و نیز گرامیداشت یاد بزرگانی چون شادروان دکتر حمید نطقی به‌عنوان استاد مسلم این حوزه پرداخت و گفت:

روابط عمومی یکی از حرفه‌های گرانقدر و ارزشمند در کشور ماست، که یادآور خدمات اساتید برجسته و پیش‌کسوتی چون مرحوم دکتر حمید نطقی است که بنده نیز در دهه ۶۰ مدتی توفیق شاگردی ایشان را داشتم و به‌خصوص از قریحه سرشار و تسلطی که بر ادب فارسی داشتند و فرهیختگی‌ای که در وجود ایشان موج می‌زد بهره بردم. امیدوارم چراغی که توسط وی افروخته شده به همت والای اساتید نامدار دیگر این حوزه پرفرورتر شود و جامعه ما بتواند از برکات توسعه دانش روابط عمومی بیش از پیش بهره‌مند شود.

او در ادامه گفت: سخنان من در این نشست مطالبی است مبتنی بر تجربیات و دیدگاه‌های شخصی و البته برخاسته از دغدغه‌هایی است که سال‌ها و از زمانی که مدیر میانی در یک مجموعه بزرگ صنعتی بودم، با آن‌ها مواجه شدم. در مجموعه بزرگ ما، روابط عمومی در قالبی سنتی با دو کار به ظاهر «مهم» شناخته می‌شد؛ یکی تهیه بلیت هواپیما برای سفرهای خارج از کشور مدیران و دیگری زمانی که در تهیه هدایا کمی و کسری به وجود می‌آمد! همان موقع با خود می‌اندیشیدم که آیا وظایف روابط عمومی همین است؟ پس نکاتی که در محضر اساتید آموخته و شنیده‌ایم چه می‌شود؟ روابط عمومی با آن اهداف و مفاهیم بلند، در کجای مجموعه بزرگ صنعتی ما که در آن زمان میلیاردها تومان فروش داشت، قرار دارد؟ امروز هم به این دغدغه‌ها بازگشته و آن‌ها را پرورش داده و نظم و سامانی داده‌ام تا بتوانم مطالبی را در قالب این گفتار تقدیم کنم.

### زنجیره ارزش افزایی، ضامن تحقق چشم‌انداز سازمانی

دکتر صیدی افزود: بنده از زاویه ارزش و راهبرد سازمانی می‌خواهم به این بحث

شرکت‌ها و سازمان‌ها در افکار عمومی نقشی کارآمد داشته باشند.

## نقش اعتماد به نفس کارکنان در ارزش‌افزایی

وی در بررسی تاثیر کارکنان در ارزش‌افزایی گفت: کارکنان مهم‌ترین سرمایه یک شرکت محسوب می‌شوند. اما وقتی کارکنان به سازمان خود افتخار و مباحثات نکنند و اعتماد به نفس لازم را نداشته باشند، قطعا در خلق ارزش در شرکت موثر واقع نمی‌شوند. زمانی که کارکنان منافع خود را همسو و هم‌راستا با مدیریت شرکت ندانند این شرکت، شرکت موفق نخواهد بود. نهاد روابط عمومی در این زمینه هم نقش برجسته‌ای در ایجاد تصویر مثبت از شرکت در میان کارکنان و در نتیجه تقویت اعتماد به نفس آنان ایفا می‌کند. از طرفی دیگر گاهی کارکنان محصور در محیط کار خود می‌مانند و حتی تعصب زیادی نسبت به سازمان خود پیدا می‌کنند، که آن‌ها را از واقع‌بینی دور می‌کند. برخی مدیران نیز زمانی که با موفقیت‌های پی‌درپی مواجه می‌شوند، از واقعیت‌های محیطی غافل می‌مانند. وظیفه روابط عمومی در این‌جا اطلاع‌رسانی درست و شفاف به مدیران و کارکنان سازمان در این زمینه است که در چه فضایی کار می‌کنند، جایگاه واقعی آن‌ها در محیط بیرونی چیست و مردم چه تصویری از شرکت در ذهن خود دارند و چگونه درباره آن داوری می‌کنند؟

## تصویرسازی مثبت در ذهن مشتریان همسوا ارزش‌افزایی

وی در مورد اهمیت مشتریان در زنجیره ارزش‌افزایی در بنگاه‌ها گفت: درخصوص کیفیت تعامل با مشتریان امروزه موضوع مهمی تحت عنوان تجاری‌سازی مطرح است. شرکت‌هایی وجود دارند که محصولات بسیار خوبی تولید می‌کنند که از لحاظ ارزش بالقوه کاربری و کیفیت، بسیار مناسب‌اند ولی در قالب یک کالا ظاهر نشده‌اند. وقتی یک محصول یا خدمت در فرآیند تجاری‌سازی واقع نشود، مهجور می‌ماند. تجاری‌سازی یعنی محصول به یک کالای شناخته‌شده تبدیل شود تا در بازار قیمت پیدا کند و مورد خرید و فروش قرار گیرد و از این طریق سرمایه‌های جدید را وارد شرکت کند و موجب رشد و توسعه آن شود. روابط عمومی‌ها می‌توانند با تصویرسازی مناسب و البته واقعی در ذهن مشتری، بر شکل‌گیری ارزش و قیمت مطلوب یک محصول در بازار، تاثیر زیادی بگذارند. روابط بین مشتریان و کارکنان تعیین‌کننده قیمت محصول، کالا یا خدمت است. مشتری به دنبال آگاهی است و از ما می‌خواهد کالا و خدمات خود را به‌درستی به او معرفی کنیم و نشان دهیم که نیاز مشتری خود را می‌شناسیم و تفاوت نیاز یک مشتری با مشتری دیگر را تشخیص می‌دهیم. این جاست که روابط عمومی با توجه به دانش و مهارت خود در میان مشتریان، نیازسنجی می‌کند و با آن‌ها رابطه درست و ارزش‌افزا برقرار می‌کند.

## نقش روابط عمومی در متمایزسازی رقبا

دکتر صیدی در بحث رقابت شرکت‌ها گفت: در بازارهای رقابتی که هر روز هم رقابتی‌تر می‌شود، رقبا به‌جای تنازع با هم، یاد گرفته‌اند که بازار رقابت را تقسیم کنند و به تدریج بهترین و مناسب‌ترین بخش بازار را به خود اختصاص دهند. البته این حق را نیز برای رقیب خود قائل هستند. در این‌جا نیز روابط عمومی با اتخاذ راهبرد نفوذ در بازار، کمک خواهد کرد تا جایگاه مناسب‌تری نصیب بنگاه شود. روابط عمومی برای نفوذ بیشتر در بازار و تعریف سهمی مناسب از بازار برای شرکت نیز از منظر متمایزسازی، ایفای نقش می‌کند. بنگاه‌ها اغلب به دنبال انحصار، در عین رقابت هستند. روابط عمومی به کمک شرکت می‌آید تا جایگاه آن را در بین رقبا، متمایز و نفوذ شرکت را در بازار بیشتر کند.

## مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

دکتر صیدی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: یکی از مسئولیت‌های بزرگی که شرکت‌ها بر عهده دارند؛ مسئولیت اجتماعی و یکی از وجوه آن پاسخگویی به صورتی شفاف و مستدل و اقناعی است. روابط عمومی به کمک رسانه‌ها - یعنی رکن چهارم مردم‌سالاری - می‌تواند به این وظیفه و مسئولیت کلیدی جامعه عمل بپوشاند.

او در ادامه این بخش از بحث خود با اشاره به تعبیر توماس فریدمن، ستون‌نویس معروف آمریکایی در کتاب «دنیا مسطح است»، به ده عاملی اشاره کرد که

موجب شده تا مرزهای مصنوعی میان کشورهای دنیا از بین برود. وی شبکه‌های اجتماعی در دنیای مجازی را یکی از این عوامل برشمرد و افزود:

این شبکه‌های مجازی نه فقط مرزهای زمانی بلکه در بسیاری از موارد فاصله مکانی را نیز از میان برداشته‌اند. از سوی دیگر انبوه داده‌ها نیز موجب تغییر شگفت‌انگیزی در محیط اجتماعی ما شده است. نقش روابط عمومی در این زمینه کمک به رصد کردن انبوه داده‌ها و پالایش و اولویت‌بندی این اطلاعات است. در این راستا است که روابط عمومی‌ها به توسعه انسانی و اجتماعی هم کمک می‌کنند. روابط عمومی با ایفای چنین نقش مهمی، قطعا ارزش‌آفرین خواهد بود.

## بررسی انتظارات متقابل مدیران و روابط عمومی‌ها

دکتر صیدی اضافه کرد: انتظار مدیران بنگاه‌ها این است که روابط عمومی‌ها شناخت درستی از محیط اقتصادی داشته باشند. اما مدیران سازمان‌ها اغلب هنوز به روابط عمومی به‌عنوان یک حرفه نگاه نمی‌کنند بلکه آن را بخشی معمولی از تشکیلات یک سازمان می‌دانند. درحالی که انتظاری‌رود با توجه به نقش بالقوه روابط عمومی در زنجیره ارزش‌آفرینی برای شرکت‌ها، مدیران به اهمیت و جایگاه روابط عمومی عمیقا واقف باشند. مدیران و روابط عمومی‌ها باید در تعامل نزدیک و شفاف با هم قرار گیرند. گاهی تلقی وجود انتظارات نادرست روابط عمومی از مدیران یا بالعکس و عدم شناخت محدودیت‌های مدیریت موجب سوء تفاهم میان این دو و خساراتی برای سازمان می‌شود. تلقی نادرست از کارکرد واقعی روابط عمومی، موجب می‌شود تا روابط عمومی به‌جای انجام وظایف خود به دنبال کارهای حاشیه‌ای باشد. گاهی هم خدمت به مدیران، به‌جای خود سازمان، اولویت روابط عمومی می‌شود! گاهی بخشی‌نگری روابط عمومی جایگاه آن را محدود می‌کند. در این شرایط روابط عمومی به‌جای این‌که بدانند ارتباط با همه ذی‌نفعان و همه جای سازمان وظیفه اوست، در محدوده یک بخش کوچک از سازمان عمل می‌کند. از این منظر گاهی جایگاه روابط عمومی در سازمان خدشه می‌بیند. جایگاه روابط عمومی ایجاب می‌کند که مدیریت برای مشورت به سراغ آن برود و از او برای تحقق برنامه‌هایش کمک و یاری بخواهد. بنابراین شناخت جایگاه روابط عمومی نیازمند مدیریت آگاه و کارآمد نیز هست. مدیر آگاه نقش ارزش‌آفرین روابط عمومی را می‌داند و روابط عمومی آگاه نیز به نقش مهم ارزش‌آفرینی خود در سازمان واقف است و از آن صیانت می‌کند.

دکتر صیدی در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به جایگاه تشکلی‌های مدنی در حوزه‌های مختلف گفت:

در دنیای امروز اگر دانش و تخصصی به حرفه تبدیل شده است در سایه شکل‌گیری انجمن‌هایی مانند انجمن پزشکان، وکلا، روابط عمومی و... بوده است. اعضای یک مجموعه صنفی یا علمی وقتی کنار هم جمع می‌شوند، یک شغل معمولی یا یک تخصص را تبدیل به یک حرفه می‌کنند که اصول، موازین و قوانین خود را دارد و به این ترتیب آن حرفه بالنده می‌شود و نقش خود را در جامعه به شکل مناسب‌تری بازی می‌کند.

در پایان سخنان مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی؛ لوح عضویت افتخاری انجمن روابط عمومی ایران از سوی هیئت‌مدیره انجمن و توسط رئیس انجمن به دکتر حجت‌اله صیدی اهدا شد.



## توانمندسازی مردم، راه تحقق عدالت

دکتر نادر هوشمندیار (عضو هیئت علمی دانشگاه)

بر اساس نتایج یک طرح پیمایشی که توسط یک موسسه غیردولتی در ایران انجام گرفته و ارزش‌ها و نگرش‌های مردم را ارزیابی کرده است، افزون بر هشتاد درصد یعنی هشتاد و شش درصد از مردم بر نقش کلیدی و بی‌رقیب پول و پارتی تأکید کرده و پول و پارتی را برای گرفتن حق و حقوق خود الزامی اعلام کرده‌اند. چنین درصد بالایی و اعتقاد مردم به تأثیرگذاری بی‌بدیل پول و روابط فامیلی و قبیله‌ای و نه شایسته‌سالاری و ضوابط و مقررات و قوانین، یک آسیب جدی برای کشورمان است، که می‌خواهد به توسعه دست یابد و بر این اساس حتی می‌توان ادعا کرد که بی‌دلیل نیست که مملکت ما پس از اجرای چندین و چند برنامه‌های پنج‌ساله و هفت‌ساله توسعه طی ۶۰ سال اخیر، به توسعه همه جانبه دسترسی پیدا نکرده اما برخی کشورهای هم‌سطح ما از توسعه‌نیافتگی گذر کرده و جزو کشورهای توسعه‌یافته یا دارای اقتصاد نوظهور قرار گرفته‌اند.

از طرف دیگر در این پیمایش ملی مشخص شده که فقط ۸ و ۳ دهم درصد مردم ایران معتقد هستند که عدالت جاری و ساری است و اعتقاد دارند که قانون به گونه‌ای مساوی و برابر اجرا می‌شود. این نوع آمار نشان می‌دهد که ما به نحو شایسته و بایسته‌ای از منابع در اختیار خود، بهره نمی‌گیریم و به نحو بهینه مورد استفاده قرار نمی‌دهیم. این در حالی است که در اصل دوم قانون اساسی کشورمان به موضوع حیاتی قسط و عدل اشاره رفته است و آن را یکی از بنیان‌هایی اعلام کرده که جمهوری اسلامی ایران به آن تعهد دارد.

مضاف بر این، در اصل سوم قانون اساسی نیز به درستی اشارات و تأکیدی بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری و پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه‌ها شده است. برقراری عدالت واقعی و ایجاد فرصت برابر برای همگان در استفاده از مواهب و منابع کشور، تنها با شعار امکان‌پذیر نیست. اگرچه می‌توان با شعار هم چند صباحی در دل مردم جابجا کرد ولی اجرایی شدن عدالت را باید فرآیندی و به صورت یک روند ملاحظه کرد و نگاه مهندس‌مآبانه و پروژه‌ای به مقوله پیچیده و بسیار حساس انسانی و چندوجهی عدالت، ما را به مقصود نمی‌رساند.

بنابراین در دوره خطیر کنونی که دوران پساتحریم نام گرفته است و با تصویب همدلانه کلیات و جزئیات طرح برجام در مجلس، اجرای برنامه جامع اقدام مشترک را خواهیم داشت، به هیچ وجه نباید با آزمون و خطا کشور را اداره کرد و زمان آن رسیده که مدیریت کلان کشورمان که مسئولیت اجرایی را بر عهده دارد تک‌محوری و خودرایی را در سرنوشت و توسعه جامعه دخالت ندهد و به معنای واقعی کلمه عقلانیت و خرد جمعی را برای نیل به توسعه و توسعه‌یافتگی به کار گیرد. البته اگر سخنان چند روز پیش رئیس‌جمهور کشورمان در جلسه ستاد توسعه سرمایه‌گذاری استان مازندران را تحلیل محتوا کنیم که گفته‌اند «تلاش دولت برداشتن موانع از پیش پای کارآفرینان بود تا تسهیلات لازم را فراهم کنند»، ملاحظه خواهیم کرد

که چنین اظهارنظرهایی با نگاه پروژه‌ای داشتن متفاوت است و مقامات دولت فعلی، به این نتیجه رسیده‌اند که دولت‌محوری کارساز نیست و کارآفرینان، باید میدان‌دار توسعه شوند. رئیس دفتر رئیس‌جمهور که تا ماه‌های اول دولت یازدهم به‌طور همزمان ریاست اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران را به عهده داشت، در سفر چند هفته پیش کابینه به استان مازندران، در نشست اعضای اتاق بازرگانی مازندران گفته است که انتظار از اتاق ایران و سایر تشکل‌های بخش خصوصی این است که بیشتر از گذشته در حوزه اقتصادی فعال شوند.

این نوع اظهارات رئیس‌جمهور محترم و از طرفی اظهارات رئیس دفتر او که جزو حلقه اول و اصلی تصمیم‌سازان دولت است، نشان‌دهنده جدیت دولت و شناخت دقیق کابینه از الزامات خروج از وضعیت بفرنج اقتصادی کنونی است. چنین اظهاراتی در حالی از سوی مقامات ارشد دولت بیان می‌شود که زمان اجرای توافق هسته‌ای فرارسیده و مقامات این دولت باید در عرصه عمل نیز نشان بدهند که واقعا مصمم هستند که بخش خصوصی واقعی و مردمی برای پیشبرد اقتصاد ملی نقشی محوری ایفا کند. اگرچه هنوز در حلقه دوم تصمیم‌سازان دولت یازدهم برخی مقامات، اعتقاد جدی به خصوصی‌سازی و تقویت بخش خصوصی و مردمی اقتصاد ایران ندارند و در تلاشند تفکر خصوصی‌سازی به حاشیه برود و بر تنوردولت‌محوری می‌دمند، اما حلقه اول تصمیم‌سازان دولت به‌خوبی به اهمیت بخش خصوصی در توسعه کشور پی برده‌اند.

در مجموع و در شرایطی که برخی برای برگرداندن قطار خصوصی‌سازی به عقب، برخلاف سیاست راهبردی دولت کنونی در خصوص تقویت بخش خصوصی و محوریت دادن به کارآفرینان و بخش خصوصی واقعی گام برمی‌دارند، جا دارد مقامات ارشد دولت در فضای جدید پساتحریم با خودانتقادی و تغییر و تحول در مدیریت امور، به‌صورت منسجم برای اداره کشور گام بردارند و با هم‌افزایی نیروهای خود، وجه سیاست‌گذاری دولت را تقویت کنند و با کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت بخش خصوصی واقعی، توانمندسازی بیشتر از پیش کارآفرینان و بخش مردمی، اقتصاد را با اتکا به پشتوانه مردمی دولت یازدهم در دستور کار قرار بدهد و گرنه دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد و کاهش نرخ بی‌کاری و تکریمی کردن این نرخ، جزو آرزوهای باقی خواهد ماند. در صورتی که تعداد شاغلان جامعه افزایش یابد و ثمرات رشد اقتصادی نصیب بخش زیادی از آحاد مردم شود، می‌توان مدعی شد که به سمت عدالت نزدیک می‌شویم. با شاغل شدن بی‌کاران و اشتغال به کار آن‌ها، کرامت انسانی افراد رعایت می‌شود و این‌گونه نخواهد بود که هر ماه چشم به راه واریز یارانه نقدی بمانند و درواقع به‌نوعی مواجب‌بگیر دولت شوند.

در نهایت این‌که مقامات ارشد دولت یازدهم می‌توانند با درک موقعیت تاریخی خود تلاش کنند که با ایجاد فرصت‌های برابر و مقابله با مفاسد و از طرفی تقویت ضابطه‌مداری و شایسته‌سالاری به‌جای رابطه و پول و مناسبات فامیلی و رفاقتی، توانمندشدن مردم و در نتیجه تحقق پایدار عدالت و بهره‌مند شدن عادلانه آحاد مردم و خصوصا اقشار کم‌درآمد از فرصت‌ها و امکانات جامعه و اقتصاد در حال رشد کشور را رقم بزنند.

به خطا می‌رویم و برای همین برخی از عناصر تاثیرگذار در آن را که هم بازار ارز را به هم می‌ریزند و هم اقتصاد را ناامن می‌کنند، فراموش می‌کنیم. برای اقتصاد زیرزمینی در ایران تا به حال بین ۱۹ تا ۲۵ میلیارد دلار حجم قاچاق سالانه اعلام شده است. این رقم یکی از بزرگ‌ترین ارقام قاچاق در جهان و نشان‌دهنده وجود فساد شدید در اقتصاد است. رقم فوق را می‌توان این‌گونه نیز برانداز کرد، که در سال و در بهترین حالت بین ۱۹ تا ۲۵ میلیارد دلار به تولیدکنندگان و حتی تاجران رسمی و قانونی کشور و از همه مهم‌تر به سطح درآمدهای دولت ضربه می‌خورد. ظاهراً دولت ایران بعد از نفت بیشترین درآمدهای خود را از طریق حقوق گمرکی به دست می‌آورد. این حجم از قاچاق که ظاهراً گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد در بهترین حالت فقط ۳ درصد آن کشف می‌شود، گمرک را از درآمدی هنگفت محروم می‌سازد. توجه کنید که حجم قاچاق ۲۵ میلیارد دلاری تقریباً برابر است با حجم نیمی از رقم وارداتی که به صورت رسمی و قانونی به کشور می‌آید. آیا این ۲۵ میلیارد دلار، تقاضای ارز را در بازار به نفع گرانی ارز دستکاری نمی‌کند؟ نمی‌شود این واقعیت را انکار کرد که پیکره بازار ارز چندوجهی است و از وجوه مهمی که روی این بازار تاثیر می‌گذارد، مناسبات ناسالم اقتصادی یا عناصر غیراقتصادی است که هنوز کسی نمی‌داند چرا عزم جدی برای کنترل آن‌ها آن‌گونه که باید شکل نمی‌گیرد. سال‌هاست که همه اهالی اقتصاد هم می‌دانند و هم دیده‌اند که فاصله زیاد بین نرخ رسمی پول در بازار ارز با نرخ غیررسمی که در پیاده‌روهای بازار دست به دست می‌شود، رانتی را برای گروه‌ها و افرادی ویژه و غیرعادی به وجود می‌آورد که تعامل اقتصادی خود آن‌ها به یکی از دلایل به‌هم‌ریختگی قیمت در بازار ارز تبدیل می‌شود. ما سال‌هاست که می‌گوییم باید ارز تک‌نرخ شود اما با وجود این که می‌دانیم به ارز تک‌نرخ برای بهینه کردن فضای کسب‌وکار اقتصادی و همچنین ایجاد رونق در بازارهای مولد مانند بازار سرمایه نیاز داریم ولی کماکان به مقصد تک‌نرخ کردن ارز نمی‌رسیم و بهترین بهره‌ر از این ماجرا افرادی می‌برند که از رانت موجود بین قیمت رسمی ارز با قیمت آن در بازار برخوردارند. یا از سوی دیگر افرادی که تقاضای ارز را به دلیل قاچاق ۲۵ میلیارد دلاری تحریک می‌کنند نیز یکی از بهره‌برداران اصلی این ماجرا محسوب می‌شوند. چرا وقتی می‌شود خط پایان برای این فساد بزرگ و تاریخی اقتصاد رسم کرد، با تعلل در تک‌نرخ کردن ارز در این تنور می‌دمیم؟ اصلاً آیا می‌شود زمانی که به فرض قاچاقچیان ۲۵ میلیارد دلاری کالا تقاضا را به راحتی در بازار تحریک می‌کنند به تک‌نرخ کردن ارز اندیشید؟ صاحبان رانت، ارز رسمی می‌خرند و محصول وارداتی یا حتی صادراتی خود را با ارز آزاد هماهنگ می‌کنند و سود بیشتری به جیب می‌زنند. سهم آن‌ها از این آشفته‌بازاری که به تک‌نرخ شدن ارز هم نمی‌رسد چقدر است؟ بدون شک دود این ماجرا تنها به چشم تولیدکنندگان و مجموعه‌های بزرگ و شناسنامه‌دار سرمایه‌گذاری فرو می‌رود که می‌خواهند سرمایه‌های خود را از مسیر بازار سرمایه در مسیر اقتصاد مولد قرار دهند. به نظر می‌رسد برای تحلیل چرایی گران شدن دلار کمی باید از تحلیل‌های تکراری عبور کنیم و چندوجهی بودن پیکره بازار ارز را در واکاوی قیمت‌های آن به دقت مد نظر قرار دهیم.

افزایش قیمت ارز در چند هفته گذشته باعث شده است تا تحلیل‌های زیادی شکل بگیرند و هر کدام از این تحلیل‌ها نیز سعی کرده‌اند تا گره کار و ریشه مشکلات موجود را برای این پرش قیمتی در بازارهای حاشیه‌ای کشور بازکاوی و ارزیابی کنند. ابتدا می‌خواهم بگویم که این هم از بدی‌های روزگار ما یا اقتصاد در روزگار ماست، که باید بازار سرمایه به‌عنوان منجی اقتصاد و توسعه همیشه در کنج باشد اما در مقابل همه شهروندان از کوچک و بزرگ، از تاجر و بیکار و از دانشمند و کم‌سواد همه در نخ یکی از حاشیه‌ترین بازارهای کشور باشند و تغییرات قیمتی آن را با ذره‌بین دنبال کنند. اگر کسی بخواهد در این مملکت بداند که چرخ بورس چگونه می‌چرخد، حتماً کارش سخت خواهد بود اما همین که شما بخواهید بدانید که در بازار ارز چه می‌گذرد، کافی است تا از اولین رهگذری که می‌بینید، پرسید که دلار چند است آن وقت او که می‌تواند یک شهروند عادی هم باشد، قیمت دلار را بدون کوچک‌ترین خطا در اختیار شما قرار می‌دهد. این ماجرا به‌خوبی گویای این واقعیت است که اقتصاد ایران هر چند در شرایط فعلی، به‌خاطر ناکارآمدی‌های مدیریتی طی چند سال گذشته بسیار ضعیف شده است اما مشکل اصلی آن در واقع این است که اقتصاد ما از پایه مشکلاتی ساختاری دارد. به هر حال فارغ از این بحث، نخستین چیزی که می‌توان در مورد بازار ارز گفت توجه به این مولفه است که بازار فوق، یک پیکره چندوجهی دارد که نوسان‌های آن تحت تاثیر فضای حاکم بر اقتصاد است. یعنی وقتی دلار به سادگی تا مرز ۳ هزار و ۷۰۰ تومان بالا می‌رود، نمی‌توان این خصلت چندوجهی بازار ارز را در تحلیل چرایی افزایش قیمت دلار نادیده گرفت. در اقتصاد ما گاهی مکانیزم‌های عرضه و تقاضا مانور می‌دهند و کار خود را می‌کنند و این امر یکی از وجوهی است که تاثیر خود را در بازار ارز نشان می‌دهد. از سوی دیگر دولت‌ها نیز دائم با گرفتاری‌های کوچک و بزرگ مواجه‌اند که در مسیر مقابله با آن‌ها سیاست‌های متفاوتی را تدوین و تجویز می‌کنند. مثل دولت یازدهم که اقتصادی نابه‌سامان را به ارث برده است و برای کم کردن بار هزینه‌های ناشی از این وضعیت، هیچ بعيد نیست که سیاست‌هایش را به گونه‌ای تنظیم کند که در کوتاه‌مدت مخاطراتی را در بازار ارز به وجود آورد. این هم می‌تواند یکی از وجوه مهم در تحلیل نوسان‌های بازار ارز باشد. مثلاً در چند وقت گذشته اشتیاقی که برای زیارت از بارگاه معصومین (ع) اوج گرفت باعث افزایش تقاضای ارز مسافرتی شد، که این مسئله می‌تواند به واکاوی بازار ارز از دریچه مکانیزم عرضه و تقاضا کمک کند. از سوی دیگر دولت برای آن‌که بتواند کمر رکود را بشکند، در یکی دو ماه گذشته سیاست تحریک تقاضا را کلید زده است. این راهبرد نیز می‌تواند زمینه افزایش واردات مواد اولیه و از سوی دیگر بستر گرانی دلار را فراهم کند. این مثال از دریچه دیگری چندوجهی بودن بازار ارز را به اثبات می‌رساند. وقتی به‌خاطر این دلایل بازار ارز از تعادل خارج می‌شود، مناسبات غیر اقتصادی یا به تعبیر بهتر مناسباتی که ریشه در اقتصاد زیرزمینی و شریان‌های ناسالم اقتصادی دارند نیز می‌توانند از راه برسند و دوباره نمودار بازار ارز را گرفتار نوسان‌های شدید بکنند. بهترین مثال برای این مولفه آخری تقاضای شدید ارز از ناحیه قاچاق کالا است. بسیاری از ما چون بازار ارز را یک پیکره چندوجهی نمی‌بینیم، در آسیب‌شناسی قیمت پول در این بازار راه

# معمای بازار چندوجهی ارز

بازار ارز

علی طرزجانی



نگاهی به رویکرد کشورهای توسعه یافته صنعتی به آینده اقتصاد کشور

# ایران، آلمان خاورمیانه می شود؟

چند وقتی می شود که رویکردها در مورد اقتصاد ایران تغییر محسوسی را تجربه می کنند. البته این مسئله خیلی مربوط به داخل کشور نیست. در این جا و میان مرزهای ملی هنوز سیاست دست از سر اقتصاد بر نداشته و به همین خاطر هستند گروه هایی که کوله باری از ناامیدی را روی سر اقتصاد کشور خالی می کنند. گروهی از فعالان اقتصادی نیز با همین رویکرد نه چنان خوشایند به استقبال اقتصاد ایران می روند و از آن سخن می گویند. در کنار آن ها اما هستند کسانی که به آینده خوش بین هستند و بر این باورند که شاخص ها در اقتصاد ایران به زودی مثبت می شوند ولی جالب این جاست که هنوز وزن خوش بین ها در داخل ایران به اندازه خوش بین ها در خارج از ایران نشده است.

به نظر می رسد جایی بیرون از مرزهای کشور و در بازارهای جهانی این اجماع شکل گرفته است، که اقتصاد ایران نقطه طلایی بازارهای جهانی در آینده نزدیک است. برخی از کارشناسان اقتصادی حتی پا را فراتر از این گذاشته اند و می گویند که برنده بودن و بازنده بودن در بده بستان های جهانی به زودی با نسبت حضور در اقتصاد ایران معنا پیدا می کند. چند روز پیش حتی سی. ان. ان، یکی از برجسته ترین و پرمخاطب ترین شبکه های خبری پا را فراتر از این گذاشت و در گزارشی مفصل از مزیت های شکل گرفتن تولید رقابتی در ایران و اشاره به مولفه های مختلف تولید ثروت، از ایران با عنوان آلمان خاورمیانه یاد کرد. این که رویکردهای فوق تا چه حد می توانند درست باشند جای تامل و بحث دارد اما فارغ از این نمی شود منکر این واقعیت شد که اقتصاد و بازارهای ایران نقطه عطف تازه اقتصاد جهانی شده ند و چنین پدیده ای به طور حتم چشم اندازی پرشور برای اقتصاد ایرانی خواهد بود. البته اگر خوب

پتانسیل های موجود در کشور را بررسی کنیم، به این نتیجه می رسیم که ساکنین اقتصاد جهانی خیلی هم بی راه نرفته اند و اقتصاد ایران می تواند به نمایی از آلمان

با چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار تحصیل کرده بی کار مواجه می شود. آمارهای موجود می گویند، حدود ۱۳ میلیون متقاضی کار ظرف ده سال آینده وارد بازار کار می شوند. در حال حاضر ۱،۲ میلیون دانش آموخته هر سال به بازار کار وارد می شوند، که تنها برای ۲۵۰ هزار نفر



از آن‌ها شغل وجود دارد. نرخ بی‌کاری جوانان ۲۰ تا ۲۱ سال نیز به ۲۱ درصد رسیده است، که کارشناسان ایرانی از آن با عنوان نگرانی بزرگ یاد می‌کنند. چندی پیش وزارت علوم در بارهٔ زبان اقتصادی خروج نخبگان از ایران عنوان کرد که این خروج سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار به اقتصاد کشور ضرر می‌زند. مبنای این محاسبه این بود که هر دانش‌آموختهٔ مهاجرت‌کرده، یک میلیون دلار برای کشور زبان اقتصادی دارد. همین عدد را اگر مینا قرار دهیم حدود ۵۰۰ هزار تحصیل کرده‌ای که هر سال به جمعیت بی‌کاران کشور اضافه می‌شود، سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار برای اقتصاد ما خسارت به بار می‌آورد. همان‌طور که مشخص است، عدم بهره‌گیری همه جانبه از منابع انسانی برای ما به یک چالش تبدیل شده

است اما بزرگان اقتصادی جهان از این چالش با عنوان موقعیتی یاد می‌کنند که می‌تواند بستری برای خلق یک شکوه تازهٔ اقتصادی باشد. در کنار منابع انسانی، منابع طبیعی ایران نیز به‌خوبی در لیست موقعیت‌سنجی مناطق بکر سرمایه‌گذاران جهانی قرار می‌گیرد. در شرایط فعلی ایران بیش از ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر قابل برداشت نفت خام در اختیار دارد. همچنین حجم ذخایر گاز ایران به ۳۴ تریلیون مترمکعب افزایش یافته است. اما با همهٔ این‌ها فقط در سال ۲۰۱۲ ارزش ریال ۸۰ درصد کاهش

را تجربه کرده است و متوسط درآمد سرانه نیز از سال ۲۰۱۱، بیش از ۲ هزار دلار افت کرده است. این توانمندی موجود در منابع، در کنار نتیجه‌ای که از آن‌ها در اقتصاد ایران به دست آمده است، در واقع نشان می‌دهد که کمبود مدیران کارآمد و وجود تحریم‌های تحمیلی طی سال‌های گذشته تا آن‌جا که می‌توانسته اقتصاد ایران را تضعیف کرده است. اما رویکردهای موجود به این اقتصاد در خارج از کشور به گونه‌ای است که می‌توان باور کرد اقتصاد کشور در صورت تعامل با موقعیت‌های جهانی و گشایش‌های دیپلماتیک، به‌زودی رشد و صعود را تجربه می‌کند. تا همین جای کار که هنوز مراودهٔ اقتصاد جهانی با ایران در دوران پساتحریم آغاز نشده است، داده‌های موجود حاکی از رشد تجارت ایران با کشورهای توسعه‌یافته دارد. به‌تازگی پایگاه خبری کمیسیون اروپا (یورواستات) کل مبادلات تجاری ایران و ۲۸ عضو اتحادیهٔ اروپا را در ۹ ماه نخست سال جاری میلادی ۵،۵۹۷ میلیارد یورو اعلام کرد؛ این رقم نشان می‌دهد، مبادلات تجاری ایران و اتحادیهٔ اروپا در ۹ ماه نخست امسال با رشد ۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن مواجه شده است. ارزش تجارت دوطرف در ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۵،۲۹۶ میلیارد یورو اعلام شده بود. مبادلات ایران و کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۳ با افت ۴۷ درصدی مواجه شده بود. رشد ۶ درصدی مبادلات ایران و اروپا در ۹ ماه نخست سال جاری میلادی در حالی است که در ۱۲ ماههٔ سال ۲۰۱۴ نیز مبادلات دو طرف ۲۰ درصد رشد را تجربه کرده بود.

## فعالان اقتصادی چه می‌گویند

همان‌طور که گفته شد، باوجود آن‌که این نگاه میان کشورهای خارجی نسبت به ایران شکل گرفته است اما هنوز آن‌طور که باید در داخل، فعالان اقتصادی نتوانسته‌اند با خوش‌بینی به آینده نگاه کنند. این‌که چرا چنین روندی در داخل کشور وجود دارد، پرسشی است که فعالان اقتصادی پاسخ‌های مختلف و راهبردهای متفاوتی برای عبور از آن ارائه می‌دهند.

ارشیا ریاضی‌خویی، یکی از تولیدکنندگان سنگ در این‌باره می‌گوید: «شکی نیست که ایران و اقتصاد ما یک منطقهٔ بکر را برای سرمایه‌گذاران خارجی به تصویر کشیده است اما مشکل این‌جاست که آنقدر ناکارآمدی در بوروکراسی ایران وجود دارد، که دستیابی به رونق را در آیندهٔ نزدیک دشوار می‌کند.»

خویی ادامه می‌دهد: «دهلیزهای بوروکراسی در ایران آزادی عمل را برای فعالان اقتصادی کور کرده‌اند. البته این مسئله در سال‌های گذشته به دلیل سیاست‌های غلط اقتصادی بدتر هم شده است و تحریم‌ها نیز گره‌ها را مضاعف کرده‌اند، برای همین بیم آن می‌رود که این دهلیزها سرمایه‌گذاران خارجی را نیز پس بزنند. برای همین پیشنهاد می‌کنم مسئولین دولتی در کنار کاری که

برای باز شدن گره دیپلماسی کرده‌اند، راهبردی هم برای رفع موانع آزادی عمل فعالیت‌های اقتصادی طراحی کنند. چون با فضای موجود اگر هم ورق برگردد، نمی‌شود با سرعت مطلوبی فعالیت کرد.»

رضا صبوری یکی دیگر از تولیدکنندگان می‌گوید: «تا امروز خیلی دربارهٔ آیندهٔ مثبت اقتصاد ایران سخن گفته شده است و برای واقعیت یافتن این ماجرا نیز زحمات زیادی در دو سال گذشته صورت گرفته است اما این نکته را نباید فراموش کرد که حالا در داخل ایران نهادها و سازمان‌های اقتصاد باید خود را آمادهٔ دوران جدید برای اقتصاد کشور بکنند. سازمان‌هایی که گاهی با برگ سبز آن‌ها می‌تواند معبری برای قاچاق باز شود و چه بسا در مواردی میزهای تریخیص کالا و دفاتر بندری و غیربندری در معرض این‌گونه فسادها قراردارند، به میزبانی دوران تازه رفت؟»

وی ادامه می‌دهد: «وضعیت مالیات‌ها و بوروکراسی غیرتوسعه‌یافتهٔ کشور بسیاری از تولیدکنندگان را به این نتیجه رسانده که باید از کشور خارج شوند. البته هیچ شکی نیست که با آمدن سرمایه‌گذاران خارجی و استفادهٔ درست و بهینه از فرصت‌های جدیدی که شکل گرفته، تا چند سال آینده اقتصاد کشور با رشد همراه خواهد بود ولی این نگرانی‌ها نیز وجود دارد که در این بوروکراسی و تهدیدهای یادشده چه کسانی از مزیت‌های این رشد بهره می‌برند.»

یکی از فعالان بازار که نخواست نامی از او برده شود گفت: «راه نجات اقتصاد ایران تولید و صنعت رقابتی است؛ این کار نیز تنها با آمدن بخش خصوصی به میدان و مواجه شدن آن‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی عملی است اما چه تضمینی وجود دارد که بخش خصوصی از فضای بهبودیافتهٔ اقتصاد ایران حذف نشود. آنقدر گروه‌های دولتی و شبه‌دولتی شکل گرفته‌اند و دنبال منافع اقتصادی خود هستند، که فرصت برای تحرک بخش خصوصی بسیار محدود به نظر می‌رسد.»

نادر امین از فعالان بورس نیز می‌گوید: شک ندارم چهرهٔ اقتصاد ایران تغییر می‌کند اما به‌طور قطع اگر گرفتاری‌ها و مشکلات داخلی نبود، این تغییر چهره می‌توانست بسیار کارآتر و کارآمدتر باشد. مسئولین دولتی باید از چند جهت فضای داخل را آماده تعامل هوشمندانه با سرمایه‌گذاران خارجی کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «مقابله با فساد، رفع بخشی‌نگری، تقویت و بها دادن به بخش خصوصی، آسان کردن بوروکراسی، بهبود شرایط مالیاتی، مقابلهٔ جدی با فسادهای گمرکی و ... کارهایی است که دولتی‌ها باید به فوریت در دستور کار خود قرار دهند.»

## گوش به زنگ باشیم

این‌که بزرگان اقتصادی دنیا ایران را هدف سرمایه‌گذاری خود قرار داده‌اند، واقعیتی است که نشان از توانمندی‌های موجود در اقتصاد ایران دارد اما همان‌طور که گروهی از فعالان اقتصادی می‌گویند بدون برطرف کردن موانع داخلی حتماً آن‌طور که باید نمی‌توانیم از فرصت تازه استفاده کنیم. به‌تازگی انستیتوی مالی بین‌المللی برآورد کرده است، «اگر همه چیز به‌خوبی پیش برود»، ایران می‌تواند شاهد رشد اقتصادی حدود ۶ درصدی در سال ۲۰۱۶ و ۶،۷ درصد در سال ۲۰۱۷ باشد. در پیش‌بینی این انستیتو «اگر همه چیز خوب پیش برود»، باعث شده است تا هم گروهی از کارشناسان در آن سوی مرزها و هم کارشناسانی در داخل پیش‌نیازهای این رشد اقتصادی را تحلیل کنند. به‌طور قطع بخش بزرگی از این شرایط مربوط به محیط کسب‌وکار داخلی است. این دقیقاً همان چیزی است که به نظر می‌رسد مسئولین باید برای آن اندیشه کنند. در غیر این صورت شاید نتوان انتظار تحقق «ایران، به‌عنوان آلمان خاورمیانه» را به واقعیت نزدیک کرد. باید گوش به زنگ بود. در فرآیند پرفراز و نشیب توسعه بارها آموزه‌ایم که فرصت‌ها یک‌بار بیشتر خود را نشان نمی‌دهند و بارها نیز هزینهٔ از دست دادن فرصت‌ها را چشیده‌ایم. با عزمی ملی نباید گذاشت فرصت‌های تازه از دست برود.

**رشد ۶ درصدی مبادلات ایران و اروپا در ۹ ماه نخست سال جاری میلادی درحالی است که در ۱۲ ماهه سال ۲۰۱۴ نیز مبادلات دوطرف ۲۰ درصد رشد را تجربه کرده بود**



شرکت‌های سرمایه‌گذاری آستین‌ها را بالا بزنند

## توسعه صنایع کوچک؛ راهبردی برای سودآوری و مهار بیکاری

قبل سیاست‌گذاران اقتصادی با اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده و وام‌های خوداشتغالی، می‌خواستند مشاغل کوچک به وجود بیاورند و یک‌بار برای همیشه بار بی‌کاری را سبک کنند اما بعدها مشخص شد که این طرح کاملاً با شکست همراه شده است. در دولت نهم تنها تا پایان سال ۱۳۸۶ بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان وام برای اشتغال پرداخت شد ولی در مقابل نقدینگی غیرمولد افزایش یافت و بازارهای حاشیه‌ای نیز فربه‌تر شدند. به عبارتی نتیجه کار گسترش دلالی در کشور بود. این اتفاقات دست به دست هم دادند تا اکنون همچنان نرخ بی‌کاری دو رقمی باشد (نمودار ۱).

بی‌کاری و محدودیت فرصت‌های اشتغال در چند سال گذشته همیشه یکی از گره‌های اصلی اقتصاد ایران بوده است و همواره نیز برنامه‌ریزان دولتی در پی آن بوده‌اند تا با راهبردهایی در مقابل بی‌کاری بایستند اما به نظر می‌رسد هنوز قفل بی‌کاری باز نشده و اشتغال موثر در دسترس قرار نگرفته است. البته بدون شک سیاست‌های اقتصادی و ضعف‌های مدیریتی اقتصاد کشور طی سال‌های گذشته به معضل بی‌کاری دامن زده است. گره کار نیز زمانی کورتر شده است که برنامه‌ریزان اقتصادی با برنامه‌های شوک‌درمانی سعی بر آن داشته‌اند تا موانع اشتغال را برطرف سازند. مثلاً طی چند سال

ندارند و با ورود دانشجویان درحال تحصیل به بازار کار، این مسئله به‌زودی رنگ بحران به خود می‌گیرد. این موضوع درحالی اتفاق می‌افتد که به دنبال تشدید تحریم‌ها و ناکارآمدی سیاست‌های دولت گذشته، بخش قابل توجهی از اشتغال کشور به تعطیلی کشیده شده و نگرانی‌ها را در بازار کار افزایش داده است. بنابه اعلام محمدعلی سیدابریشمی، مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، درحال حاضر نزدیک به ۵۱ درصد مشاغل کوچک و متوسط، تعطیل یا نیمه‌تعطیل شده‌اند، که ۷۱ درصد تعطیلی واحدها در سال‌های ۸۵ تا ۹۲ اتفاق افتاده است. سال‌هایی که ایران درآمد تاریخی از صنعت نفت را تجربه می‌کرد و به گفته حسن روحانی، رئیس‌جمهوری این درآمد قابل توجه که باید برای جوانان دهه ۶۰ شغل ایجاد می‌کرد، به انحراف رفته و باعث انباشت تقاضای کار شد و در عمل اشتغال‌زایی در دوره‌ای صفر و سپس متوقف شد. حالا تقاضای شغل انباشته و سیل تقاضای جدید با تقاضای کارگران بی‌کار شده یک‌جا گرد هم آمده و به یکی از گره‌های کور اقتصاد تبدیل شده، که از گذشته پرحالش به میراث رسیده است. این درحالی است که دولت در شرایط سقوط قیمت نفت، برای تامین بودجه عادی خود نیز به مشکل برخورد کرده است؛ اما برخی نمایندگان مجلس، در چنین شرایطی کم‌توجه به چالش‌های دولت گذشته علی‌ریبی، وزیر کار را تا پای استیضاح کشاندند. باین حال یکی از مهم‌ترین راهکارهای کارشناسی ارائه شده به دولت، گسترش مشاغل کوچک و متوسط بوده است. مشاغلی که ستون فقرات اقتصاد آمریکا و اروپا نامیده می‌شود و کشورهای درحال توسعه، آن را یکی از مهم‌ترین گام‌های آغازین خود برای جهش اقتصادی می‌دانند.

به نظر می‌رسد باید به این ادعا با دقت نگاه کرد. بسیاری از کشورهای دنیا تایید می‌کنند که توسعه خود را روی شانه صنایع کوچک بنا کرده‌اند یا به تعبیری این صنایع ستون فقرات اقتصاد آن‌ها را تشکیل می‌دهد. همه به یاد می‌آورند که هندوستان تا چند سال پیش یکی از بزرگ‌ترین گره‌های بی‌کاری را درون خود نگه می‌داشت. مدیران هندی برای مقابله با بی‌کاری حتی زیرپله‌های خود را به مغازه‌هایی برای ایجاد و تولید صنعت نرم‌افزار اختصاص دادند و گروهی از سرمایه‌گذاران نیز وارد این ماجرا شدند. دیری نگذشت که جوانان هندی با بنا کردن دهک‌های کوچک صنعت نرم‌افزار، برای خود شغلی دست و پا کردند. این

اما این پایان کار نیست. این روزها صاحب‌نظران بر این باورند که عبور از موانع بی‌کاری باید صنایع کوچک را پر و بال داد. ظاهراً فعالیت در بیش از ۱۳۲ شاخه صنعتی در ایران تجربه شده است و حالا به باور این کارشناسان می‌شود با کمک به شهرک‌های صنعتی و تقویت صنایع کوچک اشتغال را گسترده کرد. این اما برای نخستین‌بار نیست که ماجرای صنایع کوچک برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و در راس آن بی‌کاری مطرح می‌شود. پیش از این نیز بارها این بحث وجود داشته است اما همان فرهنگ دلالی که در مقیاسی بزرگ نیز تشویق می‌شده، این موضوع را تشدید کرده است. البته بی‌راه نیست اگر بگوییم شوق به تحصیل نیز به شکل مضاعف در تقویت این روند نقش داشته است. به عبارتی عوامل گوناگون دست به دست هم داده‌اند تا صنایع کوچک نتوانند آن‌طور که باید در اقتصاد ایران پا بگیرند. البته درست آن است که بگوییم در چند سال گذشته سیاست‌های نافرجام اقتصادی و واردات بی‌رویه لطمه جدی هم به صنایع کوچک و هم در اندازه‌های بزرگ به کل صنعت کشور زد. از سال ۸۴ تا ۹۱ در شرایطی که بیشترین درآمدهای تاریخی نفت نصیب اقتصاد ایران شده بود و نقدینگی نیز از کمتر از ۹۰ هزار میلیارد تومان به بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود برخی صنایع به خاطر نداشتن نقدینگی ناتوان یا ورشکست می‌شدند؛ بورس تضعیف شده بود و کارتل‌های سرمایه‌گذاری نیز حاشیه‌نشینی را برای ادامه حیات ترجیح می‌دادند. البته امروز هم با وجود اتفاق‌های مثبتی که برای زنده کردن توسعه کشور شکل گرفته است، هنوز گره‌های اقتصادی تا حدی باقی مانده‌اند و همین مسئله باعث شده تا دوباره گروهی از کارشناسان برای جلوگیری از تشدید آفت بی‌کاری یاد صنایع کوچک بیفتند. در این باره حتی این تئوری مطرح می‌شود که باید صنایع کوچک نیز بورسی شوند و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آن‌ها را نیز در لیست فعالیت‌های خود قرار دهند اما این‌که آیا اوضاع این صنایع فعلاً به گونه‌ای هست که بشود روی آن حساب باز کرد، پرسشی است که باید پاسخی قانع‌کننده برای آن یافت. روزنامه شهروند می‌نویسد، این روزها سیکل تحصیل کرده‌های بی‌کار به چالش جدی برای دولت تبدیل شده است؛ چالشی که کارشناسان صندوق بین‌المللی پول را نیز به چاره‌جویی واداشته است. براساس اعلام وزارت کار حدود نیمی از افراد تحصیل کرده کشور سهمی در اقتصاد ملی





ماجرای ادامه یافت تا کمتر از ۵ سال هند توانست صادرات نرم‌افزار خود را تا سقف سالی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد. در ایران نیز با توجه به فوج تحصیل‌کردگان بی‌کار و جوانانی که از بی‌کاری به کارهای کاذب روی می‌آورند، کارشناسان توسعه صنایع کوچک را بهترین میدان برای غلبه بر بی‌کاری می‌دانند.

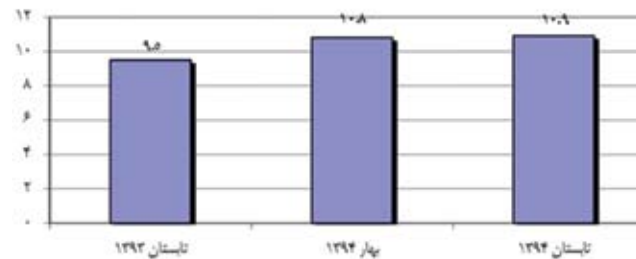
## نیاز به چرخ‌دنده‌های صنایع کوچک

همان‌طور که گفته شد در حالی که مشاغل کوچک و متوسط را ستون فقرات اقتصاد آمریکا و اروپا می‌دانند، به قول شهروند، حیات اقتصاد ایران در سال‌های گذشته بر پایه شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی تعریف شده است، که بیشترین درآمد صادراتی و بودجه کشور را تامین می‌کنند. شرکت‌های بزرگی که درآمد و سرمایه کلان‌شان از فروش ثروت‌های طبیعی مانند نفت خام و گاز طبیعی تامین می‌شود و با وجود جذب سرمایه‌های عظیم، کمترین سهم ممکن در اشتغال‌زایی را داشته‌اند.

محمد مروج حسینی، دبیر کل انجمن عالی کارفرمایی و کارشناس بازار کار در این زمینه می‌گوید: در دهه‌های اخیر بیشتر صنایعی مورد توجه قرار گرفت که سرمایه‌بر بودند نه اشتغال‌زا؛ به‌عنوان مثال صنایع بزرگی مانند پتروشیمی، فولاد، سیمان و... که درازای صرف سرمایه بسیار کلان اشتغال کمی ایجاد می‌کردند و البته این سرمایه، سرمایه‌ای بود که با استفاده از پول نفت گران‌قیمت به دست آمده بود. به‌عنوان مثال ارزآوری پتروشیمی در حال حاضر به علت نرخ کم و غیرواقعی خوراک پتروشیمی‌هاست. به‌گونه‌ای که قیمت واقعی گاز صادراتی ۳ برابر نرخ گازی است که به پتروشیمی‌ها عرضه می‌شود، هرچند باز هم برخی فعالان این صنعت نسبت به قیمت ۱۳ سنتی خوراک پتروشیمی اعتراض دارند!

## درآمد صنایع کوچک هم‌وزن با درآمدهای نفتی

توجه بیش از اندازه به صنایع بزرگ و غیراشتغال‌زا، در حالی است که صنایع کوچک بخش قابل توجهی از اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته را شکل می‌دهد. مثال ملموس این مسئله وضع صنایع کوچک و متوسط در آمریکا است، که برخلاف تصور عموم، قلب اشتغال آمریکا را شکل می‌دهد. براساس گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی OECD، بیش از نیمی از اشتغال آمریکا را صنایع کوچکی تشکیل می‌دهند که در قالب شرکت‌هایی با کمتر از ۵۰۰ نیروی کار فعال هستند. البته این رقم در برخی از کشورهای اروپایی تا ۹۳ درصد نیز می‌رسد. بر همین اساس ترکیه نیز که به دنبال پیوستن به اتحادیه اروپاست، معیارهای توسعه اقتصادی خود را براساس معیارهای اقتصاد اروپا تعریف کرده و دهه اول قرن بیست‌ویکم را به‌عنوان دهه بنگاه‌های کوچک و متوسط تعریف کرد. به‌طوری‌که هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد اشتغال این کشور در تسخیر بنگاه‌های کوچک و متوسط است و ترکیه با اتکا به همین صنایع کوچک بود که توانست رشد خیره‌کننده‌ای در صنعت نساجی و پوشاک تجربه کند و هم‌اکنون به یکی از بزرگ‌ترین برندهای جهان در صنعت



نمودار ۱- نرخ بیکار کل کشور

پوشاک تبدیل شود. به‌طوری‌که در حال حاضر درآمد این کشور از صنعت پوشاک تقریباً معادل درآمد نفتی ایران است و حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود. مروج حسینی درباره نقش صنایع کوچک در جهش اقتصادی کشورها، به «شهروند» توضیح می‌دهد: بسیاری از کشورهای در حال توسعه، جهش اقتصادی خود را با توسعه صنایع متوسط و کوچک و به‌ویژه صنعت نساجی و پوشاک کلید می‌زنند. هم‌اکنون بنگلادش سالانه ۳۰ میلیارد دلار پوشاک صادر می‌کند و درآمد سالانه کامبوج از صادرات پوشاک ۴/۵ میلیارد دلار و ویتنام ۸/۵ میلیارد دلار است. برای فهمیدن ارزش این میزان صادرات کافی است که بدانیم درآمدی که ایران طی سال جاری از محل صادرات نفت برای خود پیش‌بینی کرده است بین ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار است. وی ادامه می‌دهد: تا چند دهه پیش کمتر ایرانی شناختی از ۲ کشور به نام سنگاپور و مالزی داشت، اما در عرض ۳ دهه، این ۲ کشورها با توسعه صنایع و اشتغال کوچک و متوسط خود به چنان رشد و توسعه‌ای دست پیدا کردند که در حال حاضر به‌عنوان یکی از اقتصادهای بزرگ دنیا شناخته می‌شوند و مثلاً سنگاپور در برخی شاخص‌ها مانند کسب‌وکار و اقتصاد آزاد رتبه اول جهان را دارد.

## تعمیلی ۵۱ درصدی صنایع کوچک

صنایع کوچک و متوسط علاوه بر اشتغال‌زایی قابل توجه، بسیاری از مشاغل دانش‌بنیان را نیز در بر می‌گیرد. مشاغلی که اساس سرمایه‌گذاری‌شان بر پایه فکرو دانش است، نه پول و سرمایه بالا. به همین دلیل است که با توسعه دانش و فناوری و نقش مشاغل دانش‌بنیان در افزایش راندمان اقتصادی، کشورهای پیشرفته به سمت مشاغل کوچک و متوسط حرکت کرده‌اند. مثال بارز دانش‌بنیان‌بودن صنایع کوچک، کشور هند است که در قالب شرکت‌هایی با حداقل نیرو، درآمد کلانی از محل صادرات نرم‌افزار رایانه‌ای به دست آورده است؛ اما در ایران وضع به‌گونه دیگری است و با وجود بحرانی شدن بی‌کاری دانش‌آموختگان، نه صنایع دانش‌بنیان مورد توجه ویژه بوده‌اند و نه اصولاً مشاغل کوچک و متوسط؛ به‌گونه‌ای که هم‌اکنون نزدیک به ۵۱ درصد از مشاغل صنایع کوچک و متوسط ایران تعطیل یا نیمه‌تعطیل شده‌اند. محمدعلی سیدابریشمی، مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در یک نشست خبری اعلام کرده است که ۳۱ هزار واحد در حال بهره‌برداری و دارای پروانه بهره‌برداری در مجموع شهرک‌های صنعتی کشور وجود دارد، که از این تعداد حدود ۱۷ درصد یعنی ۵ هزار و ۴۵۱ واحد کاملاً تعطیل شده‌اند و ۳۴ درصد دیگر یعنی ۹ هزار و ۹۷ واحد با زیر ۵۰ درصد از ظرفیت خود کار می‌کنند. او همچنین با بیان این که ۷۱ درصد تعطیلی واحدها بین سال‌های ۸۵ تا ۹۲ بوده، گفته است: عمده دلایل تعطیلی این واحدها، تامین مواد اولیه، نبود نقدینگی، نبود بازار و اختلاف شرکا بوده است، که در این میان ۳۷۰۰ واحد به دلیل نبود نقدینگی تعطیل شده‌اند و حدود ۸۴۰ واحد شهرک‌های صنعتی توسط بانک‌ها تملک شده‌اند، که از این تعداد حدود ۷۰۰ واحد کاملاً متوقف شده‌اند و بی‌کاری شاغلان این واحدها را به دنبال داشته است.

## قابل توجه گروه‌های سرمایه‌گذاری

یک نکته را نباید فراموش کرد؛ که اگر صنایع بزرگ غیر سودده شده‌اند و نتوانسته‌اند اشتغالی در حد یک جهش در توسعه ایجاد کنند، دلیلی جز ناکارآمدی‌های مدیریتی و فرایندهایی مانند تحریم‌های سخت‌تحمیلی نداشته است، برای همین نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت ولی در کنار این ماجرا حتماً صنایع کوچک می‌توانند در زمان اندکی هم منجر به سودآوری‌های بزرگ شوند و برخی موانع را از سر راه اشتغال مولد بردارند. برای همین به‌طور قطع شرکت‌های سرمایه‌داری در تجزیه و تحلیل خود باید با چشم دیگری به این صنایع نگاه کنند. راه‌اندازی گروهی از صنایع کوچک در زیرمجموعه شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ورود آن‌ها به بازار سرمایه ویترونی تازه برای اقتصاد است، که تولید سود در آن برحسب تجربیات جهانی غیرقابل تردید است. مخصوصاً حالا که همه چیز در اقتصاد ایران در آستانه تغییرات مثبت ایستاده است.

ارزیابی برخی داده‌های همیشگی در اقتصاد ایران

# نورم کاهش یافت اما خط فقر رکج‌است؟

صعودی خط فقر محسوب می‌شود. ظاهراً تا قبل از آن خط فقر هیچ‌گاه از ۳۰۰ هزار تومان بالاتر نبوده است. خبرگزاری مهر به نقل از داده‌های مرکز آمار ایران می‌نویسد: «از سال ۸۴ تاکنون هزینه خانوار در ایران ۴.۷ برابر و درآمدها ۴.۴ برابر شده است.» یعنی یک کسری بودجه در بطن زندگی خانوار نهفته شده است. حسین راغفر، تدوینگر نقشه جغرافیایی فقر کشور نیز مدت‌ها قبل در گفت‌وگو با ایسنا، خط فقر مطلق (شدید) سال ۸۶ کشوری را برحسب توزیع درآمد و مصرف خانوار، ۴۰۰ هزار تومان اعلام کرد بود. او در مورد سال‌های قبل‌تر نیز گفته بود: «خط فقر مطلق (شدید) کشوری در سال ۸۳ معادل ۲۳۸ هزار تومان، ۸۴، ۲۷۶ هزار تومان، ۸۵، ۳۲۵ هزار تومان و در سال ۸۶ نیز ۴۰۰ هزار تومان محاسبه شده است. خط فقر مطلق استان تهران نیز در سال ۸۳، ۴۰۰ هزار تومان، ۸۴، ۴۸۰ هزار تومان، ۸۵، ۵۶۰ هزار تومان و سال ۸۶، ۶۵۰ هزار تومان محاسبه شده است. این ارقام نشان می‌دهد که خط فقر در آن سال‌ها، رشد سالانه ۱۸ درصدی را مزمره می‌کرده است تا این‌که امروز به ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است. اما این‌که خانوارها چه درآمدی دارند و با چه داشته اقتصادی در ماه به میزبانی این خط فقر می‌روند؛ پرسشی است که هنوز نمی‌شود با قطعیت به آن پاسخ داد. در این باره بانک مرکزی معتقد است درآمد هر خانوار ایرانی در سال ۹۳ به میزان ۳۱ میلیون و ۳۹۳ هزار تومان (هر ماه ۲ میلیون و ۶۱۶ هزار تومان) و هزینه‌ها نیز ۳۲ میلیون و ۸۷۶ هزار تومان (هر ماه دو میلیون و ۷۳۹ هزار تومان) بوده است اما مرکز آمار می‌گوید درآمدها در سال گذشته ۲۴ میلیون و ۱۳۱ هزار تومان (هر ماه دو میلیون و ۱۰ هزار تومان) و هزینه‌ها نیز ۲۳ میلیون و ۴۸۶ هزار تومان (هر ماه یک میلیون و ۹۵۷ هزار تومان) بوده است. همان‌طور که مشخص است؛ هم بانک مرکزی و هم مرکز آمار ایران متوسط درآمد خانوار ایرانی را کمتر از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان خط فقر مورد ادعای کارشناسان برجسته اقتصادی محاسبه کرده‌اند. براساس داده‌های بانک مرکزی؛ هر خانوار ایرانی هر ماه ۸۴ هزار تومان و براساس داده‌های مرکز آمار ایران هر خانوار ایرانی هر ماه ۶۹۰ هزار تومان نسبت به خط فقر کسری بودجه دارد. سال ۹۲ داده مرکز آمار ایران نشان داد که این فقر چگونه در جغرافیای

برخی مواقع داده‌ها، آمار و ارقام اقتصادی حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، البته بماند که گروهی از فعالان اقتصادی و حتی تعدادی از کارشناسان بر این باورند که بعضی از آمارها را نباید به اطلاع همه رساند یا آن را در معرض دید همه شهروندان قرار داد، ولی می‌شود هرازگاهی از کنار چنین اظهارنظرهایی به‌سادگی عبور کرد، چون واقعیت آن است که فعالان اقتصادی اگر با ضریب هوشی بیشتری در مدار اقتصاد حاضر شوند، به‌طور حتم می‌توانند پیام و جهت‌گیری این داده‌ها را درک و خط سیر فعالیت‌های اقتصادی خود را ترمیم کنند. به‌عنوان مثال، حتماً بد نیست اگر فعالان اقتصادی بدانند که خط فقر در ایران، این روزها به ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است. البته کارشناسان این خط فقر را برای یک خانوار ۵ نفره محاسبه می‌کنند. یعنی به ازای هر عضو، یک خانوار ۵ نفره باید ۵۴۰ هزار تومان درآمد داشته باشد تا این خانواده بتواند زندگی روی خط فقر را تجربه کند. این روزها اما آمارها تمایل دارند که به‌صورت جهشی از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت کنند. مثلاً زمستان سال گذشته در مورد همین خط فقر گزارش‌های موجود حکایت دیگری داشتند. در سال گذشته اگر درآمد ماهانه هر فرد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان می‌شد، آن فرد در واقع زیر خط فقر خشن یا فقر مطلق می‌افتاد. یعنی برحسب محاسبات اقتصادی، در سال گذشته یک خانوار ۵ نفره اگر درآمدی بالاتر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان داشت، جایی بالاتر از خط فقر زندگی می‌کرد. اگر این آمار را بپذیریم؛ می‌شود گفت که خط فقر از زمستان گذشته تا زمستان امسال یک میلیون و ۴۵۰ هزار تومان افزایش یافته است. بخشی از این اضافه‌بار شدید را می‌شود پای خطای آماری گذاشت، چون چند سالی می‌شود که دولت‌ها از اعلام رسمی خط فقر طفره می‌روند و کارشناسان این خط را با بالا و پایین کردن داده‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی محاسبه می‌کنند. اما هر چه هست نمی‌توان این واقعیت را نیز نادیده گرفت که تجربه زندگی در کلان شهرها اجازه می‌دهد تا ارقام محاسبه‌شده برای تعریف خطوط فقر را باور کرد. داده‌های موجود نشان می‌دهد که همه چیز در مورد فقر و فقدان توانایی اقتصادی خانوار از سال ۱۳۸۴ شکل گرفته است و در واقع سال ۸۴ مرز حرکت

ایران توزیع شده است (اطلاعات دقیق تر در جدول ملاحظه می‌شود). درضمن به نظر می‌رسد نمی‌شود به این نکته نیز پاسخ داد که چرا بین آمار بانک مرکزی با داده‌های مرکز آمار ایران باید این شکاف عمیق وجود داشته باشد. سال‌هاست که این اتفاق رخ می‌دهد و این‌گونه مرسوم شده است که همه اهالی اقتصاد بگویند به این شکاف عادت کرده‌اند. حتی برخی کارشناسان این دو نهاد!

| استان              | شهرستان  | درصد جمعیت زیر خط فقر | درصد شهرستان از نظر درصد فقر در استان | شهرستان |
|--------------------|----------|-----------------------|---------------------------------------|---------|
| مرکزی              | ازک      | ۲۲.۳                  | ۴                                     | ۰-۲۲.۳  |
| گیلان              | رشت      | ۱۵.۵                  | ۷                                     | ۰-۲۰.۸  |
| مازندران           | ساری     | ۱۰.۹                  | ۱۲                                    | ۰-۲۰.۶  |
| آذربایجان شرقی     | تبریز    | ۲۲.۳                  | ۶                                     | ۰-۲۱.۲  |
| آذربایجان غربی     | ارومیه   | ۲۱.۵                  | ۱۲                                    | ۰-۲۰.۹  |
| کرمانشاه           | کرمانشاه | ۲۹.۹                  | ۷                                     | ۰-۲۰.۲  |
| خوزستان            | اهواز    | ۲۹.۷                  | ۱۲                                    | ۰-۲۱.۵  |
| قزوین              | قزوین    | ۲۱.۲                  | ۱۲                                    | ۰-۲۰.۵  |
| کرمان              | کرمان    | ۲۲.۷                  | ۱۲                                    | ۰-۲۰.۹  |
| خراسان جنوبی       | مشهد     | ۲۸.۸                  | ۱۰                                    | ۲۲.۱    |
| اصفهان             | اصفهان   | ۱۹.۰                  | ۱۲                                    | ۰-۲۱.۱  |
| سیستان و بلوچستان  | زاهدان   | ۲۹.۱                  | ۱                                     | ۰-۲۱.۱  |
| کرمان              | سندج     | ۲۸.۷                  | ۷                                     | ۰-۲۰.۷  |
| همدان              | همدان    | ۲۲.۸                  | ۲                                     | ۰-۲۱.۶  |
| چهارمحال و بختیاری | شهرکرد   | ۲۰.۰                  | ۶                                     | ۰-۲۲.۸  |
| لرستان             | خرم‌آباد | ۲۹.۰                  | ۵                                     | ۰-۲۱.۷  |
| ایلام              | ایلام    | ۲۹.۶                  | ۵                                     | ۰-۲۰.۶  |
| بوشهر              | بوشهر    | ۱۲.۳                  | ۷                                     | ۰-۲۲.۲  |
| زنجان              | زنجان    | ۲۵.۰                  | ۳                                     | ۰-۲۲.۵  |
| سمنان              | سمنان    | ۲۹.۰                  | ۲                                     | ۰-۲۰.۸  |
| یزد                | یزد      | ۲۲.۸                  | ۲                                     | ۰-۲۰.۷  |
| هرمزگان            | بندرعباس | ۲۲.۶                  | ۲                                     | ۰-۲۲.۲  |
| تهران              | تهران    | ۸.۳                   | ۱۲                                    | ۰-۲۱.۵  |
| اردبیل             | اردبیل   | ۲۲.۷                  | ۲                                     | ۰-۲۱.۵  |
| قم                 | قم       | ۲۱.۰                  | ۱                                     | ۰-۲۰.۵  |
| قزوین              | قزوین    | ۱۲.۹                  | ۲                                     | ۰-۲۰.۲  |
| گلستان             | گنجان    | ۲۰.۹                  | ۱۰                                    | ۰-۲۱.۹  |
| خراسان شمالی       | بجنورد   | ۲۹.۱                  | ۱                                     | ۰-۲۰.۸  |
| خراسان جنوبی       | بیرجند   | ۲۲.۳                  | ۲                                     | ۰-۲۲.۳  |

آورد. هرچند این رقم مربوط به تورم نقطه به نقطه و نرخ تورم روستایی می‌شد اما توانست شبکه‌های خبری را دچار شوک کند. مرکز آمار ایران اعلام کرد: نرخ تورم روستایی کشور در پایان آبان‌ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۱۲.۵ درصد و تورم نقطه به نقطه نیز ۹ درصد محاسبه شده است.

البته باز هم طبق معمول ارقام بانک مرکزی با مرکز آمار ایران در مورد نرخ تورم تفاوت‌های چشمگیری را به رخ می‌کشند. بانک مرکزی در آخرین گزارش خود نوشت، نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به آبان‌ماه ۱۳۹۴ نسبت به ۱۲ ماه منتهی به آبان‌ماه ۱۳۹۳، معادل ۱۴.۳ درصد محاسبه و اعلام می‌شود. اما مرکز آمار نرخ تورم آبان را ۱۳.۱ اعلام کرد. طبق اعلام این مرکز، شاخص کل در آبان نسبت به مهرماه ۰.۷ درصد افزایش داشته است. تورم نقطه به نقطه نیز به ۱۰.۸ درصد رسیده است. در واقع براساس محاسبه مرکز آمار نرخ تورم سراسری کشور نیز فاصله بسیار کمی با تورم تکریمی دارد. برای بررسی جزئیات نرخ تورم گزارش مرکز آمار ایران در ادامه می‌آید: براساس این گزارش، شاخص کل در آبان‌ماه امسال به ۲۲۰.۱ رسید، که نسبت به مهرماه ۰.۷ درصد افزایش داشته است. این شاخص در مهرماه ۲۱۸.۵ بود.

کالاهای غیرخوراکی و خدمات تورم ۱۴ درصدی داشت. تورم این گروه در مهرماه ۱۴.۴ درصد بود. تورم نقطه به نقطه گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات نیز ۱۲.۱ درصد بود. این نرخ در مهرماه، ۱۲ درصد بود.

| شاخص قیمت شهری ۱۳۹۰-۱۰۰ |         |                                |                            | تغییرات شاخص نسبت به ماه مشابه سال قبل |         |                                |                            |
|-------------------------|---------|--------------------------------|----------------------------|--|---------|--------------------------------|----------------------------|
| دوره های زمانی          | شاخص کل | خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات | کالاهای غیر خوراکی و خدمات | دوره های زمانی                         | شاخص کل | خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات | کالاهای غیر خوراکی و خدمات |
| مهر ۱۳۹۴                | ۲۱۸.۵   | ۲۴۹.۸                          | ۲۰۷.۷                      | مهر ۱۳۹۴                               | ۱۰.۹    | ۸.۳                            | ۱۲.۰                       |
| آبان ۱۳۹۴               | ۲۲۰.۱   | ۲۵۰.۶                          | ۲۰۹.۷                      | آبان ۱۳۹۴                              | ۱۰.۸    | ۷.۹                            | ۱۲.۱                       |

| درصد تغییر ماهانه شاخص |         |                                |                            | تورم ۱۲ ماهه شاخص |         |                                |                            |
|------------------------|---------|--------------------------------|----------------------------|-------------------|---------|--------------------------------|----------------------------|
| دوره های زمانی         | شاخص کل | خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات | کالاهای غیر خوراکی و خدمات | دوره های زمانی    | شاخص کل | خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات | کالاهای غیر خوراکی و خدمات |
| مهر ۱۳۹۴               | ۰.۸     | -۰.۷                           | ۱.۴                        | مهر ۱۳۹۴          | ۱۳.۳    | ۱۰.۸                           | ۱۴.۴                       |
| آبان ۱۳۹۴              | ۰.۷     | -۰.۳                           | ۰.۹                        | آبان ۱۳۹۴         | ۱۳.۱    | ۱۰.۹                           | ۱۴.۰                       |

در آبان‌ماه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، تورم ۱۰.۹ داشت، در حالی که این گروه در مهرماه تورم ۱۰.۸ درصدی داشت. یعنی تورم خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات صعودی در آبان‌ماه برعکس تورم کل و تورم کالاهای غیرخوراکی و خدمات، صعودی بود. نرخ تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، در مهرماه ۷.۹ درصد بود که نسبت به ۸.۳ درصد مهرماه کاهش داشت.

گروه آب، برق و سوخت با تورم ۳۶.۸ درصدی بیشترین نرخ تورم را تجربه کرد. گروه میوه و خشکبار رتبه دوم تورم را داشت (۱۹.۲ درصد). رتبه سوم گروه نان و غلات با تورم ۱۸ درصدی و رتبه چهارم و پنجم به ترتیب برای گروه‌های آموزش (۱۷.۶ درصد) و بهداشت و درمان (۱۶.۸ درصد) بود.

کمترین تورم برای گروه‌های دخانیات (۲.۷ درصد)، روغن‌ها و چربی‌ها (۳.۸ درصد)، ارتباطات (۴.۱ درصد)، گوشت قرمز و گوشت ماکیان (۴.۱ درصد) و سبزی‌ها و حبوبات (۴.۳ درصد) بود.

دو گروه ارتباطات و حمل‌ونقل نسبت به ماه گذشته تغییر قیمت نداشتند.

| شرح                            | شهرت اهمیت | شاخص  | درصد تغییرات شاخص |                 |                           |                           |
|--------------------------------|------------|-------|-------------------|-----------------|---------------------------|---------------------------|
|                                |            |       | نسبت به ماه قبل   | نسبت به سال قبل | نسبت به ماه مشابه سال قبل | نسبت به ماه مشابه سال قبل |
| شاخص کل                        | ۱۰۰۰       | ۲۲۰.۱ | ۰.۷               | ۱۰.۸            | ۱۴.۴                      | ۱۳.۱                      |
| خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات | ۳۵.۵       | ۲۵۰.۶ | -۰.۳              | ۷.۹             | ۱۱.۱                      | ۱۰.۹                      |

به هر حال با این ارقام ساده‌تر می‌توان دلیل رکود فراگیر را در اقتصاد ایران درک کرد. در چنین شرایطی کارشناسان اقتصادی بر این باورند که دولت بهترین سیاستی که می‌تواند برای خروج از رکود و بهینه شدن اوضاع اقتصادی مردم طراحی کند، پرداختن به تولید و باز کردن مسیر رونق شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه است. رونق تولید باعث می‌شود تا توسعه در ایران جان بگیرد و به موازات آن رکود لاک خود را بشکنند. وقتی داده‌های رسمی نشان می‌دهد که خانوارهای ایرانی به صورت نسبتاً وسیعی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، نمی‌توان منتظر شد تا رکود با سیاست‌های حمایتی از صنایع تنبل به حاشیه رانده شود. بهترین راه چرخیدن سکان اقتصاد کشور، رفتن به سمتی است که در آن دیگر خط فقر یک پدیده همگانی نباشد. این اتفاق نیز زمانی رخ می‌دهد که فعالیت‌های مولد بتوانند در صدر توسعه ایرانی قرار بگیرند و تابلوهای بازار سرمایه نیز آن را منعکس کنند.

## تورم چه می‌گوید

همه می‌دانند که تورم در سال‌های گذشته به یکی از بلاهای غیرطبیعی اقتصاد ایران تبدیل شده بود و در واقع هر کس می‌خواست از سیمای نخواستنی اقتصاد ایرانی سخن بگوید؛ از تورمی حرف می‌زد که تا سطح ۵۰ درصد در بهترین سال‌های نفتی ایران بالا آمده بود، برای همین وقتی دولت یازدهم روی کار آمد، یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های اقتصادی خود را کاهش تورم معرفی کرد و توانست بعد از دو سال به پیروزی نیز دست یابد. در حال حاضر که شما این گزارش را می‌خوانید، مراکز رسمی دولت اعلام کردند که نرخ تورم کاهش چشمگیری داشته است. در دومین هفته از آذرماه، یک خبر درباره تورم حسابی سروردا کرد و آن هم این‌که بالاخره تورم مژه تکریمی را هم چشید و اقتصاد ایران توانست بعد از ۸ سال تندخویی شاخص‌ها، تورم تکریمی را به دست

## ششمین همایش مدیران گروه سرمایه گذاری خوارزمی باموفقیت برگزار شد

در شرایطی که این شماره از ماهنامه و خارزم روانه چاپخانه می شد اطلاع یافتیم که ششمین همایش مدیران گروه سرمایه گذاری خوارزمی (سهامی عام) در روزهای ۲۵ و ۲۶ آذرماه سال ۱۳۹۴ با حضور مدیرعامل، معاونان و مشاوران شرکت سرمایه گذاری خوارزمی و مدیران ارشد شرکت های وابسته به این گروه سرمایه گذاری در شهر اصفهان باموفقیت برگزار شد.

بر پایه این خبر، این همایش با سخنان دکتر حجت اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی آغاز گردید و با سخنرانی عباسعلی ارجمندی، مدیرعامل شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی، دکتر شهرام قبادی، کارشناس ارشد برنامه ریزی و سنجش عملکرد؛ دکتر سیدمهدی برکچیان، مشاور مدیرعامل؛ دکتر سعید جمشیدی فرد، نایب رئیس شورای عالی جامعه حسابداران رسمی؛ و دکتر ابوالحسن جلیلودن، استاد دانشگاه لویولا شیکاگو پی گرفته شد. ارجمندی در سخنان خود، شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی را معرفی کرد. دکتر قبادی نیز درباره این که هر یک از شرکت های گروه خوارزمی در چه مرحله ای از برنامه راهبردی هفت ساله این گروه قرار دارند، سخن گفت. دکتر برکچیان نیز چشم اندازی از اقتصاد کلان در سال ۹۵ را ترسیم کرد. برجام و افق تجارت و سرمایه گذاری خارجی موضوع سخنرانی دکتر جمشیدی فرد بود و سرانجام دکتر جلیلودن نیز موضوع کیفیت حضور در بازارهای جهانی را محور تحلیل تفصیلی خود قرارداد.

سخنرانی دکتر ابراهیم صفوی، پزشک و روانشناس با موضوع مدیریت فیزیولوژیک استرس؛ سخنرانی ژوبین منصوریان، مشاور امور بین الملل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی با موضوع مسیر پیش روی خوارزمی در حوزه بین الملل؛ و سخنرانی رضا امیرخانی، پژوهشگر و نویسنده با موضوع «شکست به زبان نامادری» از جمله برنامه های دیگر دومین روز ششمین همایش مدیران گروه خوارزمی بود. میزبانی و مدیریت دبیرخانه این همایش را «شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی» برعهده داشت.

مهندس مسعود خوانساری رییس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران نیز در این همایش سخنرانی کوتاهی ایراد کرد. این همایش با سخنان دکتر حجت الله صیدی، مدیرعامل گروه خوارزمی به کار خود پایان داد. ماهنامه و خارزم گزارش مشروح این همایش را در شماره بهمن ماه خود انتشار خواهد داد.

|  |      |       |      |      |      |      |
|--|------|-------|------|------|------|------|
| خوراکیها و آشامیدنی ها                                     | ۲۵.۱ | ۲۴۹.۶ | -۰.۳ | ۸.۰  | ۱۱.۳ | ۱۱.۱ |
| خوراکیها   | ۲۴.۱ | ۲۴۸.۴ | -۰.۳ | ۸.۰  | ۱۱.۳ | ۱۱.۲ |
| نان و غلات   | ۶.۴  | ۲۳۰.۱ | -۰.۴ | ۱۶.۰ | ۱۷.۷ | ۱۸.۰ |
| گوشت قرمز و سفید و فرآورده های آنها                        | ۶.۳  | ۲۲۸.۲ | ۲۳.۰ | ۷.۹  | ۵.۹  | ۵.۷  |
| گوشت قرمز و گوشت ماکیان                                    | ۵.۵  | ۲۱۶.۵ | ۲۸.۰ | ۶.۹  | ۶.۲  | ۶.۱  |
| ماهی ها و صدف داران  | -۰.۸ | ۳۱۰.۷ | -۰.۵ | ۱۳.۱ | ۱۴.۹ | ۱۵.۲ |
| شیر، پنیر و تخم مرغ  | ۲.۵  | ۲۴۵.۶ | -۰.۶ | ۶.۲  | ۱۰.۰ | ۱۰.۶ |
| زردچوبه و چربیها   | ۱.۲  | ۲۴۴.۸ | -۰.۱ | ۳.۵  | ۳.۸  | ۳.۸  |
| میوه و خشکبار  | ۳.۱  | ۲۵۷.۳ | ۲۹.۰ | ۲.۶  | ۲۲.۴ | ۲۱.۹ |
| سبزیجات (سبزی ها و حبوبات)                                 | ۲.۶  | ۳۴۷.۹ | ۷.۱  | ۳.۶  | ۵.۵  | ۶.۲  |
| شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی قند و شکر و شیرینیا         | ۱.۲  | ۲۲۰.۶ | -۰.۷ | ۹.۹  | ۱۰.۰ | ۱۰.۰ |
| محصولات خوراکی طبقه بندی نشده در جای دیگر                  | -۰.۸ | ۲۴۵.۵ | -۰.۷ | ۸.۲  | ۸.۵  | ۹.۱  |
| چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب میوه (نوشابه های غیر الکلی) | ۱.۰  | ۲۷۹.۱ | -۰.۹ | ۷.۸  | ۸.۱  | ۸.۴  |
| دخانیات  | -۰.۵ | ۳۰۳.۷ | -۰.۲ | ۳.۶  | ۲.۸  | ۲.۷  |
| کالاهای غیر خوراکی و خدمات                                 | ۲۴.۵ | ۲۰۹.۷ | -۰.۹ | ۱۲.۱ | ۱۳.۰ | ۱۴.۰ |
| پوشاک و کفش  | ۴.۵  | ۲۴۴.۷ | -۰.۵ | ۷.۹  | ۹.۵  | ۱۰.۶ |
| مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوختها                           | ۳۵.۶ | ۱۹۹.۱ | ۱.۷  | ۱۵.۸ | ۱۵.۵ | ۱۶.۰ |
| مسکن   | ۳۰.۵ | ۱۹۰.۶ | -۰.۶ | ۱۰.۸ | ۱۲.۲ | ۱۲.۹ |
| آجاره  | ۳۰.۱ | ۱۸۹.۹ | -۰.۶ | ۱۰.۸ | ۱۲.۲ | ۱۲.۸ |
| خدمات نگهداری و تعمیر واحد مسکونی (خدمت)                   | -۰.۵ | ۲۴۶.۰ | -۰.۹ | ۱۱.۷ | ۱۲.۹ | ۱۴.۱ |
| آب، برق و سوخت   | ۵.۱  | ۲۵۰.۷ | ۷.۶  | ۴۶.۳ | ۳۷.۵ | ۳۶.۸ |
| مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها                  | ۶.۲  | ۲۳۶.۶ | -۰.۳ | ۵.۸  | ۷.۰  | ۷.۷  |
| بهداشت و درمان   | ۶.۷  | ۲۳۸.۴ | -۰.۵ | ۱۴.۵ | ۱۴.۴ | ۱۴.۸ |
| حمل و نقل  | ۹.۸  | ۲۲۳.۸ | -۰.۰ | ۸.۳  | ۱۰.۹ | ۱۴.۴ |
| ارتباطات   | ۳.۷  | ۱۲۹.۷ | -۰.۱ | ۳.۳  | ۳.۹  | ۴.۱  |
| تفریح و فرهنگ  | ۲.۲  | ۲۴۹.۰ | -۰.۱ | ۶.۸  | ۱۳.۳ | ۱۵.۰ |
| آموزش  | ۲.۳  | ۱۸۰.۰ | -۰.۶ | ۱۵.۵ | ۱۷.۳ | ۱۷.۶ |
| هتل و رستوران  | ۱.۴  | ۲۴۰.۲ | -۰.۶ | ۱۳.۱ | ۱۴.۲ | ۱۴.۷ |
| کالاهای و خدمات متفرقه                                     | ۴.۱  | ۲۱۷.۵ | -۰.۲ | ۸.۳  | ۷.۷  | ۹.۴  |
| شاخص کل (بدون آجاره)                                       | ۶۹.۹ | ۲۴۳.۱ | -۰.۸ | ۱۰.۹ | ۱۲.۵ | ۱۳.۱ |
| کالاهای  | ۵۰.۷ | ۲۴۳.۰ | -۰.۰ | ۱۰.۴ | ۱۱.۸ | ۱۲.۴ |
| خدمات  | ۴۹.۳ | ۱۹۴.۵ | -۰.۵ | ۱۱.۴ | ۱۳.۱ | ۱۳.۹ |

از سوی دیگر در ۱۴ آذرماه گذشته، وزیر اقتصادی نیز اعلام کرد که نرخ تورم تولید به کمتر از ۵ درصد رسیده است. این خبر نیز می تواند برای تولیدکننده ها و سرمایه گذاران مولد اقتصاد ایران، خبر خوبی محسوب شود. البته شاید اگر فراموش شود که کاهش نرخ تورم در دو سال گذشته منجر به افزایش دامنه های رکود شده است؛ آن هم رکوی که این روزها تا حد زیادی اقتصاد ایران را در کنج قرار داده و ضریب آسیب پذیری آن را افزایش داده است. با این همه اما گروهی از کارشناسان بر این باورند که کاهش تورم حتی اگر پیامدی مانند رکود داشته است، باز هم باید به عنوان یک پیروزی اقتصادی تلقی شود، چون در چند سال گذشته تورم توانسته بود سرمایه های اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل زیربنایی توسعه اقتصادی بسیار ضعیف کند. از این منظر باید این نوع برداشت اقتصادی را جدی گرفت. در دنیای امروز سرمایه های اجتماعی در تند شدن ضربان توسعه حرف نخست را می زنند؛ که سیاست های غلط اقتصادی و افزایش تند شیب تورم فقط در عرض چند سال، زمینه سقوط سرمایه های اجتماعی را فراهم کرده بود. حالا با کاهش تورم می توان راهبردهایی را برای بالا رفتن دوباره سرمایه های اجتماعی طراحی کرد، که اگر این اتفاق رخ دهد در هنگام کاهش سطح رکود، دور از انتظار نیست که مطلوبیت به مدار سرمایه های اجتماعی باز گردد. ما به زودی و بعد از شروع سرمایه گذاری های اقتصادی در دوران پساتحریم، به بازار سرمایه و ابزارهای نوین اقتصادی برای رشد اقتصاد مولد نیاز داریم. این اتفاق رخ نمی دهد مگر آن که توسعه در ایران نیز بهره خود را از سرمایه های اجتماعی ببرد. کاهش نرخ تورم هر چند با افزایش رکود همراه بوده است اما اگر در همین سطح کاهش باقی بماند، در دوران رکود می تواند ابزار مناسبی برای همه گیر کردن دغدغه اقتصاد مولد باشد. پس شاید بتوان باور کرد که کاهش تورم با وجود رکود فعلی، ضربه ای برای اقتصاد ایران نبوده است. ضربه اصلی را به اقتصاد ایران طی سال های گذشته در مرحله نخست مدیریت های ناکارآمد و در مرحله بعد تحریم های تحمیلی وارد کردند. آیا غیر از این است؟



# وظایف و مسئولیت‌های کارکنان کارگاه در پروژه‌های ساختمان و نصب

مقاله

\*دکتر اصغر ابن‌الرسول (معاون طرح و برنامه گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی)  
\*دکتر شهرام قبادی (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی، سنجش عملکرد و پروژه در معاونت طرح و برنامه گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی)

(قسمت پنجم)



## ناظر / افسر HSE کارگاه

ناظر ایمنی و محیط زیست کارگاه، وظایف نظارت و پیگیری اجرای صحیح خط مشی ایمنی و محیط زیست شرکت، برنامه ایمنی و محیط زیست پروژه<sup>۱</sup> و دستورالعمل‌های ایمنی و محیط زیست پروژه در کارگاه، نظارت مستقیم بر عملکرد و سیستم مدیریت ایمنی و محیط زیست پیمانکار، انجام بازرسی‌های متناوب روزانه و تهیه گزارشات مربوطه، برگزاری جلسات مرتبط ایمنی و محیط زیست و پیگیری رفع موارد غیر ایمن در کارگاه را بر عهده دارد. ناظر ایمنی و محیط زیست کارگاه، زیر نظر مستقیم مدیر ساختمان و نصب پروژه انجام وظیفه کرده و به ایشان نیز گزارش می‌کند.

## شرح وظایف و مسئولیت‌های ناظر / افسر ایمنی و محیط زیست کارگاه

نظارت و اجرای فعالیت‌های ایمنی و محیط زیست مطابق با رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و مدارک پروژه ذی‌ربط. برقراری سیستم مدیریت ایمنی و محیط زیست متناسب با فعالیت‌های مختلف پروژه و سیستم‌های مدیریتی مرتبط موجود در شرکت. تهیه یا همکاری در تهیه برنامه مدیریت ایمنی و محیط زیست پروژه و همکاری در تعیین اهداف ایمنی و محیط زیست پروژه و بازنگری آن متناسب با پیشرفت پروژه و نیازمندی‌های قراردادی پروژه. تهیه و مستندسازی کلیه مدارک ایمنی و محیط زیست مورد نیاز پروژه و ارسال به کارفرما. بازنگری دستورالعمل‌ها و روش‌های اجرایی ایمنی و محیط زیست پروژه و بررسی و اعمال نقطه نظرات کارفرما در صورت لزوم. بررسی و مطالعه مدارک ایمنی و محیط زیست پیمانکار جهت تایید. بررسی و نظارت بر سیستم آموزش ایمنی و محیط زیست پیمانکار در کارگاه شامل مدارک، آرشو و امکانات برگزاری دوره‌های آموزش ایمنی و محیط زیست و طرح و برنامه‌ریزی بر اساس نیازهای پروژه. نظارت بر کیفیت و اجرای الزامی آموزش ایمنی و محیط زیست در بدو ورود به کارگاه (SIC)<sup>۲</sup>.

نظارت بر کیفیت و برگزاری جلسات روزانه ایمنی و محیط زیست در کارگاه (TBM)<sup>۳</sup>. حضور در جلسات کارگاه در خصوص مباحث ایمنی و محیط زیست. برگزاری جلسات ایمنی و محیط زیست و توره‌های ایمنی و محیط زیست<sup>۴</sup> در کارگاه. انجام بازرسی‌های متناوب روزانه ایمنی و محیط زیست در کارگاه و تهیه گزارشات مربوطه. پیگیری روزانه گزارشات بازرسی و رفع موارد غیر ایمن. پیگیری موارد و نتایج ممیزی‌های ایمنی و محیط زیست و نظارت بر رفع عدم انطباق‌ها. بررسی و نظارت بر چارت سازمانی ایمنی و محیط زیست پروژه جهت تایید. بررسی و مطالعه برنامه تخصیص نفرات ایمنی و محیط زیست جهت تایید و نظارت بر اجرای صحیح آن مطابق با پیشرفت و نیاز پروژه. تهیه گزارشات روزانه، هفتگی و ماهیانه ایمنی و محیط زیست، جهت اطلاع مدیر کارگاه، مدیر پروژه و ارسال به کارفرما. ارسال گزارشات مربوطه ایمنی و محیط زیست بعد از تایید مدیر کارگاه به هماهنگ‌کننده ساختمان و نصب در پروژه. بررسی رزومه‌ها و توانایی نفرات ایمنی و محیط زیست پیمانکار جهت تایید. ارائه راهکارهای مناسب در جهت ایمن‌سازی کارگاه. نظارت بر عملکرد و اجرای سیستم مدیریت ایمنی و محیط زیست پیمانکار. تهیه مدارک و موارد لازم در ITB<sup>۵</sup> پیمانکاران و حضور در جلسات KOM<sup>۶</sup> در صورت لزوم. ثبت، بررسی و آنالیز حوادث و تهیه و ارسال گزارشات مربوطه و برگزاری جلسات و دوره‌های آموزشی متناسب با آن در صورت لزوم. شناسایی خطرات (HAZID)<sup>۷</sup> با توجه به پیشرفت پروژه و ارزیابی و مدیریت ریسک<sup>۸</sup> آن‌ها. نظارت بر انجام صحیح شناسایی خطرات و ارزیابی و مدیریت ریسک در پروژه‌های اجرایی. برقراری ارتباط و تهیه گزارشات مربوطه به ارگان‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط در صورت لزوم.

- 1- HSE (Health, Safety and Environment)
- 2- Project HSE Plan
- 3- Safety Induction Course
- 4- Tool Box Meeting
- 5- HSE Tours
- 6- HSE Personnel Mobilization Plan
- 7- Instruction to Bidder
- 8- Kick -Off Meeting
- 9- Hazard Identification
- 10- Risk Management
- 11- Personal Protective Equipment (PPE)
- 12- Waste Management Plan
- 13- Environmental Impact Assessment Report (EIA)
- 14- Emergency Response Plan (ERP)
- 15- Permit to Work (PTW)

نگاهی به حضور خصولتی‌ها در اقتصاد کشور، بعد از دوران پساتحریم

## شراکت با بخش خصوصی توان صادراتی را تقویت می‌کند

مذاکرات هیئت‌های خارجی به گونه‌ای صورت گیرد که گروهی به نام خصولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها قراردادهای و توافقات را انجام دهند و بخش خصوصی نتواند نقش اصلی خود را در حوزه اقتصاد مقاومتی به خوبی ایفا کند. در صورتی که اگر دست بخش خصوصی در دعوت از هیئت‌های خارجی باز شود، به طوری که نهادهای خصوصی خود اقدام به دعوت از این شرکت‌های بین‌المللی کنند، بدون شک منافع اقتصادی کشور تامین خواهد شد.»  
متن این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

واقعیت آن است که اگر سرمایه‌های جهانی به ایران ببینند، خصوصی‌ها باید میزبان و شریک عمده آن‌ها در فعالیت‌های تازه اقتصادی باشند، چون ناهنجاری‌های اقتصادی در چند سال گذشته به وضوح نشان داده است که بنگاه‌های شبه‌دولتی و دولتی کارنامه‌ای بسیار ضعیف از خود به جا گذاشته‌اند.

این بحث محور گفت‌وگوی ما با امیر عابدی، نایب‌رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران است. او می‌گوید: «نگرانی بخش خصوصی در پساتحریم این خواهد بود که رفت‌وآمد و

کارشناسان می‌گویند در چند سال گذشته بخش خصوصی و شرکت‌های خصوصی سرمایه‌گذاری ایران به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی آسیب‌های زیادی دیده‌اند و اگر قرار باشد در دوران پساتحریم، دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها جای آن‌ها را در شراکت با سرمایه‌های خارجی اشغال کنند، آفتی بر تن اقتصاد ایران می‌افتد که به‌سادگی نمی‌توان از دست آن خلاص شد. برای همین این روزها مدیران دولتی زیاد مورد پرسش قرار می‌گیرند که چه برنامه‌ای برای جلوگیری از شکل گرفتن چنین آفتی دارند.

**آقای عابدی همان‌طور که می‌دانید آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به‌نوعی تایید کرده است و ظاهراً آمریکایی‌ها نیز گفته‌اند که ژانویه تحریم‌های ایران لغو می‌شود. در این شرایط بیشتر از هر وقت دیگری آمدن سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ایران محتمل شده است. آیا ممکن است که سرمایه‌گذاران خارجی با شرکت‌های شبه‌دولتی در پساتحریم شریک شوند و بخش خصوصی از این فرصت اقتصادی دور بماند؟**

اقداماتی که در حوزه اقتصادی برای دوران پساتحریم صورت می‌گیرد مبتنی بر آمد و شد هیئت‌های خارجی و آزادسازی بخشی از منابع ارزی بلوکه‌شده کشور در بازارهای بین‌المللی بسیار مناسب است. معتقدم که قطعاً اتاق‌های بازرگانی، نهادهای خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان فرماندهان اقتصاد مردمی و خصوصی در کنار بخش دولتی و وزارت امور خارجه قرار دارند و باید سیاست‌های پذیرش، همایش و جلسات سرمایه‌گذاران خارجی با آن‌ها هماهنگ‌تر شود، تا به‌عنوان مثال اتاق بازرگانی بتواند با بخش وسیعی از فعالان اقتصادی در این حوزه تعامل داشته باشد.

نگرانی بخش خصوصی در پساتحریم این خواهد بود که رفت‌وآمد و مذاکرات هیئت‌های خارجی به گونه‌ای صورت گیرد که گروهی به نام خصولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها قراردادهای و توافقات را انجام دهند و بخش خصوصی نتواند نقش اصلی خود را در حوزه اقتصاد مقاومتی به‌خوبی ایفا کند. قطعاً می‌دانیم حضور این شرکت‌ها در کنار بخش خصوصی یا در واقع پذیرش برخی از این شرکت‌ها از طریق بخش خصوصی، می‌تواند با شناسایی دقیق اولویت‌ها، منافع اقتصادی دو طرف خارجی و داخلی را به‌خوبی تامین کند.

اعتقاد دارم اگر شراکت‌هایی با بخش خصوصی شکل بگیرد؛ محوریت صادرات و توان صادراتی در بازارهای منطقه تغییر می‌کند، که این تغییر مثبت برای اقتصاد ما بسیار سودآور خواهد بود. بنابراین باید ستادی با اولویت‌های مشخصی که اتاق ایران می‌تواند نمایندگی کند، تشکیل شود.



**آقای عابدی به نظر شما دولت باید چه رفتاری داشته باشد که بخش خصوصی جایگاه اصلی خود را در تعامل با سرمایه‌گذاران خارجی در دوران پساتحریم بیابد؟**

تا به امروز بخش خصوصی همواره نگران این امر بوده است که در اقتصاد دولتی و بروکراسی اداری، تغییرات مدیریتی و ضعف راهبرد در سیاست‌های اقتصادی و تجاری، لطمه جدی بر پیکر اقتصاد و بازرگانی و تجارت کشور کند. لذا اتاق بازرگانی این درخواست را دارد که فضای اقتصادی کشور روشن و برای فعالیت بخش خصوصی آماده‌تر شود تا بتواند منافع ملی را در بر داشته باشد.

به‌طور حتم برخی از این شرکت‌ها بازار منطقه را به‌خوبی می‌شناسند و نزدیکی این بازارها به کشور می‌تواند برای شرکت‌های خارجی هم مزیت تلقی شود. بدون شک اگر نشست مشترک با شرکت‌های خارجی از سوی

اتاق بازرگانی صورت گیرد، متضمن این فرایند خواهد بود. اگر دست بخش خصوصی در این دعوت‌ها باز شود، به‌طوری‌که اتاق بازرگانی خود اقدام به دعوت از شرکت‌های خارجی کند، بدون شک منافع اقتصادی کشور را در بر خواهد داشت.

متأسفانه بخش خصوصی همیشه نگران بروکراسی اداری و ضعف شفافیت در بخش‌های دولتی بوده و این امر هنوز از اذهان بخش خصوصی زدوده نشده است. لذا از دولت که با رویکرد بسیار مناسب در تعامل با بازارهای بین‌المللی است، انتظار داریم که بعد از تصمیمات شجاعانه سیاسی به گونه‌ای رفتار کنند که پیامدهای این تحرک آن‌ها تصمیمات اقتصادی خوبی برای کشور به همراه داشته باشد.

در حال حاضر شرکت‌های خارجی تاکید بر سرمایه‌گذاری در بازارهای انرژی، معدن و خودرو ایران را دارند، بنابراین باید فضا به گونه‌ای باشد که فرصت‌های بسیار خوبی در حوزه اقتصادی در بخش‌های مختلف داشته باشیم. همچنین باید در حوزه‌های صنایع کوچک و متوسط یعنی بخش پوشاک و ساختمان سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های کوچک و متوسط خارجی صورت گیرد، که این امر قابل اتکا نخواهد بود به‌جز این‌که رویکرد دولت و بخش‌های حاکمیتی به این امر، مثبت باشد.

فرصت‌های تجاری و اقتصادی بسیار مناسبی در بازارهای منطقه وجود دارد که این ممکن خواهد شد مشروط به این‌که شرکت‌های خارجی بتوانند سرمایه‌گذاری مشترک با بخش‌های خصوصی داشته باشند. بنابراین باید نقش اتاق ایران و کارتل‌های سرمایه‌گذاری کشور پررنگ‌تر در این امر دیده شود. نقش اتاق بازرگانی ایران در آمد و شد هیئت‌های خارجی باید قدرتمند، فراگیر، مشخص و شفاف باشد تا بتواند از این فرصت به دست آمده برای اقتصاد و بازرگانی کشور به نحو احسن استفاده کند.

**موضوعی که الان بسیار اهمیت دارد؛ حضور ایران در بازارهای بین‌المللی با کالاهایی است که توان رقابت با کالاهای جهانی را داشته باشند، این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ایران باید پس از تحریم‌ها رویکرد متفاوتی در موضوعات مختلف در پیش بگیرد. مثلاً اگر خرید تضمینی کالا و قیمت خرید مواد اولیه کالا را بالا ببریم و اصرار هم داشته باشیم که بالا برود و تناسب و نسبیتهای قیمت‌های جهانی نداشته باشد، عملاً کالاهایی که از این مواد اولیه مثل گندم، چغندر، شیر و... تهیه می‌شود، در بازارهای بین‌المللی غیر رقابتی خواهند بود.

من فکر می‌کنم که این موضوعات و مشکلات باید از سوی دولت رفع شود و واردات برخی محصولات باید به حد اقل کاهش یابد و ماشین‌آلات، قطعات و ابزارهای تولید و همچنین مواد اولیه ارزان‌تر به دست تولیدکننده برسد، تا هم در داخل و هم در بازارهای بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشیم.

فکر می‌کنم در دوران پس از تحریم حتماً باید از موقعیت‌ها و فرصت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و شریک تجاری استفاده کنیم و با شرکت‌های معتبر بین‌المللی برای رفتن به طرف صادرات گام برداریم.

نگرانی بخش خصوصی در پساتحریم این خواهد بود که رفت‌وآمد و مذاکرات هیئت‌های خارجی به گونه‌ای صورت گیرد که گروهی به نام خصولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها قراردادهای و توافقات را انجام دهند و بخش خصوصی نتواند نقش اصلی خود را در حوزه اقتصاد مقاومتی به‌خوبی ایفا کند. قطعاً می‌دانیم حضور این شرکت‌ها در کنار بخش خصوصی یا در واقع پذیرش برخی از این شرکت‌ها از طریق بخش خصوصی می‌تواند با شناسایی دقیق اولویت‌های اقتصادی، واحدها و شرکت‌های تولیدی نیاز به منافع اقتصادی دو طرف یعنی هم طرف خارجی و هم طرف داخلی را به‌خوبی تامین کند.

# چشم انداز اقتصاد جهان تا سال ۲۰۵۰

گزارش مجله اکونومیست

اقتصاد

۲۰۱۵

۲۰۲۵

۲۰۳۵

۲۰۴۵

پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به وضعیت کنونی خواهند داشت.

## چکیده

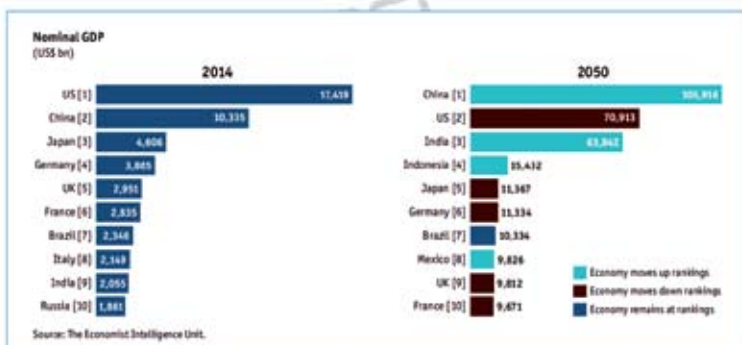
### ۱- ده قدرت برتر اقتصادی دنیا در سال ۲۰۵۰

انتظار می‌رود اقتصاد چین تا سال ۲۰۵۰ بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا باشد. طبق پیش‌بینی واحد اطلاعات مجله اکونومیست (۱)، مقایسه مقدار تولید ناخالص اسمی قدرت‌های برتر اقتصادی در سال ۲۰۱۴ با مقدار پیش‌بینی شده آن در سال ۲۰۵۰ نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی اسمی چین به دلار، در سال ۲۰۲۶ از تولید ناخالص اسمی آمریکا پیشی می‌گیرد. همچنین در سال ۲۰۵۰ اقتصاد هند، با متوسط رشد سالانه ۵ درصد، سومین جایگاه را در لیست ۱۰ اقتصاد برتر دنیا خواهد داشت، اندونزی و مکزیک که جایگاه پانزدهم و شانزدهم را در سال ۲۰۱۴ دارند، به جایگاه چهارم و هشتم خواهند رسید. نماینده‌های اقتصادهای غربی همچنان در بین ۱۰ اقتصاد برتر دنیا حضور خواهند داشت، اما جایگاه کنونی خود را از دست می‌دهند. ایالات متحده آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه همچنان در بین ۱۰ اقتصاد برتر خواهند بود، اما به ترتیب از جایگاه اول، چهارم، پنجم و ششم به جایگاه دوم، ششم، نهم و دهم خواهند رسید. همچنین کشورهای ایتالیا و روسیه در بین ۱۰ اقتصاد برتر دنیا حضور نخواهند داشت.

### ۲- ادامه رشد آسیا

طبق این پیش‌بینی، کشورهای منطقه آسیا همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند.

شکل ۱: بررسی تولید ناخالص داخلی اسمی



از نیمه قرن بیستم رشد اقتصادی کشورهایی چون ژاپن و کره جنوبی سرعت گرفت، از ابتدای هزاره سوم رونق دیگری بین کشورهای آسیایی به وجود آمد و دیگر کشورهای آسیایی نیز شروع به رشد کردند، به طوری که سهم کشورهای

گزارش حاضر، پیش‌بینی واحد اطلاعات مجله اکونومیست از چشم‌انداز اقتصادی جهان تا سال ۲۰۵۰ است. اقتصاد جهان تا سال ۲۰۵۰، شاهد تغییرات عمده‌ای در ترکیب قدرت‌های برتر دنیا خواهد بود. مقایسه تولید ناخالص داخلی اسمی کشورها، نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۵۰، اقتصاد چین بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است و بعد از آن آمریکا، هند و اندونزی قرار دارند. طبق پیش‌بینی‌های بلندمدت اکونومیست، در سال ۲۰۵۰ در بین ۱۰ اقتصاد برتر، کشورهای توسعه‌یافته غربی مانند آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه به جایگاه پایین‌تری نسبت به جایگاه کنونی خود خواهند رسید و کشورهای در حال توسعه‌ای مانند هند، اندونزی، برزیل و مکزیک به مراتب بالاتری صعود می‌کنند. همچنین کشورهای ایتالیا و روسیه در بین ۱۰ اقتصاد برتر حضور نخواهند داشت. این گزارش نشان می‌دهد که کشورهای منطقه آسیا همچنان به رشد افزایش خود ادامه می‌دهند و سهم کشورهای آسیایی از تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۵۰ به ۵۳ درصد می‌رسد. طبق این پیش‌بینی، در سال ۲۰۵۰، ثروت هر کدام از سه اقتصاد برتر دنیا یعنی چین، آمریکا و هند بیشتر از مجموع ثروت ۵ اقتصاد برتر دیگر خواهد بود که این موضوع حاکی از نقش پررنگ‌تر کشورهای چین و هند در مسائل بین‌المللی خواهد بود.

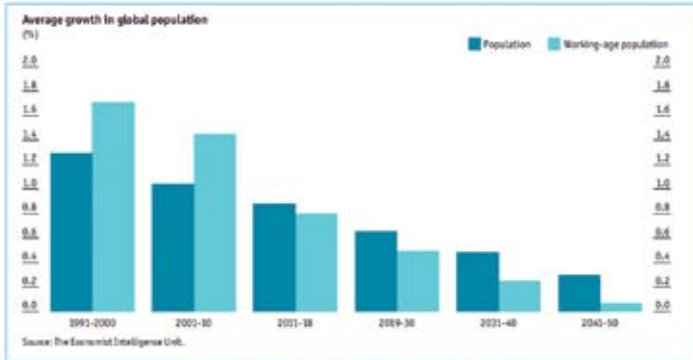
همچنین در این گزارش نشان داده می‌شود که متوسط نرخ رشد جمعیت تا سال ۲۰۵۰ کاهش قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت، به طوری که از نرخ ۱٫۳ درصد سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۴ به ۰٫۵ درصد در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۵۰ می‌رسد که این امر در کاهش متوسط نرخ رشد اقتصادی مناطق مختلف جهان موثر خواهد بود. با این وجود در بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه میزان جمعیت در سال ۲۰۵۰ بیشتر از سال ۲۰۱۴ خواهد بود، که این افزایش جمعیت چنانچه با ایجاد اشتغال همراه شود، می‌تواند منجر به رشد اقتصادی پایدار و بالا در بلندمدت برای این کشورها شود. در مقابل، بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیای شرقی بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۵۰ با کاهش میزان جمعیت و به دنبال آن کاهش میزان نیروی کار مطلوب مواجه خواهند شد که یکی از تبعات آن کاهش جمعیت نیروی کار و احتمال تغییر رویکرد این کشورها در قوانین مهاجرتی خواهد بود.

در نهایت نشان داده می‌شود که درآمد سرانه اقتصادهای پیشرفته کنونی در سال ۲۰۵۰ همچنان بیشتر از اقتصادهای نوظهور خواهد بود، در واقع با وجود این که کشورهایی چون چین و هند جایگاه اول و سوم را بین ۱۰ اقتصاد برتر دارند، اما از نظر درآمد سرانه به چین رتبه‌ای دست نخواهند یافت، گرچه



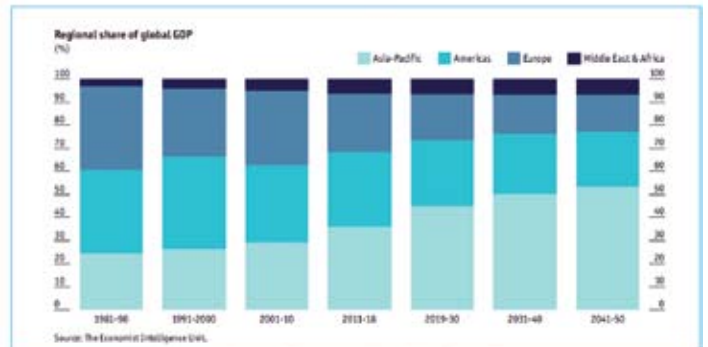
نیروی کار و موجودی سرمایه به همراه بهره‌وری کل؛ عوامل لازم برای به وجود آوردن رشد اقتصادی پایدار هستند. عامل نیروی کار از محرک‌های اصلی نرخ رشد اقتصادی دنیا طی دهه‌های اخیر بوده است، اما تخمین بلندمدت نرخ جمعیت نشان می‌دهد که کاهش شدیدی در متوسط نرخ رشد جمعیت جهان به وجود خواهد آمد. متوسط نرخ رشد جمعیت جهان که در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۴، ۱,۳ درصد بوده است، در دوره ۲۰۱۵-۲۰۵۰ به ۰,۵ درصد می‌رسد. که به تبع آن نرخ رشد جمعیت در سن کار نیز کاهش می‌یابد و از ۱,۷ درصد در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۴ به ۰,۳ درصد در دوره ۲۰۱۵-۲۰۵۰ می‌رسد.

شکل (۱۵) متوسط نرخ رشد جمعیت جهان



آسیایی از تولید ناخالص جهانی (۲)، از ۲۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۲ درصد در سال ۲۰۱۴ رسید. طبق این پیش‌بینی بلندمدت، آسیا همچنان به رشد افزایشی خود ادامه می‌دهد و در سال ۲۰۵۰، ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل خواهد داد.

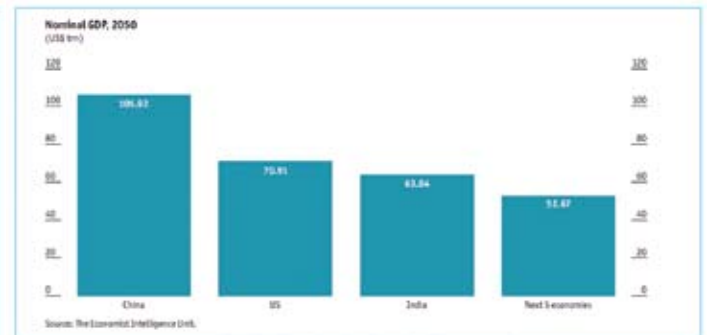
شکل (۱۶) سهم تولید ناخالص مناطق مختلف دنیا از تولید ناخالص جهانی



### ۳- سلطه جهانی سه قدرت برتر اقتصادی

تا سال ۲۰۳۰، سه اقتصاد برتر دنیا، آمریکا و چین و هند خواهند بود و در سال ۲۰۵۰، ثروت هر کدام از این سه کشور به‌تنهایی بیشتر از مجموع ثروت ۵ اقتصاد برتر دیگر خواهد بود (یعنی مجموع ثروت کشورهای اندونزی، آلمان، ژاپن، برزیل و انگلیس). این موضوع الگوی جدیدی از توزیع ثروت در دنیا را نشان می‌دهد. بنابراین کشورهای چین و هند نقش پررنگ‌تری را در مسائل بین‌الملل مثل تغییرات آب‌وهوایی، امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی خواهند داشت. گرچه باید دید که در میان مدت قدرت‌های حال حاضر دنیا به‌خصوص آمریکا این فرصت را به چین و هند می‌دهند که نقش بیشتری را در تعاملات بین‌المللی داشته باشند یا خیر.

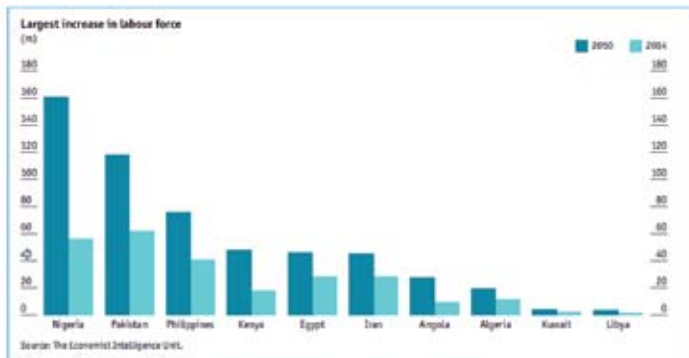
شکل (۱۷) مقایسه تولید ناخالص داخلی اسمی قدرت‌های اقتصادی در سال ۲۰۵۰



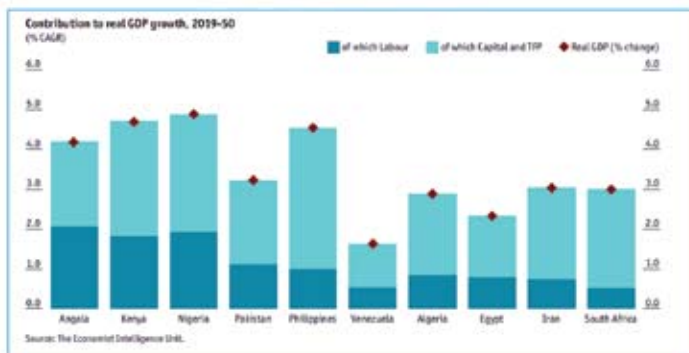
### ۵- رشد جمعیت همچنان سودآور خواهد بود

با وجود آن‌چه در بخش قبل در مورد کاهش نرخ جمعیت در سن کار در جهان گفته شد، در بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه، افزایش جمعیت در سن کار همچنان تضمین‌کننده نرخ رشد بالای اقتصادی در بلندمدت است. نرخ رشد جمعیت در سن کار در کشورهای کنیا، آنگولا و نیجریه، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰، سه برابر خواهد شد، همچنان که در کشورهای مصر، الجزایر و ایران دو برابر خواهد شد.

شکل (۱۸) مقایسه اندازهی جمعیت نیروی کار بین کشورهای دارای بیشترین میزان جمعیت نیروی کار



شکل (۱۹) سهم محرک‌های رشد اقتصادی از میزان رشد

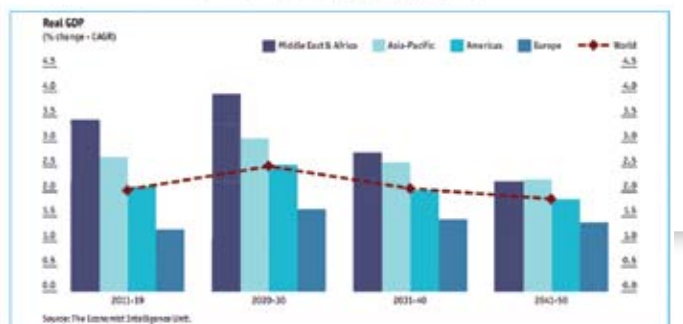


در اغلب این کشورها، داشتن میزان جمعیت بالا عامل مهمی در پیش‌بینی نرخ رشد بالا در بلندمدت است. در واقع داشتن این میزان جمعیت از مزیت‌های

### ۴- دوره جدیدی از کاهش جمعیت در جهان

طبق این پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۵۰ چندان پایین‌تر از مقدار متوسط خود در تمام دوره‌ها نیست، اما همان‌طور که شکل (۴) نشان می‌دهد، نرخ رشد اقتصادی در مناطق مختلف جهان از سال ۲۰۳۰ شروع به کاهش می‌کند. یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش نرخ رشد، کاهش نرخ رشد جمعیت است.

شکل (۲۰) بررسی مقایسهی نرخ رشد اقتصادی در مناطق مختلف دنیا



از کشورها که رشد اقتصادی را با سرمایه اولیه کمی آغاز کردند، سرمایه‌گذار بیشتر و «سرمایه‌بر»تر شدن اقتصاد می‌تواند عامل محرک جدیدی برای رشد اقتصادی باشد. در واقع این کشورها هنوز می‌توانند با انتقال اقتصاد از تولید با تکنولوژی و سرمایه کمتر به سمت تولید با تکنولوژی و سرمایه بیشتر، داشتن رشد اقتصادی بالا را تضمین کنند.

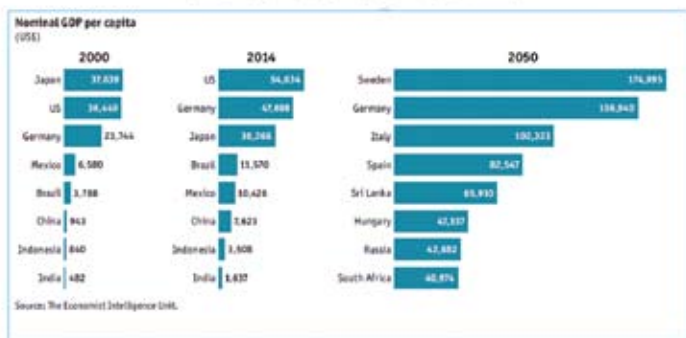
اما برای اغلب کشورهای توسعه‌یافته که در حال حاضر رشد اقتصادی و بسته به سرمایه و بهره‌وری کل عوامل دارند، جایگزین برای عامل نیروی کار سخت‌تر است، زیرا اقتصاد این کشورها از نظر میزان سرمایه در حد بسیار بالایی است. بنابراین باید با تمرکز بیشتر روی افزایش بهره‌وری - به‌طور مثال سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش تحقیق و توسعه (R&D) - رشد اقتصادی بالا و پایدار را تضمین کنند.

## ۷- در مجموع ثروتمند، به‌طور فردی نه‌چندان ثروتمند

همچنان که انتظار می‌رود، اقتصادهای نوظهور با آهنگ بیشتری از اقتصادهای پیشرفته رشد خواهند کرد، بنابراین با در نظر گرفتن سرعت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، پیش‌بینی می‌شود که چین و هند جایگاه قدرت‌های اقتصادی حال حاضر دنیا یعنی آمریکا و ژاپن را تصاحب کنند. همچنین اقتصادهای نوظهور مانند اندونزی و مکزیک بین ۱۰ قدرت برتر اقتصادی جهان قرار خواهند گرفت، در حالی که روسیه و ایتالیا جایگاه خود را بین ۱۰ اقتصاد برتر از دست خواهند داد.

با این وجود درآمد سرانه اقتصادهای پیشرفته کنونی در سال ۲۰۵۰ همچنان بیشتر از اقتصادهای نوظهور خواهد بود. چون در کشورهای نوظهور و در حال توسعه سرعت افزایش رشد جمعیت نیز مانند سرعت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی بالا خواهد بود، بنابراین با وجود این‌که کشورهای چین و هند جایگاه اول و سوم را در رشد تولید ناخالص داخلی دارند، اما از نظر درآمد سرانه به چین رتبه‌ای دست نخواهند یافت، گرچه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای خواهند داشت. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ درآمد سرانه در چین بیشتر از ژاپن باشد. درآمد سرانه در هند که در سال ۲۰۱۴، ۳ درصد درآمد سرانه یک مصرف‌کننده آمریکایی بود، به ۲۴ درصد درآمد سرانه آمریکا خواهد رسید. همچنین مقایسه بین درآمد سرانه در چین و آمریکا نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۴ درآمد سرانه یک فرد چینی ۱۴ درصد درآمد سرانه یک آمریکایی است؛ در سال ۲۰۵۰ این عدد به ۵۰ درصد می‌رسد.

شکل (۱۰): مقایسه درآمد سرانه فردی قدرتهای برتر اقتصادی در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۵۰



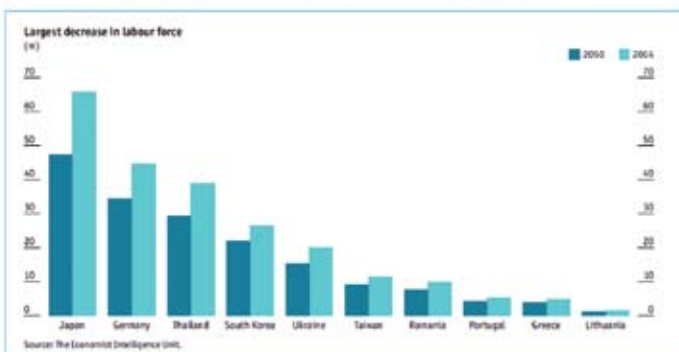
اقتصادی این کشورها است که موجب رشد پایدار یا نرخ بالا می‌شود. اصلی‌ترین دلیل داشتن جمعیت بالا، افزایش نرخ زاد و ولد در این کشورها است که عرضه نیروی کار را تضمین می‌کند. همچنین این کشورها توانایی این را دارند که با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار از طریق افزایش مشارکت بیشتر زنان در بازار کار و بالابردن سن بازنشستگی، عرضه نیروی کار را افزایش داده و رشد اقتصادی را تضمین کنند.

گرچه باید خاطرنشان کرد که در این پیش‌بینی فرض می‌شود کشورهای مذکور در ایجاد شغل برای جمعیت در سن کار موفق هستند و این موضوع سبب رشد پایدار در بلندمدت می‌شود. اما اگر این کشورها در ایجاد شغل برای نیروی کار موفق نباشند، مزیت داشتن جمعیت بالا تبدیل به تهدیدی برای اقتصاد از طریق بروز ناآرامی در فضای سیاسی خواهد شد.

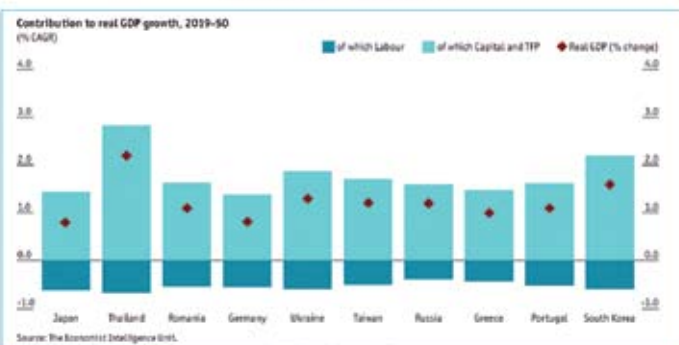
## ۶- تغییر عامل نیروی محرک رشد در بسیاری از کشورها

طبق این پیش‌بینی، بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیای شرقی بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۵۰ با کاهش جمعیت نیروی کار مواجه خواهند شد، که معضلی برای رشد اقتصادی این کشورها خواهد بود. ژاپن بیشترین کاهش را بین کشورها خواهد داشت، جمعیت نیروی کار این کشور از ۶۶ میلیون نفر به ۴۷ میلیون نفر خواهد رسید که در واقع بیش از یک چهارم جمعیت نیروی کار کنونی خود را از دست خواهد داد. انتظار می‌رود که چین و کره جنوبی نیز حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد کاهش در جمعیت نیروی کار داشته باشند. در بین کشورهای اروپایی، یونان، پرتغال و آلمان، کاهش جمعیت نیروی کار، بیش از یک پنجم جمعیت نیروی کار کنونی خواهد بود. همچنین کاهش جمعیت نیروی کار در اقتصادهای نوظهور اروپا مانند ترکیه و قزاقستان، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد خواهد بود.

شکل (۸): مقایسه اندازه جمعیت نیروی کار بین کشورهای دارای کمترین میزان جمعیت نیروی کار



شکل (۹): سهم محرک‌های رشد اقتصادی از میزان رشد



سیاست‌هایی که برای افزایش نرخ مشارکت در این کشورها اتخاذ می‌شود، می‌تواند تا حدودی اثر منفی کاهش جمعیت را کم کند، اما این سیاست‌ها کافی نیست. به منظور جذب نیروی کار بیشتر در این کشورها؛ سیاست‌هایی مهاجرتی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. در واقع این کشورها در آینده برای جذب نیروی کار نیاز به تسهیل قوانین و مقررات مهاجرتی خواهند داشت.

با توجه به کاهش نرخ جمعیت در سن کار، این کشورها باید جایگزینی برای عامل نیروی کار قرار دهند. بنابراین توانایی کشورها برای جایگزینی عامل نیروی کار به‌عنوان یکی از محرک‌های رشد اقتصادی قابل اهمیت است. برای برخی

\* منبع

long-term macroeconomic forecasts - Key trends (۲۰۱۵)  
A special report from the Economist Intelligence ۲۰۵۰ to Unit.

پاورقی‌ها:

۱. The Economist Intelligence Unit
۲. Global GDP

# میرزا تقی خان بنیان‌گذار دارالفنون



«محلۀ میرزا تقی‌خان» معروف است و خانۀ پدری‌اش نزدیک تپۀ «یالقازی» شناخته شده است. کربلایی قربان آشپز قائم‌مقام فراهانی بود و پسرش میرزا تقی هم در همین دستگاه و در کنار بزرگان همان دوران بالید. از قائم مقام معرفت، کتابت، انشا و کیاست آموخت و خدمت به عباس میرزا او را وارد افق‌های اصلاح‌طلبی و ترقی‌خواهی کرد. قائم مقام تقدفد ویژه‌ای به او داشت، تا جایی که او را پس از قتل گریبایدوف در ایران، همراه هیئتی سیاسی به روسیه فرستاد تا از جانب دستگاه دولتی ایران برای عذرخواهی به‌عنوان منشی همراه خسرومیرزا به نزد تزار روسیه برود و در نامه‌های درمورد هوش و نبوغش نوشت: «خلاصه این پسر خیلی ترقیات دارد و قوانین بزرگ به روزگار می‌گذارد.» در همین سفر بود که فکر یافتن راه ترقی ایران؛ راهی‌اش کرد به مراکز فرهنگی و اجتماعی روسیه. و شاید هم جرقه‌های اولیه «دارالفنون» در همین سفر در ذهنش زده شد. مدرسه‌ای که در دوران صدارت ۳۹ ماهه‌اش بنیان نهاد و بعضی آن را اولین دانشگاه در تاریخ مدرن ایران می‌دانند و برخی روایت می‌کنند که تا مدت‌ها تمام دانشگاه‌های خارجی را به نام دارالفنون می‌شناختند. مدرسه‌ای که افتتاحش همزمان شد با تبعید او به کاشان و بعد هم قتلش در صبح روز بیستم دی. و او هرگز شاهد تولد فرزند خلفی که سال‌ها نامش را زنده نگه داشت نبود. شاهد افتتاح مدرسه‌ای که بزرگان این دیار در آن پرورش یافتند و افتخار آفریدند و برای تعالی دانش و علم کشور تلاش کردند و همان نتیجه‌ای از ساختمان واقع در ناصرخسرو به دست آمد که میرزا تقی‌خان در ذهن داشت.

دارالفنون یک‌شنبه ششم دی‌ماه ۱۲۳۰، دو هفته قبل از قتل بنیانگذار آن، با حضور ناصرالدین‌شاه، آقاخان نوری، جانشین امیرکبیر و گروهی از دانشمندان و معلمین ایرانی و اروپایی و ۳۰ نفر از شاگردان آن، رسماً افتتاح شد. اسناد تاریخی می‌گویند امیرکبیر نام دارالفنون را برای این مدرسه انتخاب نکرده بود، بلکه با نام‌هایی مثل؛ مدرسه، مدرسه جدید، مکتب‌خانۀ پادشاهی، تعلیم‌خانه، معلم‌خانه و مدرسه نظامیه از آن یاد می‌کردند. واژه دارالفنون ترجمۀ Polytechnic انگلیسی است، که عثمانی‌ها آن را به عربی ترجمه کردند و با همین لفظ وارد زبان فارسی شد. اعضا دارالسلطنه عموی ناصرالدین‌شاه، مشهورترین رئیس دارالفنون و رضاقلی‌خان

«مرگ حق است ولی به دست شما بسی مشکل، اما شوق از میان شما رفتن مرگ را آسان می‌کند» این را میرزا تقی‌خان می‌گوید به همان مردی که با تیغی در دست، با قدم‌های آگاهانه، مرعوب قدرت مهد علیا شده و آمده تا خون امیری را در «فین» جاری کند، که نه تنها نامش که منش و روحش هم آنقدر بزرگ بود که یک سر و گردن از مردان سیاست بالاتر باشد. میرزا تقی‌خان همان کسی بود که وقتی خبر مرگ دو کودک را بر اثر نکوبیدن آبله که در نتیجه تبلیغ دغانویسان و رمالان اتفاق افتاده بود به او دادند، به‌سختی گریست و خود را سرزنش کرد، دلیل را که پرسیدند گفت: «تا زمانی که ما سرپرستی این ملت را برعهده داریم، مسئول مرگشان ما هستیم.» گفتند: «ولی اینان خود در اثر جهل آبله نکوبیده‌اند.» امیر با صدای رسا گفت: «مسئول‌جهلشان نیز ما هستیم. اگر ما در هر روستا و کوچه و خیابانی مدرسه بسازیم و کتابخانه ایجاد کنیم، دغانویس‌ها بساطشان را جمع می‌کنند. تمام ایرانی‌ها اولاد حقیقی من هستند و من از این می‌گیرم که چرا این مردم باید این‌قدر جاهل باشند که در اثر نکوبیدن آبله بمیرند.» همین است که هنوز هم که نامی از شرافت و خدمت در تاریخ آورده می‌شود، نام «امیرکبیر» اولین نامی است که چراغش در ذهن روشن می‌شود. مردی که وقتی سفیر انگلیس در جریان بازدیدش از قراول‌خانه‌ها به همراه او وقتی می‌بیند که بر فراز هر ساختمان پرچم ایران افراشته شده، از او می‌پرسد: «مگر این‌جا تهران و مرکز ایران نیست؟ برای نشان دولت یک بیرق کافی است. این همه بیرق از چیست؟» امیر در جواب سفیر می‌گوید: «آنقدر بیرق از ایران بلند کنم که بیرق شما در آن میان گم شود.»

بیستم دی‌ماه ۱۲۳۰ بود که حمام فین شاهد تلخ‌ترین معامله بشر با خدمت‌گذارترین مسئولی بود که یک سیستم سیاسی به خود دیده بود. مردی که دربار فاسد قاجارها را سامان داده بود و درد خلق را می‌شناخت. بیستم دی‌ماه، سالروز یادآوری داستان‌هایی است که باید صدباره و هزارباره تکرار شوند تا یادمان باشد که نام‌آور بودن و نامور ماندن در تاریخ به‌آسانی حاصل نمی‌شود. برای آن‌که نامی باشیم که بر تارک تاریخ می‌درخشد، باید چون او بیندیشیم و بایستیم و حق را معامله نکنیم.

در هزاره فراهان متولد شد، جایی حوالی اراک، هنوز هم در آن‌جا محله‌ای به نام



«وقایع اتفاقیه» را منتشر کرد و برای تمام کسانی که در دستگاه‌های دولتی مشغول کار بودند و بیش از ۲۰۰ تومان حقوق می‌گرفتند، اشتراک این روزنامه را اجباری کرد. یک سال بعد از چاپ اولین شماره این مطبوعه قاجاری، خبر قتل امیرکبیر، آن‌طور که درباریان صلاح دانسته بودند در این روزنامه منتشر شد. به این شکل که سه روز بعد از قتل نوشتند: «میرزاتقی‌خان احوال خوشی ندارد و صورت و پاهایش ورم کرده است.» و دو روز بعد در خبری آمد: «میرزاتقی‌خان که سابقا امیر نظام و

شخص اول این دولت بود، شب سه‌شنبه در کاشان وفات یافت.»  
 آبان ۱۲۳۰ بود که شاه تحت فشار اطرافیان و از همه بیشتر مادرش مهدعلیا که همواره با حضور میرزاتقی‌خان در دربار مخالف بود، با ارسال نامه‌ای با این مضمون امیر را از صدارت عزل کرد: «چون صدارت عظمی و وزارت کبری زحمت زیاد دارد و تحمل این مشقت برای شما دشوار است، شما را از آن کار معاف کردیم، باید به کمال اطمینان مشغول امارت نظام باشید.» شاه پس از عزل امیر گویی پشیمان شده باشد، چهار روز پس از عزل امیر نامه‌ای دیگر نوشت و در آن عنوان کرد که می‌خواهد مدتی به تنهایی امور مملکت را به دست بگیرد و متن نامه را با این جمله آغاز کرد: «جناب امیر نظام به خدا قسم آنچه می‌نویسم عین واقعیت است، شما را قلبا دوست دارم و خداوند مرا مرگ دهد اگر بخواهم تا زنده‌ام دست از شما بدارم.»

امیر که از صدارت عزل شد، مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری که جانشین او شده بود، که با حضور امیر در تهران احساس آزادی عمل نداشتند، شاه را تحریک کردند تا به حکمرانی میرزا تقیخان در کاشان رضایت دهد. وقتی امیر حاکم کاشان شد، وزیرمختار روسیه که با روی کار آمدن میرزا آقاخان منافع کشورش در ایران را در خطر می‌دید، به سراغ امیر رفت و از او خواست تا حمایت روسیه را بپذیرد، امیر این پیشنهاد را رد کرد، بلافاصله سربازان روس خانه‌اش را محاصره کردند تا او را تحت فشار بگذارند. شاه که از این پیشنهاد روسیه ترسیده بود، یک روز پس از این ملاقات میرزا تقی‌خان را از منصب امیر نظامی و حکومت کاشان عزل کرد و مدتی بعد به کلی سمت امیر نظامی را از سمت‌های حکومتی حذف کرد. پس از این اتفاقات؛ حکمرانی فارس و اصفهان و قم به امیر پیشنهاد شد و او نپذیرفت.

۳۰ آبان بود که امیر به فین تبعید شد و یک ماه بعد، بالاخره مخالفان درباری امیر و پرنفوذترین آن‌ها مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه، توانستند حکم قتل او را از شاه بگیرند، حکمی که در آن امر شده بود تا امیر را «راحت نمایند» حکمی که روز بیستم دی‌ماه در حمام فین کاشان به اجرا درآمد، شاه نوشته بود: «چاکر آستان

ملائک پاسبان، فدوی خاص دولت ابدمدت، حاج‌علی‌خان پیش خدمت خاصه، فراش باشی دربار سپهر اقتدار، مامور است که به فین کاشان رفته، میرزاتقی‌خان فراهانی را راحت نماید. و در انجام این ماموریت بین الاقران مفتخر و به مراحم خسروانی مستظهر بوده باشد.» تاریخ می‌گوید: «روز بعد از قتل؛ جسدش را در گورستان «پشت مشهد» کاشان به خاک سپردند. چند ماه بعد، به اصرار همسرش عزت‌الدوله کالبدش را به کربلا منتقل کردند و در اتاقی که درب آن به سوی صحن امام حسین باز می‌شد به خاک سپردند.»

میرزا تقی‌خان تنها صدر اعظم قاجارها نبود، او نماینده عموم مردم بود در درباری که عیاشی از در و دیوارش می‌بارید. درباری که مملکت‌فروشی‌اش تا تاریخ هست به یاد ایرانیان خواهد ماند. اما او یک استثنا بود، همین استثنا بودن هم راهش را کشاند به مقتلی که درباریان برایش تدارک دید و شاه هم در سکوت، مرگ شرافت را به دست درباریان به تماشا نشست.



هدایت مشهورترین ناظم دارالفنون بودند، دوران درخشان دارالفنون هم در زمان مدیریت آن‌ها بوده است. فارغ‌التحصیلان دارالفنون همواره از تاثیرگذارترین افراد در فضای سیاسی و اجتماعی ایران بودند. مشهورترین فارغ‌التحصیل از نسل اول دارالفنون، محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله معروف به اعتمادالسلطنه بود. عباس اقبال آشتیانی، محمدغفاری کاشانی (کمال‌الملک)، جهانگیرمیرزا شیرازی (روزنامه‌نگار مشروطه‌خواه و مدیر روزنامه صور اسرافیل)، محمدعلی فروغی، محمد

معین، صادق هدایت، فریدون آدمیت، مجتبی مینوی، محمدقرب، منوچهر اقبال، مصطفی چمران، حاجی‌علی رزم‌آرا از جمله فارغ‌التحصیلان نامدار این مدرسه بودند، که میرزا تقی‌خان در دوران ناصری با تکیه بر شواهدش از کشورهای اروپایی تأسیس کرد.

ناصرالدین‌شاه که بر تخت سلطنت تکیه زد، میرزا تقی را برای صدارت برگزید و نام «امیرکبیر» را برایش انتخاب کرد و مرقومه‌ای هم با این متن در تاریخ ثبت کرد: «ما تمام امور ایران را به دست شما سپردیم و شما را مسئول هر خوب و بدی که اتفاق می‌افتد می‌دانیم. همین امروز شما را شخص اول ایران کردیم و به عدالت و حسن رفتار شما با مردم کمال اعتماد و وثوق داریم. به‌جز شما به هیچ‌کس دیگر چنین اعتقادی نداریم و به همین جهت این دست‌خط را نوشتیم.»

از همان ماه‌های ابتدای صدارتش سخت‌گیری‌هایش به مذاق درباریان خوش نیامد، حقوق و اختیارات درباریان با شروع صدارت او محدود شده بود، شازده‌های قاجاری مجالی برای جولان دادن در ملک پدری‌شان با سرمایه کشور نمی‌دیدند، مامورین دولتی و لشکریان که هنگام عبور از مناطق مختلف آذوقه مورد نیاز خود را از مردم به‌زور می‌گرفتند و اموال مردم را مصادره می‌کردند، نام این زورگیری دولتی را «سور سات» گذاشته بودند، وقتی دیدند امیر دستور داده است هیچ‌گونه وجه نقدی و غیرنقدی در قالب هدیه و مزدگانی و انعام و سوسرات از طرف مردم به ماموران حکومت پرداخت نشود، به جمع مخالفان او پیوستند. همین شد که چند ماه پس از گماردنش به صدارت عظمی دربار، درباریان مخالف با سیاست‌های میرزا تقی‌خان شورش‌ری را هدایت کردند، که طی آن ۲۵۰۰ سرباز آذربایجانی پاسدار ارگ در تهران، با تجمع مقابل خانه‌اش از شاه خواستند تا امیر را از صدارت عزل کند. در همین ماجرا بود که مردم تهران با تعطیل کردن حجره‌ها و مغازه‌هایشان در بازار از امیر حمایت کردند.

این‌که می‌گویند او صدر اعظم باتدبیر عصر ناصری بود، تنها با تکیه بر خدماتی که عموم می‌دانند و تاریخ آن را پررنگ کرده است، محدود نبود. صدر اعظم دربار ناصری برای افزایش کیفیت ارتباطات خارجی هیئتی از مترجمین ایجاد کرد که میرزا ملکم‌خان یکی از معروف‌ترین این افراد است، در انگلیس و روسیه هم سفارت‌خانه دائمی و در بمبئی، عثمانی و قفقاز کنسولگری ایجاد کرد و از سفرای خارجی خواست تا ارتباطاتشان با دربار را از طریق وزیر امور خارجه انجام دهند و همین موضوع ارتباط مستقیم شاه با خارجی‌ها را محدود می‌کرد و چه بسا امیر با این ترفند در پی کمتر کردن هزینه‌هایی بود که بی‌کفایتی شاه ایران و سیاست بودن روس و انگلیس در رفت و آمدهای فرستادگان‌شان به ایران تحمیل می‌کرد. و با کمتر شدن این روابط، می‌شد تا حدودی این هزینه‌ها را کم کرد و از چپاول کشور جلوگیری کرد.

اما این تنها خدمت بلندمدتی نبود که امیرکبیر با درایت در دربار ایران انجام داد، او برای آگاهی مردم از اتفاقاتی که در راس حکومت می‌افتاد و همچنین باز کردن افق دید عموم مردم و اطلاعاتشان از وضعیت کشور، روزنامه

بهترین گل زنان تاریخ لیگ قهرمانان اروپا

# جدال تمام نشدنی مسی و رونالدو

۴۰ آتیکه

فرید دانش فر

چند روز پیش بازیکنی که برای چند سال رکورددار بهترین گلزنی در لیگ قهرمانان بود، کفش هایش را از تیرهای دروازه آویزان کرد و چهار گوشه مستطیل سبز را بوسید و رفت. یکی از شماره هفت‌های فراموش نشدنی تاریخ باشگاه رئال مادرید؛ رائول گونزالس. مهاجمی که در سن ۳۸ سالگی و در یکی از آخرین بازی‌هایش، با گلزنی‌اش تیم کاسموس را به فینال NASL رساند. یک مهاجم نوک کلاسیک. به همین بهانه نگاهی انداختیم به بهترین گل زنان تاریخ لیگ قهرمانان اروپا. جایی که باز هم دو نابغه پرتغالی و آرژانتینی برای شکستن رکورد دیگری از چیزی کم نمی‌گذارند. نگاهی می‌اندازیم به این فهرست و این بار از نفر آخر شروع می‌کنیم.

## رائول

برای تعریف کردنش باید بگوییم یک چیپزن فوق‌العاده. توپ را طوری از بالای سر دروازه‌بان به تور می‌چسباند که همه انگشت به دهان می‌مانند. خیلی باید خوب باشی که شش سال مهاجم رئال مادرید باقی بمانی و موقع رفتنت از باشگاه، هواداران اشک بریزند. او با گلزنی‌اش در ۱۷ سالگی، جوان‌ترین بازیکنی شد که در داری شهر مادرید گلزنی کرده؛ رکوردی که گذشتن از آن اصلا به این سادگی‌ها نیست. بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که او می‌توانست در تیم ملی به مراحل بالاتری برسد و قهرمانی با تیم ملی را تجربه کند، اما به هر دلیل این اتفاق نیفتاد. رائول ۷۱ گل در لیگ قهرمانان زد.



## نیستلروی

برزیلی نیست، اما به اندازه برزیلی‌ها اسم دارد؛ روتگروس جوآنس مارتینس فن نیستلروی! گلزنی‌هایش در آیندهون هلند باعث شد تا منچستری‌ها او را جذب کنند. بازی‌های خوب و گلزنی‌اش را در منچستر ادامه داد و آن قدر گل زد تا تیم کهکشانی به فکر جذب کردنش بیفتد. نیستلروی رکورد جالبی در ال کلاسیکو دارد؛ رئال در حضور او هیچ‌گاه مقابل بارسلونا شکست نخورد. او ۵۶ گل در لیگ قهرمانان زد.



## تیری آنری

او را با حرکت‌های انفجاری و ویران کننده از کناره‌های زمین و با شماره ۱۴ پیراهن قرمز رنگ می‌شناسیم. تیری آنری در آرسنال به موفقیت و محبوبیت رسید و توپچی‌های شهر لندن او را هیچ‌گاه از یاد نخواهند برد. البته ایرلندی‌ها هم او را یادشان نمی‌رود! آنری ۵۰ گل در لیگ قهرمانان زده است.



## رونالدو

ماشین گلزنی. در ضربات ایستگاه، ضربات سر، شوت از راه دور، سرعت و تکنیک و هر چیزی که فکرش را کنید، مهارت خارق‌العاده‌ای دارد. در ۲۰۳ حضورش در رئال مادرید توانسته است ۲۳۰ گل وارد دروازه حریفان کند. کمتر مدافعی را پیدا می‌کنید که بتواند جلوی او مقاومت کند. از جمله رکوردهای جالب او ثبت ۲۸ هت‌تریک در لالیگا است. رونالدو اولین گل جام جهانی‌اش را در بازی با تیم ملی ایران از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند. او در حال حاضر با ۸۲ گل در صدر بهترین گل زنان تاریخ لیگ قهرمانان اروپا قرار دارد. تنها کسی که ممکن است رکوردش را جابه‌جا کند، لیونل مسی است.



## لیونل مسی

نیاز به تعریف ندارد. سوپرستار، نابغه، اعجوبه. کلمه‌ها برای تعریف او کم می‌آورند. در بارسلونا همه جام‌ها را فتح کرد و هر چه جایزه در دنیای فوتبال بود، به دست آورد. در جام جهانی ۲۰۱۴ وقتی به فینال رسید، تنها یک قدم تا تکمیل جوایزش فاصله داشت. با آرژانتین نایب قهرمان جام جهانی ۲۰۱۴ و هم‌چنین نایب قهرمان کوبا آمریکا (جام ملت‌های آمریکای جنوبی) شد تا قهرمانی با تیم ملی در یک تورنمنت معتبر و مهم از همیشه برایش سخت‌تر شود. رکوردهای زیادی در بارسلونا از خود به جا گذاشته که بعید است به این زودی‌ها کسی آن‌ها را جابه‌جا کند. مسی موفق شده تا امروز ۷۷ گل در لیگ قهرمانان به ثمر برساند.



با کامپیوترهای قدیمی چه کار کنیم؟



هنوز دوره رایانه‌های خانگی به پایان نرسیده. اما دیگر مثل چند سال گذشته یکه‌تاز نیستند. لپ‌تاپ‌ها و بعد از آن تلفن‌های هوشمند چنان هجوم آوردند که رایانه‌های میزی، خانگی یا شخصی کاربرشان محدود شد. هر چند که نمونه‌های جدید این نوع از رایانه‌ها هم جمع‌وجورتر شدند. اما شاید در خانه‌های بسیاری از شما هنوز رایانه‌های قدیمی باشد که حسابی هم جاگیرند. یک نمایش‌گر (Monitor) بزرگ و کشیده که مثل کشتی بود و یک «کیس» بزرگ. از همه هم آزاردهنده‌تر کلی سیم بود که روی میز و پشت میز ولو بودند و مدام توی دست و پا می‌رفتند. حالا نمایش‌گرها تخت (Flat) و کیس‌ها کوچک‌تر شده‌اند. حالا که کار ما با این رایانه‌های جاگیر تمام شده، گویا که یک مزاحم در اتاق‌های ماست و بدمان نمی‌آید یک جور از شر این رایانه خلاص شویم. شاید بارها توی ذهن‌مان آمده که با آن چه کار باید کرد؟ شاید مثلا فکر کرده‌اید که یک روز بردارید و ببرید بگذارید کنار سطل زباله محل، یا مثل کاغذ که پاره می‌کردید و می‌ریختید دور، اول حسابی خرد و خاکشیرش کنید و بعد با خاک‌انداز جمعش کنید و بریزید دور! طبعاً این‌ها راه خوبی برای رها شدن از دست این رایانه‌ها نیست. اما راستش را بخواهید، قرار نیست این جابه‌جایی‌های درست‌رهای از دست رایانه یا به قول قدیم‌ترهای

خودمان کامپیوتر را آموزش بدهم. خیلی هم برای این مورد فکری نشده که مردم باید زباله‌های الکترونیکشان را کجا ببرند؟ اگر هم بخواهید یک حداقل پولی از آن به کف بیاورید، نمایش‌گر را نهایت ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان از شما بخرند. پیشنهاد من یک پیشنهاد فرهنگی است. چیزی مثل حفظ بناهای تاریخی. حتماً دیگر خودتان متوجه شده‌اید که چه پیشنهادی دارم. پیشنهادم حفظ این وسیله خاطره‌انگیز است. لطفاً برای سال‌های بعد کمی خاطره ذخیره کنید و نگه دارید. همین حالا حتماً کلی ابزار و وسیله از پدرها و مادرهای تان می‌بینید که از دوره‌های مختلف زندگی‌شان به جا مانده و با دیدن هر کدام‌شان آهی، لبخندی، نگاهی از آن‌ها می‌گیرد. حس خوشایندی که یک دوره تاریخی را برای‌شان زنده می‌کند و آن‌ها در آن حال‌وهوا نفسی تازه می‌کنند. یک اتوی قدیمی، چراغ سه‌شعله، چراغ خواب، تلفن‌های مشکی آلمانی، چرخ خیاطی و تعدادی هم قابلمه مسی. این‌ها شیوه زیست و زندگی را نشان می‌دهد. شاید بد نباشد شما هم در آینده روزهای رفته را به یاد بیاورید و حتی گاهی شاخ در بیاورید که «ووه او!» من با این کامپیوتر کار می‌کردم؟! چه جوری؟ مگه می‌شه؟ مگه داریم؟!»

## موبایل، آلوده‌ترین همراه جهان است

به نظر تان کثیف‌ترین شیئی که در طول روز با آن سروکار دارید، کدام است؟

اشیای دیگر. اما حالا یک شیء دیگر به زندگی ما وارد شده که آلودگی‌اش نه فقط کمتر از این‌ها نیست، بلکه به مراتب آلوده‌تر است و حتی بعضی از پزشکان از آن با عنوان آلوده‌ترین شیء در زندگی انسان یاد می‌کنند. شیئی که مدام با آن سروکار داریم. و آن شیئی نیست جز «تلفن همراه». این همراه هر کجایی! محققان فرانسوی می‌گویند آلودگی گوشی‌های تلفن همراه به انواع میکروب و باکتری ۵۰۰ برابر از کاسه توالت بیشتر است. حتی از صفحه کلید رایانه که آن هم آلوده است، این تلفن همراه آلوده‌تر است.

اسکناس و سکه کثیف‌های سنتی هستند. از قدیم کلی درباره کثیف بودن این دو برای‌مان گفته‌اند، از این‌که اسکناس و سکه دست هزاران یا حتی میلیون‌ها نفر در موقعیت‌های مختلف می‌چرخد. حتی ممکن است سکه را روی پیکری بی‌جان در کنار پیاده‌رو ببندازند. یا وقت خروج از توالت عمومی وقتی که نگهبان گیر می‌دهد که در تامین مخارج کمک کنید، یک اسکناس یا سکه بگذارید روی زمین. حالا البته با آمدن کارت‌های اعتباری الکترونیک کمتر از پول با این حد از چندان یاد می‌کنند. با این حساب اسکناس و سکه آلوده‌ترین اشیاء هستند. هر چند که یک چک‌پول با رقم بالا باشد. یا حتی صندلی قطار، اتوبوس، نیمکت پارک و

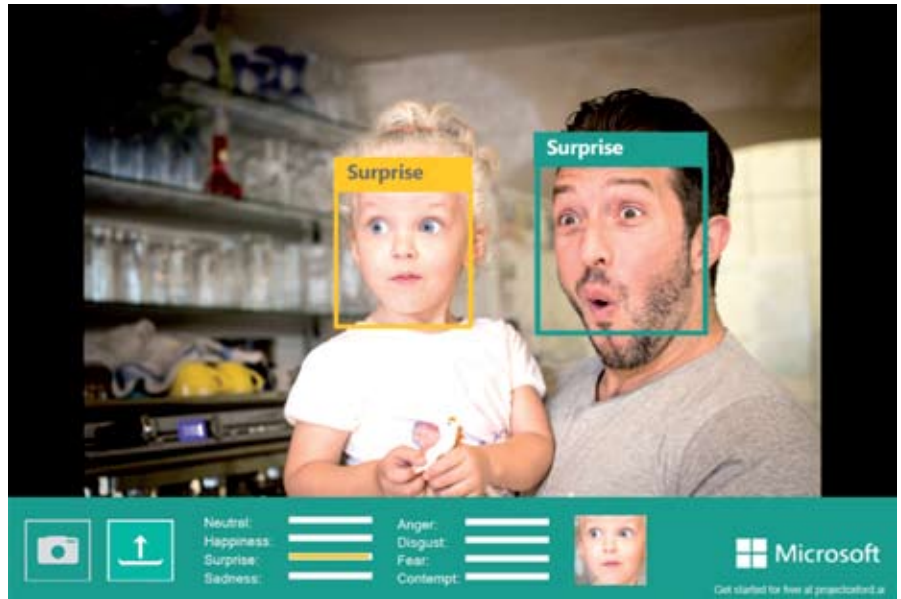
طبعاً ابزار خیلی دقیقی نیست و ممکن است شما سریع آبرویش را ببرید و بگویید که «نه بابا! کجا من غمگین بودم؟ خیلی هم شاد بودم. ولی من آدم درون‌گرایی هستم و این ابزار مایکروسافت درون‌گرایی و این جور چیزها سرش نمی‌شود.» طبیعی است که این هوش مصنوعی نتواند مثل هوش طبیعی حال‌وهوای شما را تحلیل کند. بدون مقایسه هم حتماً می‌دانید که این ابزارها در نسخه‌های بعد به مرور بی‌نقص‌تر می‌شوند. اما اصلاً چه نیازی به این ابزارهاست. وقتی که کسی به راحتی می‌تواند خودش حسش را بازگو کند؟ مثلاً خودش با جزئیات و با پیوست یک خاطره بگوید که در این عکس چه حال‌وهوایی دارد. درست است. اما حتماً جایی هم افراد حس خود را پنهان می‌کنند. یا اصلاً زمان و مجالی برای بیان نیست. مثلاً در استادیوم‌های فوتبال یا تجمعات دیگر، هواداران حواس‌شان به توپ فوتبال و بازیکن‌ها و به خصوص داور است که حق‌شان را نخورد!

اما برای کسانی که مسئولیت نظم و امنیت بازی را بر عهده دارند، مهم است که بدانند این افراد در حال حاضر چه حس‌وحالی دارند. این دانستن به آن‌ها کمک می‌کند که بهترین تصمیم را بگیرند. مثلاً اگر هواداران خشمگین هستند، روی اعصاب‌شان راه نروند یا اگر خوشحال هستند، خوشحالی‌شان را خراب نکنند.

این ابزارها می‌تواند در طراحی دوربین‌ها به کمک بیاید و در این نوع موارد اطلاعاتی هر چند اندک به مسئولان بدهد.

مایکروسافت چندی پیش یک ابزار دیگر هم ارائه داد که با تحلیل عکس سن و سال شما را اعلام می‌کند.

با این اوصاف بشر به سویی می‌رود که همه اطلاعات پنهان را هم کشف کند. امیدوارم هم‌زمان با این پیشرفت، به راه‌های حفظ حقوق و حریم خصوصی انسان‌ها هم فکر کنند. وگرنه انسان موجودی می‌شود تحت کنترل که نمی‌تواند جنب بخورد!



## مایکروسافت دست‌شمارارو می‌کند!

عکس‌ها هم مثل وسیله‌ها کلی خاطره با خودشان حمل می‌کنند. با دیدن یک عکس پرتاب می‌شوید به یک دوره تاریخی از زندگی و ممکن است کلی هم قربان صدقه خودتان بروید که «ای جان! چه کوچولو بودم».

توی یک عکس غمگین، در یک عکس شاد، در یکی عصبانی و خلاصه در هر عکس حسی از شما ثبت شده که خوب به یادتان می‌آید و شاید خودتان هم توضیحی به آن اضافه کنید که «این‌جا توی این عکس حالم خوب نبود. دوستم از شهر ما رفت و من غمگین بودم».

این‌جا عروسی خواهرم بود و من حسابی خوشحال بودم.

اما گاهی بعضی از عکس‌ها آدم را به شک می‌اندازند که این‌جا چرا این‌جوری بودم؟ چه شده بود؟ حالا مایکروسافت ابزار آن‌لاینی ارائه کرده که عکس‌های شما را تحلیل می‌کند و به شما می‌گوید که حس‌وحال شما در این عکس چه بوده. البته قرار نیست همه کار بکنند و مثلاً دلیل حس‌وحال‌تان را هم بگوید و خاطره‌هایتان را برای‌تان یادآوری کند.

کاری که باید بکنید، این است که به نشانی [projectoxford.ai/demo/Emotion](http://projectoxford.ai/demo/Emotion) بروید، عکس مورد نظر را ارائه کنید و منتظر بنشینید تا مایکروسافت با عدد و رقم اندازه خشم، تحقیر، انزجار، ترس، شادی، خنثی بودن، غم و شگفتی (Anger, Contempt, Disgust, Fear, Happiness, Neutral, Sadness, Surprise) را در چهره شما اعلام کند.

جدا از تماس مکرر دست با این ابزار در مکان‌ها و حالات مختلف، گرمای تلفن همراه امکان رشد باکتری و میکروب‌ها را تا چند برابر افزایش می‌دهد.

خودتان می‌دانید (نتایج تحقیقات هم تایید کرده) که یکی از مکان‌هایی که تلفن همراه در آن بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، در همان توالت‌ها و دست‌شویی‌هاست. انگلیسی‌ها رکورددار هستند در جهان و دست از تلفن همراه در توالت هم برنمی‌دارند.

آقای بنا هنگام خاک‌بازی، نانوا هنگام پخت نان، تعمیرکار هنگام تعمیر خودرو، کارمند بانک هنگام پول‌بازی، پرستار هنگام خون‌بازی و خلاصه هر کس هنگام کار تلفن همراهش را هم جلوی صورت می‌آورد و از آن استفاده می‌کند. طبیعی است که این شیء یکی از آلوده‌ترین اشیاء باشد.

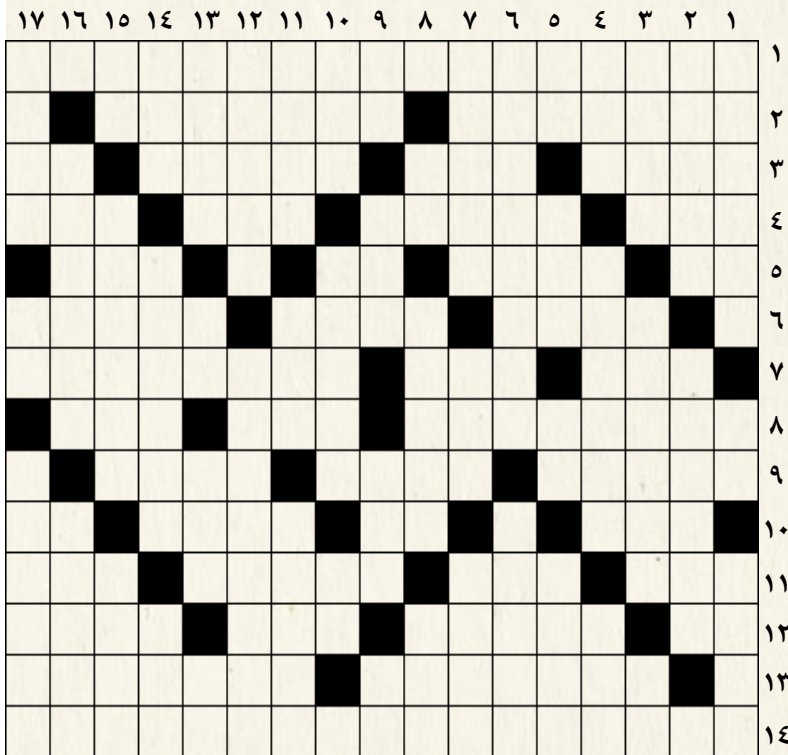
تماس مداوم دست با آن می‌تواند امکان انتقال میکروب و بیماری را افزایش دهد. پزشکان تمیز کردن پیوسته تلفن همراه را توصیه می‌کنند. آن هم با ضدعفونی‌کننده‌هایی که به تلفن همراه هم آسیب وارد نکنند.



## یک فنجان چای

sargarmi.kharazm@gmail.com

خوانندگان گرامی مجله در این صفحه شما را دعوت می‌کنیم. تا ضمن سرگرم شدن با یافتن پاسخ مربوطه در قرعه کشی جایزه‌ای نفیس شرکت کنید. با جواب دادن به جدول این صفحه اسم خود را در گردونه شانس قراد دهید. در ضمن پاسخ‌های خود را تا تاریخ ۲۰ هر ماه به آدرس ای میل صفحه ارسال کنید. همراهان گرامی جواب‌ها را هم در شماره آینده و خازرم مشاهده خواهید کرد.



### افقی:

### عمودی:

۱. نویسنده انگلیسی رمان جزیره گنج
۲. خودکفایی - پایتخت گینه
۳. جوانمردی - اسب قاصد - نزدیکان - رمق
۴. موی گردن اسب - کمک‌رسانی - قسمتی از پا - حشره دانه‌کش
۵. صدمتر مربع - شیرینی حلقه‌ای - پروردگار - جوانمرد
۶. سرور - جنبش - ماده انفجاری
۷. کلام مخفی - منفرد - حرکت ورزشی
۸. کشور آسیایی - پور - زمان
۹. ابزار - خانه بیلاقی - دل‌زده
۱۰. ضمیر عربی - حرف فاصله - اشاره به دور جمع - مسیر شاعرانه
۱۱. پول خرد هندی - بخشش - زبان ما - مار خطرناک
۱۲. فلز تمدن - ضال - ناشفاف - میوه هزارانه
۱۳. کمیساریا - رودی در استرالیا
۱۴. نویسنده آمریکایی رمان آناکریستی
۱. شهر شمالی - خدای درویش - نوعی فعل
۲. رموز - عهد نوزایی
۳. نام زنانه - جنس مونث - ناراست
۴. نازک‌دلی - از روسای جمهور آمریکا - از رنگ دانه‌های فرعی
۵. تپه - نخست - عدد خطی - خروشان
۶. فیلمی از چارلی چاپلین - نام مردانه
۷. به دنیا آمدن - معقر - سفینه فضایی
۸. من و تو - شادباش - صدای درندگان
۹. عدد اول - فهم - خودستایی - مساوی
۱۰. نغمه - سریع - مادر عرب
۱۱. شهر غرب ایران - پرستار - احترام قلبی
۱۲. یغما - کشو اروپایی
۱۳. آحاد - از چارپایان - لجن - علامت مفعول بی واسطه
۱۴. تخیلی نویس فرانسوی - از بزرگ‌ترین شهرهای کشور میانمار - میوه تلفنی
۱۵. ساز شاکي - ژنرال فرنگی - کشور آفریقایی
۱۶. رمان هوگو فرانسوی - دارای جنون
۱۷. فقیر - عید ویتنامی‌ها - از نوشیدنی‌های گیاهی



از این شماره با مسابقه چهره شناسی در خدمت شما خوانندگان و همراهان همیشگی مجله هستیم. شما می‌توانید نام چهره مورد نظر را حدس و برای ما ارسال نمایید.



راهنمایی: یکی از بازیگران سینمای ایران

پاسخ شماره قبل: رضا کیانیان

## ترفندستان: ایمیل موقت

ایمیل موقت و یا یکبار مصرف نوعی آدرس ایمیل است که برای یک زمان مشخص و موقت به شما تعلق دارد که در طول این مدت امکان دریافت ایمیل را دارد و پس از آن پاک می‌شود. ایمیل موقت یک راهکار مناسب برای در امان ماندن از دریافت ایمیل‌های تبلیغاتی و هرزنامه‌ها می‌باشد پس در صورتیکه نگران استفاده تبلیغاتی از آدرس ایمیل خود هستید، پیشنهاد ما استفاده از سرویس ایمیل موقت است.

شما با استفاده از این سرویس می‌توانید برای خودتان یک آدرس ایمیل ۲۰ دقیقه‌ای (قابل تمدید) داشته باشید و در سایت‌هایی که نیاز به ثبت نام دارند با خیال راحت ثبت نام کنید بدون اینکه نگران سو استفاده از آدرس ایمیل خود و دریافت ایمیل‌های ناخواسته و تبلیغاتی باشید. از ایمیل موقت همچنین برای ثبت نام چند باره در سایت‌هایی مثل شبکه‌های اجتماعی و سرویس‌های آنلاین رایگانی که خدماتی را به شرط عضویت ارائه می‌نمایند استفاده می‌گردد. پس فرصت را از دست ندهید و برای ساخت یک ایمیل موقت به آدرس زیر مراجعه کنید.

[www.emeil.ir](http://www.emeil.ir)

## پاسخ جدول و برنده شماره قبل

خانم مهری جلالیان به قید قرعه برنده

شماره قبل نشریه است که برای دریافت جایزه با

ایشان تماس گرفته خواهد شد.

